



دوره هفتم تقنینیه

جلسه	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره
۱۱۳		۱۱۲
تاریخ تأسیس آذر	مندرجات	قیمت اشتراك
۱۳۰۵	فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود	قیمت ایران سالانه ده تومان تارچه « دوازده تومان
جلسه سه شنبه ۱۲	پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود	قیمت يك شماره
فروردین ماه ۱۳۰۹	مطبعة مجلس	يك قران
مطابق غره ذبیحده		
۱۳۴۸		

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه دوازدهم فروردین ماه ۱۳۰۹ (غره ذی قعدة ۱۳۴۸)

## فهرست مذاکرات

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) فزات خبر کمیسیون عدله راجع به تعقیب فیروز میرزا
- ۳) شور دوم و تصویب لایحه حق الثبت وسائط نقلیه
- ۴) تصویب مرخصی آقای صالحی
- ۵) طرح و تصویب لایحه مالیات بر شرکتها و تجارتها
- ۶) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس يك ساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس روز پنجشنبه هفتم فروردین ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

رئیس - آقای مؤید احمدی  
 حالیکه هر دو مریض بودند و استعجازه هم کرده بودند  
 مؤید احمدی - در صورت حاضر و غائب آقای اورنگ خواستم توضیحاً عرض کنم که اصلاح شود  
 آقای امیر ابراهیمی را غائب بی اجازه نوشته اند در رئیس - آقای پالیزی

عین مذاکرات مشروح صد و سیزدهمین جلسه از دوره هفتم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵)

دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است: غائبین با اجازه - آقایان روحی - حیدری - محمدعلی میرزا دولتشاهی - امیر دولتشاهی - امیر دولتشاهی - مفتی - محمد علی میرزا دولتشاهی - فرخی - احتشام زاده - طالش خان - ارباب کخسرو

غائبین بی اجازه آقایان - امیر ابراهیمی - میرزا حسنخان وثوق - قراقرزو - بوشهری - آصف - اعظم - حاج میرزا بیابان - لرستانی - موقر - قوام - اورنگ - حاج رحیم آقا - میرزا ابوالفضل - آقا رضا مهدوی - حاج حسین آقامهدوی - حاج علی مدرس - حاج حسن آقا ملک - حاج غلام حسین ملک - محمد آخوند

در آمدگان با اجازه - آقایان عبدالحمید خان دیا - انجمنی - دکتر امیر علم - در آمدگان بی اجازه - آقایان محمد ضیائی - وهاب زاده - پالیزی - عدل - ناصر

پالیزی- بنده هم در جلسه گذشته استجازه کرده بودم چون در اینجا دیر آمده بی اجازه نوشته بودند میخواستم عرض کنم اصلاح شود  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در قانون لایحه مالیات بر عایدات بیانی را که راجع به بنده نوشته اند مثل این است که بنده موافق بوده ام برای اینکه میگوید مالیات گذشته مخالف و این مالیات را هم برای کارهای عام المنفعه در صورتیکه بنده در اصل لایحه اش مخالف بودم این توهم نشود.

رئیس - آقای زوار  
زوار - البته آقایان تصدیق دارند که اجازه هائی که از مقام ریاست میخواهند مراجعه میشود بکمسیون البته شرط تصویب کمسیون یا عدم تصویب کمسیون است و هیچ تبعیضی در کار نیست وقتی که اجازه میرسد بکمسیون ها تصمیماتی گرفته شده آتھائی را که موافقت نداشته اند تصویب نکرده اند و آتھائی را که موافقت تصویب میکنند.

رئیس - آقای عدل  
عدل - در صورت مجلس يك عده را غائب بی اجازه نوشته اند که از جمله بنده هستم که تقریباً یکساعت بدندان ساز مراجعه کرده بودم و استجازه هم کرده بودم نمیدانم چرا کمسیون تصویب نکرده است در صورتیکه اجازه بنده هم قبل از موقع تشکیل جلسه بوده اگر میگویند صندوق اعانه خالی میماند بنده باید بدهم بنده یکساعت آنهم برای مراجعه طبیب قبل از تشکیل جلسه استجازه کرده ام در جلسه هم که حضور داشته ام حقیقه این برائضافی است مثل اینکه آقای امیر ابراهیمی هم که مریض هستند غائب بی اجازه نوشته اند

رئیس - قضیه مربوط بکمسیون است و هیچوقت

معمود نبوده است که در اینجا مطرح شود و اگر اجازه بفرمایند از قضایائی است که ذات البین است و باین بین خود آقایان و کمسیون حل شود دیگر در صورت مجلس ابرادی نیست؟ (گفتند خیر) صورت مجلس تصویب شد

[ ۲ - قرائت خبر کمسیون عدلیه راجع به

تعقیب فیروز میرزا ]

رئیس - خبر کمسیون عدلیه دایر به تعقیب وزیر مالیه سابق قرائت میشود.

ساحت مقدس مجلس شورای ملی شیدالله از کانه بر اثر ارجاع خبر کمسیون عرایض دائر بقابل تعقیب بودن راپرتی که مدعی العموم دیوان جزای عمالدولت بوسیله آقای وزیر عدلیه مشعر به نسبت ارتشاء به آقای فیروز وزیر سابق مالیه بمجلس شورای ملی تقدیم داشته بود - کمسیون عدلیه بموجب ماده چهارم قانون محاکم وزراء موضوع فوق الذکر را مورد مطالعه و مذاکره قرار داده و برای تکمیل تحقیقات از اشخاص لازم و تحقیق از شخص متهم دو کمسیون فرعی انتخاب نمود

کمسیونهای فرعی تحقیقات لازم را بعمل آورده و هر يك راپرت خود را بکمسیون قوانین عدلیه تقدیم داشتند کمسیون پس از مذاکره در راپرتها و رسیدگی کامل بفضیله بنحو ذیل رأی داده و خبر آنرا تقدیم میدارد

در موضوع راپرت مدعی العموم دیوان جزای عمل دولت مشعر باینکه بموجب دوسیه تحقیقاتی مقارن تصفیه حساب آقای حاج حسین آقا مهدوی بنمایندگی فرزند ایشان (آقا حسن آقای مهدوی) با بانک ایران و رفع توفیق از املاک شخصی معزی الیه که در ازای بدهی ایشان از طرف وزارت عمالیه در توقیف بوده است آقای فیروز وزیر سابق مالیه باخذ رشوه بمبلغ شانزده هزار تومان متهم شده است کمسیون عدلیه بجهت آتیه اینطور رأی میدهد

نظر بقرائن و امارات موجوده در دوسیه که از طرف پارکه دیوان جزای عمل دولت بوسیله آقای وزیر عدلیه بکمسیون داده شده و نظر بتحقیقاتی که کمسیونهای

فرعی مأمور از طرف کمسیون عدلیه بعمل آورده اند کمسیون قوانین عدلیه آقای فیروز وزیر سابق مالیه راقابل تعقیب دانسته و با ارسال دوسیه امر بوزارت عدلیه مطابق قانون محاکم وزراء برای تعقیب قضیه در دیوان عالی نیز موافقت میکند

رئیس - قضیه بوزارت عدلیه ارجاع میشود.

[ ۳ - شور دوم و تصویب لایحه حق الثبت

وسائط نقلیه ]

رئیس - خبر ثانوی کمسیون قوانین مالیه راجع حق الثبت مطرح است. آقایان در نظر داشته باشند که از روی این ورقه که قرائت میشود اوراق خودشان را تصحیح کنند

کمسیون قوانین مالیه با حضور نمایندگان محترم دولت و بررانی لایحه حق الثبت وسائط نقلیه را بمضمیمه پیشنهادات اصله من شور اول از طرف آقایان نمایندگان محترم مورد نظر و مذاکره قرار داده و با اصلاحات لازمه خبر آن را بهر تقدیم مجلس مقدم میدارد.

ماده ۱ - از تاریخ اجرای اینقانون حق الثبت از وسائط نقلیه بترتیب اقساط ماهیانه ماخوذ خواهد شد

- الف - از انومیل های بارکش کامیون سالیانه
- ب - از کامیونهای يك تونی و دو تونی ۶۶ تومان
- ب - ۳ ، ۴ ، ۵ ، ۶ و ۷ تونی ۸۴ ، ۱۰۸ ، ۱۲۰ ، ۱۸۰ ، ۳۶ ، ۳۶ ، ۱۸ ، ۱۲

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - الحمدالله مملکت ما مملکتی است

مشروطه مشروطه یعنی چه یعنی ملت يك وکلایي بك عقلائی انتخاب کنند که در این جا بیابند و موافق مصالح مملکت برای آنها کار کنند بنده هم میخواهم که این مشروطه بتمامه در جریان باشد باین ملاحظه است که همه روزه اسباب تصدیع خاطر آقایان میشود البته هر کسی در ترقی مملکت يك عقیده دارد بنده و شاید اغلب آقایان هم این عقیده را داشته باشند ترقی مملکت را بنده فقط بزیاد شدن عایدات نمیدانم بلکه باید اول سعی کرد بهر وسیله که هست عایدات مردم را زیاد کنیم بعد از او عایدات دولت زیاد شود شاید هم گفته شود که اول باید عایدات دولت زیاد شود بعد عایدات مردم بنده عرض میکنم يك وقتی عایدات این مملکت نه کرور بوده و حالا بحمدالله صد کرور شده است البته باید بهمان نسبت هم ما در ترقیات مملکتی پیشرفت کرده باشیم ترقی مملکت را بنده فقط به ایجاد راههای شوسه نمیدانم و اصلاحات دیگری هم هست که آنها خیلی اهمیت دارد این اصلاحاتی را که حالا اینقدر اهمیت میدهند بنده باین اندازه ها مهم نمیدانم بنده مهمتر از همه این میدانم که باید کاری کرد که جلب رضایت مردم شود اتحاد ملی ایجاد شود هیچگونه اختلافی در بین مردم پیدا نشود باید مردم را صاحب ثروت کرد و آسایش برای آنها فراهم کرد بنده مکرر عرض کرده ام با اینکه از بس تکرار کرده ام خجالت میکشم ولی باز تکرار میکنم چکنم بنده عقیده ام این است که بعد از امنیت و بعضی چیزهای دیگر یگانه چیزی که باعث ترقی و آبادی مملکت است این را هم میدانم که امروزه که زندگانیها تغییر کرده غیر از زندگانی پنجاه سال صد سال پیش است اگر چنانچه میشد مثل پنجاه شصت سال پیش زندگی کنیم ممکن بود که درهای مملکت را به بندیم و یکقدری گندم و بعضی چیزها تحصیل کنیم و چند تا بز و میش تهیه کنیم و زندگانیمان را اینطور ادامه دهیم ولی حالا نمیشود اینطور زندگانی کرد و باید مثل دیگران شد حالا که باید مثل دیگران بشویم باید کاری کنیم

که مثل دیگران هم بتوانیم ثروت این مملکت را زیاد کنیم همانطور که عرض کردم که از اقصی بلاد میروند بجهت ایجاد ثروت برای مملکت خودشان از لندن میآیند اینجا بجهت یک چاه نفت یا از امریکا میآیند این جا بجهت کارهای دیگر خوب حالا که ما بجایهای دیگر نمیتوانیم برویم البته باید در مملکت خودمان کار کنیم در مملکت خودمان هم که امروزه وسائل زندگانی تغییر کرده و رفته است روی اتومبیل ها اگر چنانچه ما بخواهیم خر سواری بکنیم نمی شود وقتی که ما میخواهیم اتومبیل داشته باشیم مثل دیگران بایستی وسائل آن را هم از خودمان فراهم کنیم یکی از وسائل نگاهداشتن اتومبیل ها و اتوبوس هانفت است و بنزین است حالا يك معدن نفتی اگر در عبادان است اختیارش را ب دیگران داده ایم بعدها ممکن است انشاء الله كاملاً متعلق بما شود ولی حالا يك اندازه اختیارش را ب دیگران داده ایم حالا آهم میشود ما از این قبیل سی هزار تا داریم بر ما واجب است که این اضافه عایدات را از این راه تهیه کنیم حالا آقای وزیر عدلیه خدا حفظشان کند بیروز فرمودند که فلانکس منکر مالیات است بنده منکر مالیات نیستم بنده عرض میکنم که شما صد کرور مالیات میگیرید خوب این صد کرور را به صرف برسانید اگر کسر داشتید باز بگیرد بنده عقیده ام این است که ده کرور بیست کرور از این پول را تخصیص بدهیم به استخراج معادن ایجاد کارخانجات این از همه مهمتر است امروز در مملکت ما شاید سالی سی کرور پول نفت و بنزین میدهند برای اتومبیل ها چراغها کارخانجات که الحمد لله نداریم فی الحمله آهم آهنگری ها ممکن است يك مبلغی برای استخراج يك چاه نفت تخصیص بدهیم شاید باز هم مثل بیروز که آقای وزیر عدلیه از قول بنده فرمودند که ما از امریکا بیشتر ثروت داریم بنده عرض نکردم که بیشتر ثروت داریم بلکه عرض کردم که ما از امریکا معادن دست نخورده بیشتر داریم البته همه آقایان بهتر از بنده میدانند

که ما چقدر معدن نفت داریم معدن آهن داریم معدن ذغال سنگ داریم و استخراج اینها برای ما محال نیست ما هم بشیرم در چند جلسه قبل هم عرض کردم که چند سال پیش از این کارخانه کاغذسازی داشتیم چه شد آیا بقیه را رفتیم که از بین رفت پس میشود درست کرد امیدواریم که نظر دولت روی این قسمت باشند این عایداتی که داریم که شاید در سال آتی صد و پنجاه کرور میشود ما اگر چنانچه يك خمسش را صرف ایجاد کارخانجات استخراج معادن بکنیم ثروت این مملکت آتونی زیاد خواهد شد و الا خوب ما تا بحال نفت و بنزین نمیخواستیم پولمان هم بخارج نمیرفت حالا حس کردیم که لازم داریم خوب لباسها مان که از آنجا میآید دواها مان از آنجا میآید ارسی و کفش مان که از آنجا می آید اینهمه میوه جات ما در بازار ها فاسد میشود عویش کالیفرنیا میخوریم بایستی این احتیاجات را کم کرد ما میخواهیم مثل سایر ممالک ترقی کنیم خود آقایان اگر توجه بفرمایند میدانند که ما ترقیمان چه خواهد بود ترقی که نمیکنیم هیچ بلکه بچاه و بل هم فرو خواهیم رفت امیدواریم که این رویه را دولت تعقیب کند که ایجاد کارخانجات بشود ایجاد معادن بشود و بعرض بنده متوجه باشند خوب این ممکن است يك وقتی از زمین انسان يك چیزی هم بیرون بیاید که خلاف عقیده من است این را نباید در نظر گرفت باید مقاصد بنده را مراعات کنند که مقصود چیست اگر چه میفرمایند مقصود تور اچه میباشد و از زبان تو جواب میدهم زبان من همین است که ما باید در استخراج معادن و ایجاد کارخانجات بکوشیم و اگر باین ترتیب باشد و با این احتیاجی که بخارج پیدا کرده ایم سه چهار سال دیگر هیچ نداریم احتیاجات که زیاد شد مردم رو فقر میروند الفقر کاد ان بكون کثیراً آنوقت همه روزه اسباب زحمت برای مجلس و دولت فراهم میشود باید يك کاری کرد که مردم گرسنه نباشند خوب شما در همین قانون می خواهید از گاری دو اسبه یا چهار چرخه فلا ندر بگیرد به بینید این کارها همه عایدات

چست که ما اینقدر مالیات بگیریم بلکه ما باید مردم يك کنیم در خارج دیده می شود که وقتی که ایجاد يك کارخانه می شود دولت از بودجه عمومی خودش همراهی میکند که آن کارخانه از بین نرود ما هم باید همین رویه را تعقیب کنیم باید کاری کرد که مردم صاحب ثروت شوند و خدا شاهد است که بنده مقصود از این عراضم خبر دولت و ملت و مملکت است و هیچ غرضی ندارم و هیچ مرضی انشاء الله ندارم

وزیر عدلیه - با اینکه ظاهراً پس از بیانات نماینده محترم باید آقایان تصور کنند که وضعیت بنده در مدافعه چندان آسان نیست برای اینکه بنده بعد از این بایستی در پشت الفاظ و عبارات ایشان بروم و نیات ایشان را حدس بزنم و جواب بدهم آنچه را که بنده آشنا هستم به عقاید و نیات ایشان خیلی وافق و کافی است و خیلی خوب مقصودشان را می رساند منتها بدبختانه بایستی در مقابل فرمایشاتی که کردند و فبلاهم فرموده بودند و جواب داده شده است بنده هم جواب عرض کنم و تکرار کنم از آقایان هم خواهش میکنم که بنده را معفو بدارند برای اینکه ایشان مکرر کردند و بنده هم باید تکرار کنم بنده در قسمت اول فرمایش ایشان که میفرمایند ترقی مملکت بزیادی عایدات دولت نیست این را حقیقت خوب است که ما بگذردی برسیم و بگذردی دقت کنیم به بینیم عملی است این چیزی که ایشان میگویند وقتیکه يك مملکتی میخواهد ترقی کند يك کار هائی است که میبایستی مردم بکنند از برای اینکه آن مملکت رو بترقی و تعالی برود يك مقدمات دیگری است که دولت باید فراهم بیاورد که مردم بتوانند کار کنند آن مقدماتی را که دولت باید بعمل بیاورد و کار هائی را که باید بکند عبارتست از ایجاد امنیت ترتیب طرق و بالاخره تسهیل وسائل ارتباطیه فلکرافست و امثال اینها امنیت در معاملات تشویق اشخاص که ایجاد ثروت بکنند در مملکت تولید ثروت

بکنند حفظ طبقاتی که کار میکنند جلو گیری از اشخاصی که بمقت خوری عادت کرده اند بالاخره این ها یکمشت يك دسته يك مجموعه کار هائی است که دولت میکند بالاخره يك قسمت کار هائی هم هست حالا که جاده درست و صاف شد بایستی افراد کار حمل و نقل را عهده بگیرند ولی آخر اغاب کارها و مقدماتی را که دولت بایستی فراهم بیاورد و بکنند اینها پیش از آن کار هائی است که مردم بایستی بکنند . اگر دولت آن کارها را نکند . راه ایجاد نکند . امنیت ایجاد نکند . اگر وسائل ارتباطیه را زیاد نکند مردم نمیتوانند کار بکنند تجارت بکنند يك عده زیادی از مردم با کمال حسن نیت با کمال اینسکه میل دارند کار کنند و از کار خودشان استفاده بکنند زندگانی بکنند بیکار میمانند مفت خور میشوند و اسباب زحمت خودشان و دیگران میشوند اما اگر دولت آن مقدمات را فراهم آورد و وسیله کار بدست مردم شد حالا وقتی يك دولتی میخواهد این کارها را بکند چه جور میکند این کارها هم هیچ کدامش بدون خرج نمیشود هیچکدام از این کارها نیست که باصلاح بگویند با صلوات بشود يك صلوات بفرستند دولت یا هیئت دولت در جلسه رسمی بنشینند و بگویند يك صلوات میفرستیم و راه قم تا کاشان باز میشود ولی بدبختانه اینها يك کار هائی است که پول باید داد پول باید ریخت و کار کرد حالا اگر این پول را قبول کردید اگر منطق بنده تا اینجا صحیح بود که يك مقدماتی از برای کار های اقتصادی لازم است که دولت بکند و اگر نکند مردم نمیتوانند کاری از پیش ببرند و از برای فراهم آوردن آن مقدمات هم بایستی مسکوک طلا و نقره و یا نمائنده آنها را درست کرد ولی آزا سهلتر باید فراهم کرد و وسائل این باید در دست دولت باشد تا دولت بتواند این راه را باز کند یا يك اقدام دیگر یا يك مقدمه دیگر را فراهم آورد خوب از کجا دولت باید این پول را بیاورد چند فرض بیشتر نیست یا این است که دولت این پول را دارد

ذخیره کرده است و گذاشته بوده است دولتهای قبل از او آمده بودند و برای روزگار يك مقدار پولی را گذاشته بودند کنار و حالا دولت دست می اندازد و از آن خزینة سرشار و ذخائر خودش پول بر میدارد و میریزد این یکی یکی دیگر این است که بیاید قرض کند قرض کند دیگر میگوید من میخواهم این کارها را بکنم و حساب میکنم که اگر این قدر قرض بکنم و این قدر هم نفع بدهم آنوقت این قدر از منافع منافع منافع خواهد برد این هم يك وسیله است وسیله سوم این است که بیاید با افراد مملکت خودش بگوید که برای این کار هائى که من میخواهم از برای شما بکنم وسائل کار شما را فراهم بکنم شما را از فقر در بیاورم بشما وسائل زندگانی آدم بدهم شما يك مقدار از دارائی خودتان از عایدات خودتان را بمن بدهید و بعد از استفاده کنید بنده که طریق را بمی بینم اگر آقا داشته باشند به بنده بفرمایند البته موافقت میکنیم حالا آمدیم در این سه طریق یکی یکی را دقت میکنیم یکی اینکه باید پول هائی برای ما ذخیره باشد بنده که هر چه چشم میاندازم اینطرف و آنطرف نمی بینیم که گذشتگان ما بخيال این اقتاده باشند که که يك پولی کنار گذاشته باشند که ما امروز بتوانیم با آن پول مملکت را آباد کنیم وارونه این قضیه را آقا خوب اطلاع دارند. (فیروز آبادی - معادن را استخراج کنید) و لازم نیست بنده زیاد عرض کنم (نماینندگان - صحیح است) طریق دیگر این است که قرض کنید بنده این جا دلیلی نمیآورم هر کدام از آقایان اینجا عقیده دارند که مملکت ایران از برای کارهای اقتصادی خودش در این وقت یکوقتی اگر مصلحت بداند کار نداریم ولی امروز با این وضع ما این عقیده را نداریم پس بنا براین يك راه باقی میماند دیگر آن راه که بنده چندبار عرض کردم و فارسی خودمانی معمولیش مالیات است همین که پول بدهید بمن و من از برایتان کار کنم و بعد از استفاده برید. عبارت معمولی

آن مالیات است مالیات بدهید ما هم از برای شما کار میکنم آقا باز میفرمایند معادن معادن عجب آقا معادن ثروت بالقوه است معدن پول نیست معدن را بایستی خرج کرد تا توانست از ثروت پول در آورد (فیروز آبادی در آوريد) آقا میفرمایند بکنید اما اگر حالا هم نمی فرمودید در وسط نطق بنده هم حرف نمیزد چنانکه دیدید بنده در وسط نطقان حرف نزدم بخاطر بود و الان میگفتم از برای خاطر اینکه بخواهد شخص معدن در بیاورد باید پول خرج کند ولی اگر مقصود آن از معدن معدن گچ و آهن است این را مشهدی حسین و مشهدی حسن هم این کار را میکنند اما اگر گفت را میگوئید فقط میلیونها خرج دارد تا استخراج کنید آقا مگر نمی بینید آهنائی را که میکنند در مملکت خودشان هم کرده اند چرا يك چیزهائی را که صحبت کردیم باز از سر میگیرید و تکرار میکند کدام معدن است که ما میتوانیم میلیونها از ثروت در بیاوریم و فقط کار شما عبارت از این باشد که دست دراز کنید طرف آن معادن و چهار تا دوهزاری توی دستتان نباشد که بتواند از آنجا پول در بیاورد و استفاده کنید میلیونها باید اول خرج کرد و باز هم عرض میکنم تکرار میکنم اول باید فهمید آن معادن را باید استخراج کرد بنده اینطور نیست که آقا تصور میفرمائید هر معدنی فایده دارد اینطور نیست و هر وقت شنیدید که امروز يك جائی معدنی هست فوری ما باید برویم استخراج کنیم استخراج معدن در وقتی باید بشود که اول شما باکال دقت اشخاص مطلع و متخصص بیاورید حساب کنید نگاه کنید و به بینید که اگر شما از این معدن آهن و مس و مسان و موادی که هست استخراج کردید اینرا میتوانی به بازارهائی که در دنیا هست برسانید و استفاده کنید و الا اگر بنا باشد شما يك معدنی داشته باشید که بازنه قران خرج کنید و بیکتومان در بیاورید آنوقت رو بپوشانگی خواهید رفت این که نشد باز امروز فرمودید همه میدانیم همه کجا هستند که میدانند کدام معدن است که با بایستی

استخراج کرد بنده شما و همه آقایان میدانیم که بطور يك معادنی در ایران هست و بطور کلی هم میدانیم که قابل استفاده است ولی از برای اینکه بدانیم چقدر باید ببریم از برای اینکه بدانیم کدام يك از اینها فایده دارد باید يك مقدماتی فراهم آورد و اشخاصی باشند که تحقیق کنند بعد از آنکه نقشه اش را کشیدند و معدن را خوب معلوم شد که میتوانیم ما از آن استفاده کنیم وقت باید اقدام کنیم پس بنا بر این بر میگردیم و خلاصه میکنیم که از برای ترقی مملکت زیاد عایدات دولت و عایداتی که بایستی صرف مخصوصاً کارهای اقتصادی بکنند شرط اول و شرط اول و باز هم عرض میکنم شرط اول است و آنطوریکه آقا میفرمایند عایدات لازم نیست و بفرمایند که بكمقدار از این مصارفی که الان میکنیم ضروری نیست و ما میتوانیم از این پولی که می گیریم يك ده پانزده کروری را خذف کنیم این جا البته يك ارزش فکری است اگر آن سیستم ایشان را عمل کنیم حقیقت مسئله بر غیر عملی بنظر نمیرسد انصافاً پیش خودتان اگر نگاه کنید یا در این جافرض کنید بودجه عدلیه داریم يك میلیون و خرده خوب این برای چه چیز خرج میشود برای اینکه ما میگوئیم بقاضی باید فلاقتدر حقوق بدهیم ما خوب آقا عادتشان اینست که هر چیزی شما آوردید بگویند نصفش می کنیم حقوق فلان آدم صد تومان است ایشان پیشنهاد می کنند پنجاه تومان شما می فرمائید از دست از برای اینکه من بروم تارشت بلبط بخرم اینقدر پول بدهم ایشان میگویند نصفش را بده اگر بنا باشد که ما منطبق آقا رفتار کنیم تمام بودجه ها را شما بگیرد از آن بالا با این نصف کنید نصف تمام این مصارفی که دارید از این میروند و نصف این پول از برای شما باقی میماند يك پولی خواهد بود که می توانید با آن معدن استخراج کنید ولی بد بختانه ما نمی توانیم این پولها را نصف بکنیم و وقتی که میبایم حقوق آنها را نگاه می کنیم در عین اینکه بنده هم تصدیق می کنم که ممکن است در يك جائی

هم يك پولی ببخود مصرف شده باشد که بشود برای آن يك راهی درست کرد بله در هر جائی می شود شما خودتان یا هر کدام از آقایان در زندگانی خودتان هر قدر صرفه کنیم و با کمال مواظبت خرج کنیم باز می بینیم که يك پولهای بی مصرف خرج شده است و ما نتوانستیم نگاهداری کنیم خوب در يك بودجه مملکتی که چندین میلیون است البته ممکن است از يك میلیون که شما بفلان آدم حقوق میدهید در سال پنجاه هزار تومانش را کم کنید اما با این آنها میشد آقا دریا درست کرد دریاچه هم نمیشود درست کرد آنوقت شما میخواهید نویس کشتی هم ببندازید! بنا بر این بنده خلاصه می کنم عرض خودم را که ضرورت دارد از برای ترقی مملکت از زیاد عایدات دولت نظر هم در اینجا برخلاف آقا نظر بنده و نظر هیئت دولت باین نیست که ما جلب رضایت مردم را بکنیم امروز که بنده این حرف ها را این جا میزنم ممکن است عصر هزارها نفر در مملکت به بنده بد بگویند اما اهمیت ندارد چرا برای اینکه پنج سال ده سال بعد عده مردمیکه امروز فحش دادند عده مردمی که امروز ناراضی هستند وقتیکه منافع این را دیدند وقتیکه دیدند مملکت ترقی کرد و از بد بختی در آمدند وقتیکه دیدند کار پیدا کردند آن روز تصدیق خواهند کرد که حق با آنهاست است که این کارها را کرده اند شما وقتیکه میخواهید يك مریضی را مداوا کنید چه میکنید شما هیچ نگاه نمیکنید به بینید او چه میخواهد شما میکنید آنچه که برای او مصلحت است و آن را بهش میدهد طبیب (صحیح است) و هر چه او گفت عمل نمیکنید يك کاری نمیکنید که او خوشش بیاید يك مملکتی که اکثریت مردمش نمیتوانند تشخیص مصالح خود را بدهند وظیفه دولت است که تکلیف خودش را بفهمد و مثل گذشتگان نیست که به بیند مردم چه میل دارند و از چه راضی میشوند در يك مملکتی که هنوز مردم آن مملکت تربیت اجتماعی و سیاسی پیدا نکرده اند اهمیت ندارد بلکه مضرات دنبال فکر مردم رفتن رو به عقب رفتن است بلکه باید تشخیص فکر مردم را کرد

و مطابق آن تشخیص عمل کرد و آنوقت که همان مردم دیدند مصالح خودشان را خوب تشخیص داده اندراضی هم خواهند بود بنا بر این امید بترقی هم داریم و روه به ترقی خواهیم رفت و قطع هم دارم که از چند سال پیش باینطرف در مقابل اشخاص منصف این مملکت يك ترقیاتی کرده است که در پانزده سال پیش از این اصلا قابل تصور هم نبود و همینطور هم در چند سال بعد طوری تفاوتها محسوس شود که انشاء الله در خدمت خود آقا باشم و آنوقت بگویند که شما حق داشتید و من آن روز یقعدری سختی کردم و شما هم حسن نیت داشتید و باهم راه هم خواهیم رفت

رئیس - پیشنهاد ها قرائت میشود

پیشنهاد آقای دشتی

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

بنده پیشنهاد میکنم فقره (ج) ماده اول بطریق ذیل اصلاح شود

ج - از اتوبوس های کرایه برای مسافرین

۱ - اتوبوسهایی که گنجایش نا ۲۰ نفر دارد صد و بیست تومان

۲ - اتوبوسهایی که ظرفیت آنها از ۲۰ نفر تجاوز کند ۱۸۰ تومان

رئیس - آقای دشتی

دشتی - در شور اول این لایحه بموجب پیشنهادانی که از طرف آقایان وکلا داده شد عقیده اکثریت بر این بود که ما بین اینها تفکیکی باید قائل شد در کیسیون این تفکیک را نسبت را به اتومبیل ها قائل شده اند ولی نسبت با اتوبوس های مسافری و همینطور نسبت به اتومبیل های شخصی طور غریبی کرده اند بنده میخواستم که اینجا آقای مخبر کیسیون با آقای وزیر عدلیه برای ما توضیح بدهند که چرا اتوبوسهایی که ده نفر یا پانزده نفر مسافر میگیرد با آن اتوبوسهایی که چهل نفر مسافر میگیرد يك جور مالیات

این اتوموبیل های کوچک چندرقتنك است ولی اسباب زحمت است اما اتومبیل های بزرگ خیر خیلی جا دارد بزرگتر پس بهتر است که اینطور باشد و همینطوری که دولت آمده است قبول کرده است شما هم در این قسمت موافقت کنید.

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای دشتی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر ایشان قرائت می شود

بنده پیشنهاد میکنم فقره (ب) ماده اول بطریق ذیل اصلاح شود

ب - از اتومبیل های شخصی و کرایه برای مسافرین

۱ - اتومبیل هایی که قیمت آنها از هزار و پانصد تومان تجاوز نمیکند (۹۰) تومان

۲ - از اتومبیل هایی که قیمت آنها از ۲۵۰۰ تومان تجاوز نمیکند ۱۲۰ تومان

۳ - از اتومبیل هایی که بیش از دو هزار و پانصد تومان قیمت دارد ۱۵۰ تومان

رئیس - بفرمائید

دشتی - عرض کنم که مقصود ما این نیست که راقماً يك حرفی زده باشیم و يك جوابی داده شود مقصود این است که يك حرفی زده باشیم که از نقطه نظر حقیقت و نفس الامر به بینیم صحیح است یا نیست والا نمکن است هر جور بخواهند جواب بدهند مثلا آنها جواب دادند که اتومبیل های کوچک خطرش بیشتر است اینجا جواب دادند که اتوبوسهای کوچک اسباب خطر است اینجا ممکن است بفرمائید که اتومبیل های بزرگ محکم تر است و بیاید در مملکت صرفه اش بیشتر است ولی ملاحظه میفرمائید قسمت اعظم رفته اند و اتومبیل های کمتر از هزار تومان

خریده اند اولاً اتومبیل چهار هزار تومانی را کسیکه میخرد باید اولاً يك شوهر با ماهی شصت تومان نگاه دارد و ثانیاً مصرف بنزین و روغنش بیشتر است و علاوه بر این اتومبیل چهار هزار تومانی باید که هشتصد تومان است بنده تصور میکنم که اتومبیل چهار هزار تومانی چهار برابر يك فرد کار میکند بطور حتم علاوه بر این يك عده اشخاصی هستند غالب اشخاصی هستند که برای رفع حوائج شخصی اتومبیل میخرند و يك اتومبیل هائی را میخرند که ارزان باشد و اسباب يدکی آنها هم اینجا باشد و قیمتش هفتصد تومان هشتصد تومان باشد و بعد از یکی دو سال هم که خراب شد هشتصد تومان فایده برده اند و از بین رفته اند ولی آن اتومبیل چهار هزار تومانی که خراب شد این بضرر مملکت هم هست یعنی بضرر صادرات مملکت است پس بنا بر این این وضع مالیات يك تشویقی است از اتومبیل های لوکس بنده عرض میکنم یکی از نظریات دولت این است که لوکس و تجمل را محدود بکنند و واردات مملکت يك چیز هائی باشد که متناسب با رذعیات اهالی مملکت باشد از این جهت بنده اینطوری که پیشنهاد کردم بنده تصور میکنم که بر عوائد دولت لطمه وارد نشود برای اینکه اتومبیل نازل قیمت را نود تومان قرار دادم و اتومبیل های متوسط را صد و بیست تومان و اتومبیل های بالاتر صد و پنجاه تومان و حقیقه از نظر عایدات برای دولت روه مرفه مساوی است و این طوری که هست اسباب زحمت برای مردم فراهم میکند.

وزیر عدلیه - بنده آنطوری که آقا فرض کردند جواب نخواهم داد بنده عرض میکنم این لایحه لایحه مالیاتی است و از چیز هائی که بیشتر است باید بیشتر مالیات بدهد. اتومبیلی که بیشتر است آن اتومبیل کوچکها است بنا بر این اگر بناد که ما آمدیم آن اتومبیلها که قیمتش پائین است مالیات آنها کم کردیم و آن چهار هزار تومانی را مالیاتش را زیاد کردیم عایدات ما بکلی پائین خواهد

آمد و بنده هم قول میدهم آن کسی که هشتصد تومان پول میدهد که يك اتوموبیلی بخرد هیچوقت نمی آید لجاج بکند که آقا حالا که شما آمدید مالیات من را يك قدری ( دو تومان و نیم ) زیاد کردید حالا من هم میروم از آن اتوموبیلهای چهار هزار تومانی میخرم .

رئیس - قبل از اینکه بنده باین پیشنهاد رأی بگیریم خاطر آقای دشتی را به يك نکته جلب کنم که شما خود تان در خارج اظهار رغبت به سرعت این عمل میفرمودید و موافق نظامنامه اگر پیشنهاد تان قابل توجه بشود ارجاع بکمیسیون میشود باز موافق نظامنامه اگر کاری ارجاع به کمیسیون بشود بایستی يك روز هم فاصله در بینش باشد بنظر بنده اگر تعاطی نظر با دولت بکنید و توافق بکنید از آن نظر که سرعت عمل باشد محروم نمی مانیم و الا اگر لایحه به کمیسیون ارجاع شود قضیه امروز قابل انجام نخواهد بود .

دشتی -- خوب بنده مسترد میکنم .

وزیر عدلیه -- خیلی ممنون

رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب :

پیشنهاد میکنم در ماده اول قسمت ب این نوع اصلاح شود : از اتوموبیلهای شخصی صد و بیست و قسمت و او این نوع اصلاح شود : از ارابه دو اسبه شش تومان

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- اگر چه بنده هیچ خبر نداشتم که آقای دشتی همچو تصمیم گرفته اند که هر کس يك حرف حقی هم بزند نشود رأی داد لکن بنده به آقای وزیر عدلیه عرض میکنم که در وضع مالیات نباید صرف نظر بهمان عایدات داشته باشند باید جهات دیگر را هم در نظر داشت مثلاً شما عواید میگیرید برای ترقی تجارت برای امنیت مملکت اگر تصور بشود از این عوایدی که وضع میکنید يك ترتیبی پیدا شود که منع این انتظام

بشود این را نباید گرفت چرا ؟ بعلمت اینکه این را من برای انتظام میگیرم اما اگر چنانچه من مالیات را بگیرم انتظام از بین برود میگذارم برای روز دیگر یکی دیگر اینکه وکلای ما و وزرای ما اشتراك مساعی دارند وضع قوانین که میکنند اخلاق عامه حاجات عامه را در نظر بگیرند بنده اینک همان نفس عواید و زیاد کردن خزان مملکت را در نظر بگیرید این اساسی است که بقدر امکان هم در نظر وزارت مالیه است و هم آقای وزیر عدلیه یقیناً در نظر دارند و همینجوری که قوانین را میگذرانیم و زحمت میکشیم برای زیاد کردن عایدات برای خودمان که نیست نظر باین وضعیت امروز دولت ما مجهز شده است از برای اقتصادیات مجهز شده است از برای اینکه تجارت را رواج بیندازد این يك موضوع موضوع دیگر هم که خود آقای وزیر عدلیه پریروز اشاره کردند این است که بعضی مالیاتها هست که وضع بر مصرف کننده است یعنی تحمیل بر او نیست بر کسی دیگر تحمیل میشود اتوموبیلها اینکه برای کرایه است این کرایه تماس با افراد و با عموم دارد اشخاصی که خودشان میتوانند در مملکت اتوموبیل بخزند که میخرند پس اتوموبیلهای کرایه اتوموبیلهای فرد یا غیر فرد کرایه کرایه اینها تماس با طبقات عامه دارد وقتی تماس با عامه دارد یعنی با طبقات چهارم و پنجم که نمی توانند درشکه یا کالسکه یا اتوموبیل درست کنند و آنها سوار میشوند در اینکار دولت باید مسلماً رعایت اضعف را در نظر بگیرد اگر بنا شد هر اندازه مالیات بر آنها تحمیل کنید البته تحمیل بر ضغفا میشود از این جهت بنده آمدم پیشنهاد کردم اتوموبیلهای کرایه که برای مسافری است کمتر بگیرند چرا بعلمت اینکه در اینجا يك تشویقی هم بر مسافرت کرده و هم بر تجارت و همینجور هم تحمیلی بر طبقات عامه نیست ضروری هم ندارد و یکی هم راجع به ارابه دو اسبه يك اسبه ( بکنفرانز تابندگان يك اسبه نیست ) میدانم این يك اسبه غلط است شما میدانید از وقتی که این اتوموبیلها زیاد شده است آن ارابه های يك اسبه و دو اسبه بکلی داخل در اسقاطی ها است و

کسانی که بارهاشان را با اینها حمل میکنند کسانی هستند که فقیر هستند و نمیتوانند بارشانرا با چیز دیگر حمل کنند مثلاً از اینجا به شیران که میخواهند بار ببرند بنده میدهند و اینهم يك مالیاتی است که بر طبقات ضغفا است این بود که از این نظر بنده پیشنهاد کردم که در باب موافقت کنند این است که بنده هم ( با يك شخصی دکتر در حقوق است ) اینجا قبول نکردم این را که نظر مالیه همه اش بر عایدات است خیر نظر بر هر دو اش است هم نظر به وضع عواید است و هم قانونی است که اخلاق عامه را متناسب کند و فساد اخلاق تولید نکند و هم برری ترند .

وزیر عدلیه - دولت کاملاً اشتراك مساعی با وکلای کرده است بعد هم در کمیسیون قوانین مالیه با آقایان ضغفا کمیسیون در شور دوم و هم یکعده دیگر هم از نمایندگان که اظهار علاقه میکردند آمدند و نشستند بحث کردند و بالاخره در نتیجه شور این ترتیب بیرون آمدند است که بمجلس آمده است .... اجازه میفرمایند؟ يك اصلاحی گمان میکنم که در قسمت ۳ لازم است آنجائی که نوشته است از کامیونهای پنج تنی و شش تنی و هفت تنی آنجا نوشته شود از کامیونهای پنج تنی به بالا ( صحیح است )

رئیس - نظر آقای مخبر چیست ؟

مخبر -- صحیح است .

( در اینموقع عده برای رأی کافی نبود )

آقای سید یعقوب -- بنده هم برای اینکه مجلس معطل نرود استرداد میکنم .

وزیر عدلیه - متشکرم .

رئیس - پیشنهاد آقای وثوق .

مقام عالی ریاست مجلس مقدس شورای ملی دامت شوکتة بنده پیشنهاد میکنم در فقره ه ماده اول درشکه های کرایه معاف گردد .

رئیس - آقای وثوق

آقای سید مرتضی وثوق - بنده در کمیسیون هم عرض کردم با اطلاعی که بنده دارم عایدات درشکه های کرایه فوقش بشود سی و شش هزار تومان و این قلم يك قلم بزركی نیست از برای عایدات دولت و بعلاوه بلندیهای قانونی که تشکیل میشود بنده یقین دارم که آنها هم يك تحمیلی بر درشکه های کرایه که در شهرها کار میکنند خواهند کرد و عایدات اینها هم حقاً بایستی با آنها برسد اگر موافقت میفرمائید آنها معاف بشود بهتر است و اگر موافقت نمیفرمائید بنده مسترد میدارم .

وزیر عدلیه -- بنده متشکر میشوم که آقا مسترد

بفرمائید چون نمیشود معاف کرد .

وثوق -- مسترد میدارم

رئیس -- استرداد فرمودید ؟ ( بلی ) پیشنهاد آقای

فیروز آبادی قرائت میشود .

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که قسمت دال و ه و و او که عبارت از کارها و دلجانه های سه اسبه و چهار اسبه و کالسکه و درشکه شخصی و کرایه و ارابه های دو اسبه بوده باشد از ماده يك حذف شود .

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- بنده نظرم باین است که امروزه وسایط نقلیه ما تقریباً سه قسمت شده يك قسمت آن اتوموبیلها است که تقریباً چهار خمس از حمل و نقل ما با اتوموبیلها شده است يك خمس از این تقریباً باقی مانده بجهت درشکه و ارابه و دو اسبه و سه اسبه و يك اسبه و چهار اسبه و سایر آلات نقلیه ماصلاح خودمان را نمیدانم که قسمی بکنیم که بکلی این ها از بین برود شاید ما يك روزی صلاح خودمان را اینطور دیدیم که ابتدا نه ترموبیل سوار شویم نه بخیریم اگر آن روز آمد که اینجور صلاح دانستیم و این ها هم بکلی از بین رفته باشد آنوقت چه خواهد شد بنده نظر باین عقیده دارم که با آنها مساعدتی بکنیم و از آنها

چیزی نخواهیم بلکه اگر بتوانیم باز هم آنها بدهیم  
کک هم به آنها بکنیم شاید امروز هم آنها ببرد ما  
بخورند و يك روز مبادای دیگری هم ببرد ما بخورند  
و اسباب راحت و آسایش يك عده كثری شده باشد  
بنده باین نظر این پیشنهاد را کردم اگر قبول میفرمائید  
که چه بهتر بنده قبول میکنم و الا که بنده مسترد میدارم.  
وزیر عدلیه - بنده متأسفانه نمیتوانم قبول کنم

فیروز آذانی - بنده هم مسترد میدارم

رئیس - موافقین با ماده دو قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده سوم قرائت میشود

ماده ۳ - صاحبان وسائط نقلیه در فوق مکلف هستند  
که در ظرف دو هفته دارا بودن آنها را بمامورین  
مالیه محل اطلاع بدهند والا برای مدتیکه مالیات نپرداخته  
باشند ضعف مالیات از آنها ماخوذ خواهد شد و در  
صورت استتکاف عین وسائط نقلیه توقیف و پس از شش  
ماه در صورت عدم پرداخت ضعف مالیات تا روز توقیف  
و مخارج نگاهداری بفروش رسیده و مازاد طلب مالیه  
بصاحبان آنها مسترد خواهد شد - در صورتیکه صاحبان  
وسائط نقلیه مزبور بخواهند آنها را از جریان خارج  
نمایند باید اداره مالیه محل اطلاع بدهند تا اینکه  
وسائط نقلیه مذکوره بهمهر سربى محمود (پلمبه) شود به  
طرزی که قابل حرکت نباشد و از تاریخ پلمب شدن دیگر  
مالیات از آنها ماخوذ نخواهد شد برداشتن پلمب باید  
بوسیله مامورین مالیه بعمل آید.

تبصره ۱ - برای امتحان و آزمایش که در موقع فروش  
وسائط نقلیه پلمب شده معمول است مامورین مالیه  
مکلف هستند بتقاضای طرفین معامله پلمب را برداشته  
و جواز موقتی برای امتحان و آزمایش بدهند

تبصره ۲ در صورتیکه صاحبان نقلیه برای توقیف  
نقلیه خود محلی را پیشنهاد نمایند اداره حق الثبت موافقت

مجازاتی معین نکرده ایم که اگر دو هفته اطلاع نداد  
چه میشود فقط نوشتیم برای مدتی که مالیات نپرداخته  
ضعف مالیات همان مدت را خواهد پرداخت اما قسمت  
دوم که فرمودید در صورت استتکاف چه می شود  
مافورین که فرمودید بطور مشروح و مفصل در  
نظامنامه مینویسیم که در چه موقعی يك نفر را مستتکف  
میدانیم البته باید در يك موقعی باشد که باو اخطار  
نداده باشد و او نداده باشد و مدت آنها معین میشود  
در این صورت مکلف است و اینها همه در نظامنامه  
قید میشود در قسمت اول اگر چه آنچه که میخواهید  
از این عبارت بر نیاید ولی بنده حاضر عبارت را  
اینطور اصلاح کنم (خطاب به منشی) البته آقای  
اصلاح میفرمائید. تبصره ۲ - در صورتیکه صاحبان  
وسائط نقلیه برای توقیف وسائط نقلیه خود محلی را  
پیشنهاد نمایند اداره حق الثبت مکلف به موافقت است  
(آقای سید یعقوب صحیح است) بجای اینکه موافقت  
خواهد نمود بنویسیم مکلف به موافقت است

رئیس - آقای مخبر هم با این اصلاح موافقت؟

مخبر - بلی

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - موافقم

رئیس - آقای عدل

عدل - موافقم

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است؟

رئیس - پیشنهادی از آقای شریعت زاده رسیده است

قرائت میشود

پیشنهاد آقای شریعت زاده

پیشنهاد میکنم قسمت اول ماده سوم بر ترتیب ذیل

اصلاح شود

ماده سوم - صاحبان وسائط نقلیه مذکوره در دو ماده

فوق مکلف هستند.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - عرض کنم چون در این ماده طوری  
نوشته شده است که ممکن است مقصود از وسائط نقلیه  
مذکوره در ماده دو است در صورتیکه نظر در این بوده  
است که کلیه وسائط نقلیه که در این قانون است و وسائط  
نقلیه هم یکی در ماده اول است یکی در ماده دو باینجهت  
باید یکطوری عبارت را نوشت که همه آنها اطلاق داشته باشد  
رئیس - نظر آقای مخبر؟

وزیر عدلیه - بنده ملتفت نشدم یکدفعه دیگر بخوانید

(پیشنهاد آقای شریعت زاده تأیید خوانده شده)

وزیر عدلیه - مانعی ندارد

رئیس - آقای مخبر هم موافق هستند

مخبر - بلی

رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی قرائت میشود

پیشنهاد آقای فهیمی

بنده پیشنهاد می کنم در جمله دوم ماده لفظ مزبور

حذف شود

وزیر عدلیه - بنده موافقت می کنم نوشته شود در

صورتیکه صاحبان وسائط نقلیه مزبوره پیشنهاد بکنند که  
مزبور برداشته شود يك کسانی هستند که مالیات خودشان  
را داده اند میخواهند انوموبیل خود را از کار بیندازند  
موافقت می کنم

رئیس - لایحه را با اصلاحاتی که شده است قرائت

می کنیم يك اصلاحی هم پیشنهاد شده است

پیشنهاد آقای بیات

پیشنهاد می کنم در تبصره يك در آخر تبصره پس از

کلمه آزمایش اضافه شود یا تعمیر

رئیس - آقای بیات

بیات - اینجا انوموبیلهایی که نوشته اند معاف شود

در این تبصره اجازه داده شده است که اگر بخواهند  
بفرشند يك جواز موقتی داده شود که امتحان کنند  
ولی در قسمت تعمیر این قسمت ملحوظ نشده است ممکن



است يك اتوموبیل خراب شده پاسب بکنند بعد تعمیر بکنند بعقیده بنده لازمست که این را هم يك جواز موقتی بدهند که تمهید کند و اگر بخواید دو مرتبه سواری کند مالیات بدهد یا توقیف شود و این قسمت گمان میکنم از نظر افتاده باشد و چیز مشکلی هم نیست برای دولت وزیر عدلیه -- بنده موافقت میکنم

رئیس -- ماده با اصلاحاتی که شده است قرائت میشود ماده سه -- صاحبان وسایط نقلیه در دو ماده فوق مکلف هستند که در طرف دو هفته دارا بودن آنها را به مأمورین مالیه محل اطلاع بدهند و الا برای مدتی که مالیات پرداخته باشند ضعف مالیات از آنها ماخوذ خواهد شد و در صورت استنکاف عین وسایط نقلیه توقیف و پس از ۶ ماه در صورت عدم پرداخت ضعف مالیات تارو توقیف و مخارج نگاهداری و فروش رسیده و مازاد طلب مالیه بصاحبان آنها مسترد خواهد شد

در صورتیکه صاحبان وسایط نقلیه بخواهند آنها را از جریان خارج نمایند باید بداره مالیه محل اطلاع بدهند تا اینکه وسایط نقلیه مذکوره به مهر سربى مهرور (پاسب) شود بطوریکه قابل حرکت نباشد و از تاریخ پاسب شدن دیگر مالیات از آنها ماخوذ نخواهد شد برداشتن پاسب باید بوسیله مأمورین مالیه بعمل آید تبصره ۱ -- برای امتحان و آزمایش یا تعمیر که در موقع فروش وسایط نقلیه پاسب شده معمول است مأمورین مالیه مکلف هستند به تقاضای طرفین معامله پاسب را برداشته و جواز موقتی برای امتحان و آزمایش بدهند بیات -- یا تعمیر

رئیس -- اگر این طور است این عبارت باید اصلاح شود برای امتحان و آزمایش که در موقع فروش است صحیح است ولی در موقع تعمیر صحیح نیست وزیر عدلیه -- عبارت این طور باشد بهتر است که برای امتحان و آزمایش وسایط نقلیه معمول است و

یا تعمیر

( آقای مؤید احمدی (منشی) تبصره را برتیب ذیل قرائت نمودند )

تبصره ۱ -- برای امتحان و آزمایش که در موقع فروش وسایط نقلیه پاسب شده معمول است و تعمیر مأمورین مالیه مکلف هستند بتقاضای طرفین معامله پاسب را برداشته و جواز موقتی برای امتحان و آزمایش و تعمیر بدهند

( بعضی از نمایندگان -- یا بهتر است )

تبصره ۲ -- در صورتیکه صاحبان وسایط نقلیه برای توقیف وسایط نقلیه خود محلی را پیشنهاد نمایند از لحاظ حق الثبت مکلف به موافقت خواهد بود

رئیس -- آقای مخبر با تمام این اصلاحات موافقت میکنند مخبر -- بلی

رئیس -- آقایانیکه با این ماده موافقت قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند )

رئیس -- تصویب شد ماده چهارم قرائت میشود: ماده ۴ -- وسایط نقلیه مخصوص سلطنتی و قشونی و مأمورین سیاسی خارجه از تأدیه مالیات معاف خواهند بود و بقیه وسایط نقلیه اعم از دولتی و وسایط نقلیه منافع بصاحبمنصان و سایر اعضای موسسات ملی و لشکری و کشوری محکوم بتأدیه مالیات خواهند بود

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- این سبب يك موضوعی است که پیشنهاد هم کرده ام و آن این است که تصدیق میفرمایند که ما در چهار دوره با حضرت اشرف عالی بوده ایم در هر دوره ما يك چیزی را تشویق کرده ایم و پیش بردیم در دوره چهارم راجع به معارف و نظایر در دوره پنجم راجع به عدلیه در دوره ششم راجع به مالیات بود در دوره هفتم يك چیزی است که آن مسئله شیرو خورشید سرخ باشد این مؤسسه شیرو خورشید

يك احترامی باشد که صورت مادی پیدا کند ( صحیح است ) اگر ما احترام می کنیم برای این نیست که در سال ما صد تومان به آن کمک کنیم باید خیلی بیشتر از اینها کمک کرد و احترام او هم بجای خودش صحیح ولی اجازه بفرمائید که این را بگویم که این پیشنهاد را پس بگیرد آقا سید یعقوب -- استرداد می کنیم قسم خورده است ( خنده نمایندگان )

رئیس -- آقای ملک موافقت میکنند؟

ملک مدنی -- بلی

رئیس -- آقای روحی

روحی -- عرض کنم در این ماده چهار بنده يك اشکالی دارم که خیلی میل داشتم آقای وزیر عدلیه توجه بفرمایند مینویسد: که و مأمورین سیاسی و خارجه بعضی از نمایندگان -- ( و ) ندارد

وزیر عدلیه -- متأسفانه خبر بد چپ شده است و او ندارد

رئیس -- بنده یاد آوری کردم که از روی این ورقه که اینجا است و قرائت می شود تصحیح بفرمائید آن واو محذوف است پیشنهادات قرائت می شود

پیشنهاد آقای امیر اعلم

پیشنهاد میکنم در ماده چهار بعد از عبارت مأمورین سیاسی خارجه عبارت و اتومبیل های مریضخانه شیرو خورشید سرخ علاوه شود

رئیس -- آقای امیر اعلم

دکتر امیر خاں اعلم -- این پیشنهاد را که بنده کردم برای این بود ( به پشت کرسی نطق آمدند ) که میخواستم استفاده کنیم و يك نکته را تذکر بدهم که این لایحه اگر همینطور بگذرد شاید گمان برود که دولت و نمایندگان محترم توجهی بمؤسسات شیرو خورشید سرخ نداشته اند در صورتیکه این طور نیست زیرا که اگر این قسمت اینجاء ملاحظه میشد چیز زیاد مهمی نبود زیرا که این جمعیت جوان تشکیلات راجع

بحمل و نقلش خیلی مختصر و محدود است باین ملاحظه این معافیت را خود جمعیت نخواست برای اینکه جمعیت امیدوار است که در آتی نمایندگان محترم و هیئت محترم دولت کمک های کلی بکنند و نخواست که بیک چیز جزئی سابقه باشد که ما یک همچو کجکی کرده ایم لهذا هیئت مرکزی جمعیت تقاضا کرد که در این باب استفاده نکرده باشد و هیئت مرکزی جمعیت هم حاضر شده است که از جیب خودشان آن چند انوموبیلی که دارند و مجاناً خدمت میکنند مالیاتش را بدهند برای این که در آتی حق داشته باشند از دولت و مجلس شورای ملی یک کمک و مساعدتهای مهمی را تقاضا کنند (صحیح است) تذکر و پیشنهاد خود را پس میگیرم

رئیس -- موافقین با ماده چهارم قیام فرمایند (عده زیادی قیام نمودند)

رئیس -- تصویب شد. ماده پنجم

ماده ۵ - عوائد حاصله از حق الثبت جزء عوائد عمومی مملکت محسوب خواهد گردید

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- بنده درد خودم را به آقایان وزراء عرض میکنم عرض بنده در اینجا بملاحظه قانونی است که آقای وزیر داخله راجع ببلدیه ها آوردند و بملاحظه قانون بودجه است. عوائدی را که ما در بودجه معین کردیم یعنی عوائد برای بلدیه هادر سال گذشته ما داشتیم و مردم هم مطابق آن عوائدی که داشتند بلدیه تشکیل دادند ادارتی تشکیل دادند و خرده خرده یک قدمی برداشته شد و همین جوری که مرکز و به آبادی رفته است شهرها هم رو به آبادی رفته است در قانون بودجه و ماده واحده بودجه که آمد تحت شور آن عوائد را از بلدیه ها ساقط کردیم حالا که ساقط کردیم بنده یک وقتی هم به آقای ذکاء الملک هم این عرض را کردم که نه اینکه بنده از شما وطن پرست تر هستم یا از شما علاقه ام باین مملکت بیشتر است ولی

بنده خودم را با شما شریک میدانم برای خدمت کردن به مملکت و برای سعادت مملکت و آن چیزی که از من می آید برای سعادت جامعه عرض می کنم. بنده عرض می کنم ما در قانون بودجه آمدیم تمام عوائد را تمرکز دادیم بخزانة مملکت حالا در این جا این حق الثبت را تصدیق فرمائید که از شهر ها گرفته میشود انوموبیلی که در شهر حرکت میکند یا درنگه که در شهر حرکت میکند یا کالسکه که در شهر حرکت میکند آن شهر را خراب میکند این پولی که میدهد بازاء آن خرابی است که در شهر میکند معنی ندارد ( بنده میگویم معنی ندارد ) که ما بیائیم این را جزء عوائد مملکت قرار بدهیم و این پول را در سرحدسرخس یا در جای دیگر خرج کنیم این عوائدی که از وسائط نقلیه هر شهری اخذ می شود و می آید در صندوق باید صرف آن شهر بشود اگر ما این اختصاص را در نظر نگیریم نباید اخذ کنیم که از یک جای بگیریم و در جای دیگر خرج بکنیم بنده قبول دارم که در امسال دولت یک مؤسسات عام المنفعه را در نظر گرفته است و برای مؤسسات عام المنفعه باید عوائد عمومی را در نظر گرفت نه عوائد خصوصی را عوائد خصوصی همان جا است. این است که در اینجا آقای وزیر عدلیه که مدافع هستند تأمین کنند حقوق بلدیه ها را که دولت همین جور که عوائد را عموماً جمع میکند حقوق بلدیه ها را هم در ولایات محفوظ میکند و بلدیه ها دیگر بمبارزه نخواهند شد که از بین بروند و آن عوائد که سابقاً بلدیه ها میگرفتند در جای خودش محفوظ است و همین اندازه که میگرفتند این را تأمین میکند اگر اینطور است بنده عرضی ندارم و الا با این مخالفم که ما بیائیم عوائد مختصری شهری را جزء عوائد عمومی قرار دهیم وزیر عدلیه - بطور خلاصه عرض میکنم که در قسمت عوائد بلدیه ها دولت یک فکری کرده است و در ضمن همان لایحه که داده شده است بخارج بلدیه ها

و تأمین خواهد کرد بطوری که از حیث عایدات ضرری نرسد و این عایداتی که از اینجا گرفته میشود همانطور که در قانون بودجه آوردیم بایستی برود جزء عوائد عمومی مملکت را تأمینان میدهم که به بلدیه ها از جای دیگری کمک خواهد شد

رئیس - آقای دشتی

دشتی -- بنده این ماده پنج را اصلاً زائد میدانم برای این که در قانون بودجه تصریح شده است که عوائد این محل باید بخزانة مملکت و جزء عوائد عمومی بیاید ...

اعتبار -- در یک قانون دیگری اختصاص به بلدیه ها داشت.

دشتی -- آهم در اثر ماده اخیر این قانون لغو میشود و این ماده بکلی زائد است.

وزیر عدلیه - ایشان در هر صورت ضرری برای این ماده ندیدند فرمودند حذف شود بهتر است بنده خواهش میکنم که موافقت کنند بهمین حالت باشد یعنی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رای میگیریم به ماده پنجم موافقین قیام فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. ماده ششم قرائت میشود: ماده ۶ - مالیاتهای مذکوره در این قانون از اول سال ۱۳۰۹ مأخوذ خواهد شد و مواد مربوط بوسائط نقلیه در قانون مالیات راه و الغای عوارض و مالیاتهای مربوطه ۱۳۰۴ از درجه اعتبار ساقط خواهد بود

رئیس - پیشنهادی از آقای اعتبار رسیده است: خواهند داد.

پیشنهاد آقای اعتبار

جله ذیل را باخر ماده ۶ پیشنهاد میکنم: و دولت نظامنامه اجرای این قانون را بوسیله درج در جرائد باطلاع عامه خواهد رسانید.

رئیس - بفرمائید.

اعتبار - اینجا آقای آقا سید یعقوب یک نکاتی را متوجه کردند و آقای وزیر عدلیه فرمودند که ما یک نظامنامه مینویسیم در آن نظامنامه مواقع و مدت را معین میکنیم. بنده خواستم آقای وزیر عدلیه توجه فرمایند که آن نظامنامه را در جراید درج کنند که مردم مسبوق باشند که از حدود نظامنامه مردم اطلاع داشته باشند و اسباب زحمت نباشد.

وزیر عدلیه - بنده کان نمیکنم که ضرورت داشته باشد البته هر قانونی محتاج بیک نظامنامه است و نظامنامه هم که نوشته میشود در مجله رسمی و جرائد طبع میشود مگر اینکه بخواهیم بشکل اعلان بدهیم آوقت هم یک وجهی گردن دولت میگیرد... (اعتبار - در جرائد طبع کنید) اگر روز نامه ها را ملاحظه فرمائید خودتان چند روز دیگر این نظامنامه را در جرائد خواهید دید.

اعتبار - استرداد می کنم.

رئیس - رأی می گیریم به ماده ششم موافقین قیام فرمایند.

( اغلب برخاستند )

رئیس - تصویب شد. رأی می گیریم به این قانون مشتمل بر شش ماده با ورقه موافقین ورقه سفید خواهند داد.

( اخذ و تعداد آراء بعمل آمده شصت و پنج ورقه سفید و دو ورقه کبود تعداد شد )

رئیس - عده حاضرین ۸۷ با کثرت ۶۵ رأی تصویب شد. آقای اعتبار یک پیشنهاد جامع الاطراف کرده اند که چون بعد از ظهر هم کار داریم و شب هم فراکسیون است فعلاً تنفس داده شود تا دو ساعت و نیم بعد از ظهر ( بعضی از نمایندگان - سه بعد از ظهر ) اگر شب را هم باید فراکسیون داشت زود تر بیائیم . دو ساعت و نیم بعد از ظهر دستور هم لایحه مالیات بر عایدات

[در اینموقع (مقارن ظهر) جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ساعت و نیم مجدداً تشکیل گردید]

[ ۴ - تصویب مرخصی آقای صالحی ]

رئیس -- خبر کیسیون مرخصی و عرایض راجع به مرخصی آقای صالحی قرائت می شود :

افسر - بنده عرض داشتم

رئیس - بفرمائید

افسر - چون تا حالا معمول بود که مرخصی ها را با در اول میخواندند یا آخر مجلس حالا وسط مجلس است چون تنفس داده اید

رئیس - بطوری که خاطر آقا مسبوق است نهی که ندارد به علاوه راجع بیکی از همکاران شما است و وقتی

را هم نمیگردد ( صحیح است )  
خبر کیسیون

نایبند محترم آقای آفاشیخ عبدالرحمن صالحی از تاریخ ۱۶ دی ۱۳۰۸ الی ۱۴ آبان ۱۳۰۹ برای رسیدگی بامور محلی تقاضای مرخصی نموده اند کیسیون با تشخیص کامل اینکه وجود معزی الیه در محل برای اصلاح امور محلی خیلی لازم است لذا با تقاضای ایشان موافق ایند خبر آرا تقدیم میدارد

رئیس -- آقای اعتبار

اعتبار -- موافقم مخالفی ندارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده با وجود اخلاصی که به آن شیخ عبدالرحمن صالحی دارم که در واقع ایشان از صلوات میدانم با وجود این چون عقیده دارم که باید اصلاحات از وکلاء بخصوص از روحانین شروع شود و در این مجلس آنها در جمیع امور باید پیشقدم از دیگران باشند و هر چه خودشان عقیده دارند باید اول در باره خودشان اجرا کنند بعد ب دیگران بگویند بنده باین ملاحظه با کمال اخلاص که بشخص ایشان دارم مخالفم

رئیس - رأی میگیریم موافقین با مرخصی ایشان

قیام فرمایند. ( اکثر قیام نمودند ) تصویب شد

[ ۵ - طرح و تصویب لایحه مالیات بر شرکتهای تجارت و غیره ]

اسامی موافقین - آقایان : سید کاظم یزدی - ملک زاده - دکتر لنگمان - ذوالقدر - مؤید احمدی - شهیدان - اسکندری دکتر عظیمی - طاهری - ظفری - کاشانی - مصدق جهانشاهی - عدل - لازبجانی - مقدم - پور محسن - فرهند - ساکینان - امیراعلم - جلانی - ناصری - فرشی - خواجوی - فهیمی - یاسائی - دهستانی - طباطبائی وکیلی - آقا حسین آفان - دهم - هزارجریبی - دکتر سنک - اسعد - افغمی - ایلخان - ضیاء - اعتبار - بیات - شریعت زاده - مسعودی - درباری - عرفانی - پالیزی - همراز - اسدی - کیا نوری - طباطبائی دیا - مرزا یانس - طهرانی - زوار - نوبخت - ایزدی - ملک مینا - روحی - نجومی - فاطمی - قاضی نوری - ماکونی - وهاب زاده - دبستانی - مجدضیائی - عبدالحسینخان دیا - صادقی - شرفی - فرلادوند - کفائی

اسامی مخالفین - آقایان : فیروز آبادی - طلوع :

رئیس - خبر کیسیون قوانین مالیه راجع بمالیات بر عایدات قرائت میشود شور نائی مطرح است ماده اول قرائت می شود :

خبر از کیسیون قوانین مالیه بمجلس مقدس شورای ملی

کیسیون قوانین مالیه شور نائی لایحه نمره ۵۶۸۰۳ مالیات بر عایدات را بضمیمه پیشنهادات واصله ضمن شور اول از طرف آقایان نمایندگان با حضور آقایان نمایندگان دولت مطرح شور و مذاقه قرار داده و با اصلاحات لازمه خبر آن را تهیه و تقدیم مجلس مقدس میگردد ماده ۱ - از تاریخ اجرای اینقانون مالیاتهای ذیل میزان و ترتیبی که در مواد آتی ذکر میشود مأخوذ خواهد شد .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - اولاً امید و استدعای عفو دارم از آقای وزیر عدلیه که مدافع دولت اند ولی خوب مجبورم از ترس مؤاخذ نبودن نزد خدا ایشان را اذیت میکنم ( خنده نمایندگان ) و ثانیاً از کلیه آقایان امید عفو دارم . عرض کردم بهمان جهت است و الا بنده سفیه و دیوانه نشدم که اذیت کنم و تکرار حرفهای خودم را بنجام . اولاً همان عرایضی که صبح عرض کردم همان را تکرار میکنم . مقصود بنده همانهایی بود که صبح عرض کردم . چیزی که هست آقای وزیر عدلیه در جواب بنده فرمودند بعد از آنکه انشاء الله این مالیاتها گرفته شد و عایدات دولت زیاد شد بعد از ده سال پانزده سال دیگر خود ملت ملتفت میشود که بنفعشان تمام شده آنوقت خیلی خوشنود میشوند اگرچه حالا دلتنگ میشوند . بنده عقیده ام این است که دولت باید کاری کند که از حالا اینها خوشحال شوند و این هم محال نیست . ملت ایران ملتی است که بجزئی توجهی خوشوقت میشوند و بیک جزئی کم لطفی دلتنگ میشوند . این حال را دارد . و اگر از طرف دولت یک جزئی زیاده از آن اندازه

که میکنند مثلاً این را که بنده عرض میکنم غالبش مطالبی است که آنها به بنده اظهار میکنند و میگویند بنده هم میآیم اینجا و میگویم بحسب ظاهر و از قراری که میگویند و کیلیم مجبورم نظر موکلینم را حفظ کنم ( اگر وکیل اینها باشم ) و نظریات اینها را عرض کنم . اگر میفرمائید ملتفت نیستند بنده عقیده ام این است که ملت ایران کاملاً ملتفت نفع و ضرر خودشان هستند اگر نتوانند تمییز و انستند آن استبداد سابق را بآن طریقی که بود در بیست و پنجسال پیش بهم بزنند و زبر و رو کنند پس در اینصورت معلوم میشود اینها بیست و پنجسال پیش نفع و ضرر خودشان را کاملاً ادراک نموده و فهمیده بودند و بامید استفاده های بزرگ و بامید اینکه مملکت ایران هم بزودی پایه ترقی و تعالی مثل سایر دول بگذارند باین امید آمدند و آن دولت استبدادی چندین هزار ساله را بهم زدند و با آن خدمات و آن زحمات دولت مشروطه را روی کار آوردند که آن دولت نظریه آنها را حفظ کند بنده غالباً می بینم که نظریه این ملت که آن دولت را بهم زد برخلاف این عقیده و این مالیاتها است همه میگویند که این مالیات که از ما گرفته میشود و گرفته شده یک قدریش را هم برای مصارف عمومی زیادتیر از آن اندازه که میدهند بدهند . مثلاً دو کرور پنج کرور میدهند عقیده شان این است که یک خمس از آنها برای مصارف عام المنفعه که نتیجه دائمی داشته باشد و برای استفاده عموم باشد از قبیل استخراج معادن و کارخانجات و ترویج فلاحات باین مصارف خرج شود تا هم بدل گرمی و بدل خوشی همه دعا گوئی کران نیاید و برخلاف میل آنها کاری نکرده باشیم من می بینم در اروپا در جاهای دیگر در کارهایی که اختلاف بینشان میشود رجوع بافکار عمومی ( نمیدانم چه ) می کنند و آراء عمومی را مداخلت در کارهاشان میدهند ما هم باید این نظریه را اگر بخواهیم اتحاد کامل بین دولت و ملت بشود مراعات کنیم باید آراء عمومی ملت و اکثریت ملت و آنهاهایی که این پولها را

ما از آنها می گیریم و همه چیز ما از آنها است در نظر بگیریم تا انشاء الله این امنیت این اصلاحات این اتحاد برقرار باشد. بنده عقیده ندارم که هر روز يك مالیات جدیدی بیاورند بمجلس و مجلس هم باین زودی رأی بدهد و بگذرد! باز هم آقایان هیئت دولت بهتر از بنده میدانند چیزی که بنده عقیده داشتم عرض کردم برای اینکه پهلوی خدا مسئول نشوم. اینجا آمدم عرض کردم و حال آنکه الان در منزل مریض است و آقای مودب الدوله الان در منزل من است ولی گفتیم مریض را خدا شفا می دهد بنده میروم که عرایض را بکنم.

وزیر عدلیه - خیلی متشکرم از اینکه آقا دلائل خودشان را به تفصیل ذکر نکردند و بنده هم خیلی مختصر عرض میکنم ایشان برای اینکه عندالله مؤاخذ نباشد فرمایشاتی فرمودند بنده هم از برای اینکه پیش خدا و وجدان و تاریخ آتیه ملت ایران مسئول نباشم عرض میکنم که آقا صحبت صحبت این نیست که امروز به بینیم نظریه يك اشخاصی که امروز درست تشخیص نمیدهند چیست و با آنها مصالح خودشان را چطور فکر میکنند؟ اولاً بنده تصور نمیکم که اکثریت مردم آنطور که شما میفرمائید هم عقیده با شما باشد ثانیاً این مالیات تماسی با اکثریت مردم ندارد عایداتی که در ماه از چهل تومان تجاوز میکند مالیات دارد و این عایداتی نیست که با هر خانه یا فردی از افراد مملکت تماسی پیدا کنند پس اکثریت مردم کسانی نیستند که این مالیات کار به کار آنها ندارد و درب خانه آنها نمیروند...

فیروز آبادی - يك روزی پیدا میکنند

وزیر عدلیه - اگر آنها پیدا کردند يك روزی و هر فردی از افراد بان مرحله رسید و عایدشان از حد معافیت تجاوز کرد و يك عایداتی پیدا کردند البته آنها هم بایستی کمک کنند از برای اینکه مملکت بتواند

ترقی کنند و اینکه می شما میفرمائید که باید از آن عایدات خرج خودشان بشود بنده نباید که این چند ملیونی که در سال خرج راه آهن و طرقات و شوارع و غیره میشود اینها خرج چیست؟ اینها خرج عمومی و مصارف عام المنفعه نمیشود صرف نظر از اینکه هر کدام از مؤسسات دولتی را که شما بردارید برای منافع اقتصادی ضرر دارد بنا بر این بنده خیر میکنم که آقایان همان طوری که اکثریت نمایندگان محترم بنا بر مصلحت مملکت و ملت برای ترقی مملکت و ملت موافقت کردند و آن مالیات را صحیح اینچنین تصویب کردند همان طور هم موافقت خواهند کرد در اینجا هم آقا به تکلیف خودشان عمل کرده اند و هم اکثریت مجلس به تکلیف خودشان عمل کرده اند جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای روحی با کفایت مذاکرات مخالفتی در روحی - موافقم

رئیس - موافقین با ماده اول قیام فرمایند (جمعی قیام کردند)

رئیس - تصویب شد. ماده دوم قرائت میشود: ماده ۲ - شرکت های انتفاعی و کارخانجات مستند بانکهها و سایر مؤسسات صرافیه

۱) در صورتیکه مرکز اصلی آنها در ایران باشد از پنج هزار تومان عایدات خالص سالیانه خود صدمه از صد هزار و یکتومان تا يك ملیون تومان عایدات خالص سالیانه نسبت بمازاد از صد هزار تومان صدی سه و نیم از يك ملیون و يك تومان پیالا نسبت بمازاد يك ملیون تومان صدی چهار مالیات خواهند داد ب) در صورتیکه مرکز اصلی آنها در خارج ایران باشد - از عواید خاصی که از عملیات یا محصولات بدست آمده در ایران تحصیل میشود (بتناسی که فوقاً ذکر شد) مالیات خواهند پرداخت تبصره - عایدات خالص عبارت است از مجموع عایدات

پس از وضع مخارجی که برای تحصیل عایدات لازم است رئیس - آقای طلوع طلوع - عرضی ندارم رئیس - آقای وثوق وثوق - عرضی ندارم رئیس - آقای طهرانی طهرانی - بنده در ماده چهارم عرضی دارم رئیس - آقای کازرونی کازرونی - عرض میکنم در قسمت صرافیه خواستم عرض کنم که چطور این قسم در نظر گرفته اند؟ صراف لعل معاملاتش معاملاتی نیست که نسبت بحاجه و مردم انتفاعی باشد از اصل سرمایه مردم چیز میگیرد دیگران زحمت می کنند وار از زحمت مردم يك استفاده می برد و همین دلیل هم در تحت قواعد کلی از کارهای خوب شمرده شده است غرض این است که صراف غالباً کارش مستلزم ضرر و خطر نیست هر چه دارد نفع است و آن نفع هم از مردم است اینها را خالص عایدات قائل شده اید در اینجا اما تجاری که باید زحمت بکشند و راستی حیوة مملکت بسته بوجود تجارت است و متصدی اش هم تجارند این را از غیر خالص عایدات اما صراف را از خالص عایدات در صورتیکه مبلغ عایدی تجار هم فوق العاده کم است و عایدی صراف هر چه هست از دسترنج مردم است دشتی - این جزء ماده سوم است. کلای - مربوط نیست باین ماده.

وزیر عدلیه - چون فرمایشات ایشان مربوط باین ماده نبود (صحیح است) بنده عرضی نمیکم. رئیس - آقای آقا سید یعقوب آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه! اگر شرکت انتفاعی را تبدیل به شرکت تجاری بکنید که شامل

هر سه قسم شرکت اعم از سهامی و مختلط و تضامنی بشود بهتر نیست؟ بنده نمیدانم. این است. چون اینجا نوشته شرکت انتفاعی شاید در موقع عمل بین این شرکتها مأمورین فرق بگذارند بنده عقیده ام این است سابقاً هم پیشنهاد کرده ام این يك موضوع. موضوع دوم که خواستم عرض کنم موضوع این عبارت بود که نوشته او در صورتیکه مرکز اصلی آنها در خارج ایران باشد از عواید خاصی که از عملیات یا محصولات بدست آمده در ایران تحصیل میشود، این محصولات بدست آمده اعم است از اینکه در ایران بفروش رسیده باشد یا نرسد. این ماده اعم است یا محصولات که در ایران بمصرف میرسد. این را توضیح بدهید وزیر عدلیه - در قسمت اول مسئله انتفاعی را مجبوریم نگاه داریم برای اینکه ممکن است يك شرکت انتفاعی باشد و جزو سایر شرکت های تجاری نباشد. پس بهتر است که باشد اما در قسمت دوم همان طوری که خود آقا استنباط گردید اعم از این است که در ایران بفروش برسد یا در خارج (کافی است) رئیس - موافقین با ماده دوم قیام فرمایند. (اکثر قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود: ماده ۳ - بانکها و سایر مؤسسات صرافیه و فروشندگان بروات به تناسب نیم در هزار از بروات و اوراق تجاری که میفروشند مالیات نمبر خواهند پرداخت. نمبر مبالغ کمتر از صدتومان معادل با دهشاهی خواهد بود برای هر ورقه چك (بدون رعایت مبلغ) یکصد دینار مالیات نمبر خواهند پرداخت. رئیس - آقای یاسائی یاسائی - موافقم رئیس - آقای امین التجار حاج میرزا حبیب الله امین - در ماده دوم در تبصره

یک اصلاحی شده بود که با موافقت نظر آقای وزیر عدلیه قبلاً بعمل آمد و رأی گرفته شد در صورتیکه آن اصلاح بنظر بنده خیلی اصلاح بدی است آقا البته توضیح میفرمایند در ماده سوم اینجا نوشته شده (بانکهها و سایر مؤسسات صرافی و فروشندگان بروات) بنده در اینجا چند ایراد دارم یکی این است که اساساً در همه جای دنیا مالیات تمبر را از خریداران بروات میگیرند نه از تاجر و بعد یک قسمت از فروشندگان بروات که در اینجا ذکر شده معلوم است که غیر از بانکها و سایر مؤسسات صرافی است چون در این قسمت بروات توضیح داده نشده است بعقیده بنده مشمول تجاری میشود که روی اجناس برات میفروشند یعنی یک تاجری بطور حق العمل یک جنسی را برای تاجر دیگر میفروشد یا میخرد و پولش را باید باو برساند و در نتیجه این باید با برات بخرد یا بفروشد و روی آن جنسی که هیچ مربوط بمعاملات صرافی نیست یک مالیاتی میدهد چون آن فروشنده جنس اعم از تاجر یا حق العمل کار یک مالیاتی میدهد اگر تاجر باشد یا از روی عایداتش مالیات میدهد یا دویست و پنجاه تومان را میدهد بنکدار قسمت حق العمل کار هم همینطور آنوقت این یک مالیاتی باید برای فروش جنس بدهد و یک مالیاتی هم برای این برات در صورتیکه از این برات استفاده نمی کند تا مالیات بدهد آن برات را فقط در مقابل قیمت جنس برای صاحب جنس میفرستد ایراد سوم بنده این است که در همه جای دنیا بین برواتی که مدت دارد و ندارد یک فرق فاحشی هست برای الصاق تمبر بطور مثل عرض میکنم که در مملکت انگلستان روی هر ورقه برات چک اعم از تلگرافاتی یا مکتوبی یک پنس تمبر میخورد (پنجشاهی) ولو اینکه مبلغش یک میلیارد لیره باشد ولی روی برواتی که مدت دارد یعنی از سه روز بیشتر است به تناسب آن مدت یک تمبر بیشتری باو الصاق میشود و این یک قاعده است که در همه جای دنیا معمول به است به عقیده

بنده بهتر این است که ما هم همین رویه را اتخاذ کنیم تا بر خلاف قواعد عمومی واقع نشده باشد بعقیده بنده برواتی که مدتش کم است اعم از تلگرافاتی یا مکتوبی از آنها مبلغ کمتری دریافت شود و تمبر بخورد ولی آن برواتی که مدتش از سه روز بیشتر است البته بیشتر و اگر این ترتیب را ما رعایت کنیم چندان ضرری بعایدان دولت هم وارد نمی آید زیرا عرض میکنم روی بروات و چک همان تمبر صد دیناری که به چک های داخله الصاق میشود بشود و بالاخره فرقی هم بین بروات بی مدت و مدت دار گذارده شود نقص دیگری که در این ماده هست اینست که اسمی از بروات خارجی برده نشد بروات اینجا بطور مطلق است معلوم نیست برواتی که مثلاً از اصفهان به شیراز یا بکرمان میشود مقصود است یا برواتی که از اینجا بخارجه میشود؟ (بکنفر از نمایندگان - غیر همه جا مقصود است) اینهم اگر در اینجا توضیح داده شود البته بهتر است

وزیر عدلیه - اما راجع باین قسمت که فرمودید خریدار خوب بود مالیات میداند فروشنده بنده گمان میکنم تفاوتی نمی کند زیرا بانک یا مؤسسه صرافی که بروات را میخرد معمولاً هیچوقت برات را نمیخرد برای اینکه ذخیره کند و میفروشد پس خریدار امروز فروشنده فرداست وقتی که شما نوشتید « این مالیات از فروشنده گرفته میشود » چون مالیات را ما از بانکها و مؤسسات صرافی می گیریم مقصود کسی است که خریده اگر بنویسد خریدار و فروشنده آنوقت یعنی یک مرتبه در موقع خرید و یک مرتبه هم موقع فروش در صورتیکه مقصود این نیست و ما نمیخواهیم چند تحمیلی کرده باشیم ولی بنظر قطع بانک یا مؤسسه صرافی همیشه براتی را که میخرد برای اینست که روز بعد بفروشد و اگر یکماه هم نگاهداند بعد خواهد فروخت همین قدر که ما می نویسیم فروشنده برات باید مالیات بدهد مثل اینست که می نویسیم خریدار

اما راجع بان قسمت که فرمودید سایر فروشندگان بروات مقصود ما کسانی است که معاملات صرافی میکنند و تاجری است که علاوه بر تجارت خودش معاملات صرافی هم میکند نه اینکه برات صادر کند اگر این شخص یک قسمت از کارش هم برات فروشی است و برات خری است مثل این است که بانک است باین معنی که علاوه بر کار بانکی یک تجارتی هم دارد بامثل تجری است که علاوه بر کارهای تجارتی وعادی خودش برات فروشی هم میکند و دایلی ندارد که آنوقت این مالیات را ندهد؟! (صحیح است) در قسمت برات مدت دار بنده تصدیق دارم که معمول این است که یک تفاوتی گذاشته میشود ولی ما در این لایحه که آوردیم چون این یک مالیات تازه است حتی الامکان خراستیم وارد این شقوق نشویم و مسلم است که تجربه عمل ما را خواهد کشاند که بعد شقوقی هم قائل شویم و این لایحه را تکمیل کنیم ولی حالا بهتر این است که آنوقت موافقت فرمایند و آقای کازرونی هم مخصوصاً وقتی که یک کسی مشغول صحبت است یک قدری یواش تر صحبت میکنند آن وقت که ما وارد جزئیات شدیم و عمل کردیم این شقوقی که میفرمائید بعد از تجربه پیش بینی میشود و روزی کاغذ آورده میشود و این بهتر است اما در قسمت اینکه فرمودید این مربوط است به بروات خارجی یا داخل بنده در اینجا عرض میکنم این لفظ بروات که ما نوشته ایم اعم است از طهران بوشهر یا خارجه و براتی ندارد در اغلب این قسمت ها چون شاید خیلی موافق میل آقا صحبت نکرده ام بر این است که آن قسمت تبصره که گذاشته بود در ماده قبل در آنجا موافق هستم و آنرا برای شیرینی قضیه گذاشته ام برای آخر لایحه بنده موافقم راجع به تبصره ماده دوم حالا چون رای داده شده است و نمی شود کاری کرد این است که بنده یک توضیحی میدهم و در صورت مجلس قید شود که معنی و تفسیر آن تبصره است در تبصره ماده ۲ نوشته شده است عایدات خالص عبارت است از مجموع

عایدات پس از وضع مخارجی که برای تحصیل آن عایدات لازم است آقای نماینده محترم در خارج با بنده مذاکره کردند که این ممکن است تولید اشکال نماید و مأمور دولت بگوید این خرجی را که شما کرده اید و میگوئید برای تشخیص عایدات لازم است این لازم بنوده و این حقوق را شما زیاد داده اید و ببخود خرج کرده اید این است که باید نوشته شود پس از وضع مخارجی که برای تحصیل آن عایدات شده است بنده هم موافقت کردم و بنا بود پیشنهاد شود غفلت شد حالا بنده توضیح میدهم که معنی تبصره این است که ما نمیخواهیم بیائیم در یک خرجی که شرکت انتفاعی کرده است از برای تحصیل عایداتش وارد قسمت جزئیاتش شویم ما باین قسمت کار نداریم که بگوئیم این خرج زیاد بوده یا حق نداشتی بکنی و لازم نبوده آن مبلغی که خرج شده برای تحصیل عایدات آنرا ما کسر میکنیم و مابقی عایدات خالص میشود (صحیح است)

فهمی - بنده اخطار دارم ماده اول را که خواندند تبصره خوانده نشد تبصره هم باید خوانده شود و رأی بگیرید

رئیس - تبصره قرائت شد. بعلاوه خاطر مبارك آقا را تذکر میدهم بالفرض که قرائت نمیشد لایحه است طبع شده خدمت همه آقایان هست خواندن و نخواندن آن تأثیر در قانون ندارد

رئیس - آقای امین التجار

حاجی امین التجار - عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - گمان میکنم مطلب درست مکشوف و معلوم نشد مقصود آقای امین التجار این است (بنده اگر اجازه میفرمائید مختصر توضیحی بدهم) فیما بین تاجر اینطور معمول و متداول است جنسی را که میفروشد شرط میکند که در مقابلش بروات بوشهر که

مثلاً میفرود شد برات شیراز بخرد. یا اگر شیراز میفرود شد برات اصفهان بگیرد نه برای اینکه صرافی کرده باشد این در مقابل پول جنس شان است. اگر غیر از این باشد پولی موجود نیست که بگیرد. بنابر این این در مقابل پول جنس است بعلاوه يك تسهیلی هم برای خریدار فائل شده اند. اگر بنا شود شما از این براتی که در مقابل جنس از طرف میگیرد يك مالیاتی بگیرد از آن خرید و فروشش هم يك مالیاتی بگیرد در واقع دو مالیات گرفته اند علاوه بر اینکه این جور بروات بقدری مکرر میشود که اگر بخواهند باین ترتیب مالیات بگیرند از حد اعتدال خارج میشود. و چیز زیادی است. غرض این است که این مسئله صرافی نیست. عین پول است. نهایت پول در بوشهر نمیگیرد برات شیراز میگیرد.

وزیر عدلیه - بنده این را عرض کرده ام گمان نمیکنم محتاج به توضیح باشد عرض کردم کسی که جنس را میفرود شد بعد برات میکند و حواله می کند این کسی نیست که بیاید او پول تمبر بدهد همینطور بنده که جنس فروخته ام و برات گرفتم برای ارسال یعنی عوض اینکه اسکناس بدهد پول نقد بدهد برات میدهد این را نمیگویند فروشنده این صادر کننده برات است نه فروشنده برات بنا بر این اشکال اصلاً وجود ندارد ولی اگر بناسد يك بانکی عملیات صرافی بکنند آن مالیات میدهد به ترتیبی که برای بانکها مالیات فائل شده ام منحصرأ مالیات در این لایحه عبارت است از مالیات بصورت تمبر بر بروات

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است رئیس - رأی می گیریم بماده سوم موافقین قیام فرمایند (جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهارم: ماده ۴ - تاجر به ترتیب ذیل مالیات خواهند داد  
 (ا) تاجر درجه اول سالیانه دو بیست و پنج هزار تومان  
 (ب) تاجر درجه دوم « صد و پنجاه تومان  
 (ج) تاجر درجه سوم « هشتاد تومان

(د) تاجر درجه چهارم « سی تومان  
 تبصره ۱ - تاجر درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از شصت هزار تومان باشد  
 تاجر درجه دوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از چهل هزار تومان و منتهی شصت هزار تومان باشد  
 تاجر درجه سوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از بیست هزار تومان و منتهی چهل هزار تومان باشد  
 تاجر درجه چهارم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از پنج هزار تومان و منتهی بیست هزار تومان باشد.  
 تبصره ۲ - تاجری که میزان فروش سالیانه اش از پنج هزار تومان تجاوز نمی کند از پرداخت مالیات معاف است  
 رئیس - آقای طهرانی

طهرانی - بنده در جلسه گذشته پررور که راجع به تاجر عرض کردم در اکثر تاجر بازار يك نگرانی پیدا شده خواستم توضیح بدهم که مراد از دلال یعنی چه در تمام دنیا هر تجری که وسیله مبادله واردات و صادرات هستند این حکمت حکم دلال است. (بعضی نزوکنه با همه هم نه آقا نه آقا) اجازه بدهید آقا عرض کنم بنده تاجر بمعنی حقیقی تاجر صادر کننده است. یعنی تجری که محصولات ملکیتی خودش را صادر کند و طلا و نقره ملکیت کند (اینطور نیست) این عقیده بنده است. افسر - عقیده شخصی است.

طهرانی - عقیده بنده است گناهی نکرده ام آنچه بدهید آقا عرض کنم. در این اصلاحی که در کمیسیون شده است تاجر درجه اول را شصت هزار تومان در نظر گرفته تا بالا این شصت هزار تومان اگر ده ملیون هم معامله کند باین آدم حرجی نیست این تاجر درجه اول است و دو بیست و پنج هزار تومان مالیات میدهد. ولی درجه دوم يك منتهمائی برایش فائل شده و نوشته اند منتهی تا شصت هزار تومان. این تصور میکنم عادلانه نیست برای اینکه در میزانی که مالیات میگیرید از تاجر درجه اول دو بیست و پنج

بگیرید ولی با اجازه میدهید که هر قدر میخواهد مالک کند. از تاجر درجه دوم صد و پنجاه تومان بگیرد ولی معاملاتش را محدود میکنید در صورتیکه در مالیات درجه اول و دوم این قدرها نیست. بنده تصور میکنم اگر اینطور اصلاح کنید و قبول شود بر است (پیشنهادی هم عرض کرده ام) که از هفتاد و پنج هزار تومان و زیاد تر تاجر درجه اول را بنویسید درجه دوم را منتهی هفتاد و پنج هزار تومان قرار دهید که افلا يك چیزی این میانه پیدا شده باشد. فاصله خیلی زیاد است و ممکن است تولید زحمت کند برای تاجر

وزیر عدلیه - بنده نمی خواهم اینجا توضیح زیادی بدهم برای اینکه استنباط کردم که عقیده خود آقایان اظهار کردند هر تاجر وارد کننده دلال و هر کسی صادر کننده شد تاجر است آقایان با این موافق هستند که هر کسی واسطه معامله شد دلال است. سزاوارتری هر تجری واسطه معامله است ولی حرجی دیگری ندارد و دلال هم يك معنای دیگری ندارد در اینخصوص بنده دیدم که در عقیده خودشان يك تفاوتی پیدا شده است و آقایان هم موافق نیستند است که بنده دیگر توضیحی نمیدهم راجع بانسکه تاجر درجه دوم فرمودند بلا حد داریم تصدیق میفرمائید تا هر مبلغ و هر چه باشد نمیشود. اما راجع به پیشنهادی که داده اید البته موافقت فرمائید خواهد شد ولی متأسفانه از حالا نمیکنم که نمی توانم موافقت کنم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب آقای سید یعقوب - بنده میدانم آقای وزیر عدلیه عرضی که در جواب آقای طهرانی فرمودند بمن هم مانند فرمود ولی عقیده خودم را در شور اول عرض کردم حالا هم عرض میکنم و یقین دارم که دولت میشود این قانون را بعد از یکسال دو سال در

مقام آزمایش تغییر بدهد. مسلم است و آنروزی که آقای وزیر عدلیه در جواب یکی از آقایان نمایندگان فرمودند این قانون همین است که می بینید یعنی حقیقتاً ما اینرا نمیتوانیم يك قانون نامی بدانیم. ما حقیقتاً باید وضع قانون مالیات بر عایدات قائل شویم قانون بر اعمال و کار فروختن و خریدن این تجارت کردن این کار است. نباید برای این مالیات قائل شویم. ما باید تشویق کنیم کار کردن را. کار کردن اعم است از تجارت و زراعت و صنعت. کار کردن را در ملکیت باید ترویج کرد نه اینکه ما بیاییم و برای کار کردن مالیات قائل شویم درست است که نظر دولت این نیست که تعبیر کنند که مالیات بر عایدات است. نظر دولت باید مالیات بر عایدات باشد نه بر کار این يك اصلی است مسلم که خودشان هم تصدیق خواهند کرد از عایدات و ارباب مکاسب از يك رجحی که میبرد باید دولتی که میخواهد سرپرستی کند مالیات بگیرد. زیرا دولت امنیت داده و راحتی از برای يك شخصی فراهم آورد چون در تحت توجهات و اقتدار يك دولتی این دارای راحت میشود لهذا از منافعی که میبرد در صندوقش برای انتظام باید يك پولی هم بدولت بدهد این حرف عقلائی است و خیلی با فلسفه است اما اگر ما بیاییم مالیات بر تجارت قرار بدهیم بنده مخالفم مگر اینکه باین عنوانی که عرض کردم باشد این اصل موضوع حالا اگر بخواهیم يك کاریش بکنیم و بگوئیم که عنوان عایدات است نه اینکه تصور شود مجلس شورای ملی بر تجارت وضع مالیات کرده است دیگر اینکه آقای وزیر عدلیه و همه آقایان میدانند که تجارت در ایران دخل ندارد شما آمدید شصت هزار تومان قراردادید ملاحظه بفرمائید عائله های همین اشخاصی که دارای اسم تجارت اند از این شصت هزار تومان معامله شاید ده يك گیرش نیاید. بر فرض هم که ده يك گیرش بیاید. هنوز ایران آنطور نشده است که هر کس زندگانی خورد و خوراکش را فرد قرار دهد هر کدام از ماها پانزده شانزده نفر طفیلی داریم که زندگانی

آنها در تحت نظر ما قرار داده میشود و تاجران هم بمنظورند در هر خالواده تاجران ایرانی که شما ملاحظه کنید عائله دارند کسانی هستند که به طفیل وجود این تاجر زندگانی می کنند و تصور میفرمائید که بر فرض شصت هزار تومان معامله کرده باشد ده يك شش هزار تومان هم گیرش آمده باشد این شش هزار تومان حقیقه چیزی نیست که بتواند پس انداز کند البته همه مان دارای عائله و زندگانی هستیم پیشنهاد کرده اند بعضی صد هزار تومان اگر اینجا موافقت بفرمایند همان صد هزار تومان باشد بهتر است آقای طهرانی فرمودند هفتاد و پنج هزار تومان چرا برای خاطر اینکه زندگانی جامعه را در نظر بگیرند و ملاحظه این طفیلی ما را که داریم بفرمایند از این نقطه نظر اولاً امید وار هستیم انشاء الله موفق باشیم خود آقای وزیر عدلیه یا آقای وزیر مالیه بیایند بگویند این مالیات بر فعل نیست و مالیات بر عایدات است ما بر فعل و کار مالیات قرار نمی دهیم این را هم بکنید صد هزار تومان بنده خیلی خوشوقت هستم و آنوقت رأی هم خواهم داد

وزیر عدلیه - بنده هیچ مانعی نمی بینم که اگر در عمل و تجربه بعد از یکسال یا کم یا بیش متوجه شویم که این فرمایشاتی را که آقا میفرمایند و پیش بینی می کنند صحیح بوده است و چون میل دارند این را باز عرض می کنم اصولاً قانون معمولی قانونی که بشر میگذارد برای این است که تجربه کند و هر وقت دید عیب دارد احتیاج دارد عوضش کند عوض می کند اصلاح می کند و هیچ اشکالی ندارد ولی نظر دولت این که آمده است مالیات را این طور قرار داده و شق دیگری را انتخاب نکرد و عایدات را در مسئله تاجران پایه قرار نداد این را من در دفعه پیش هم عرض کردم این برای این است که از روزیکه مالیات بر عایدات آمد در مجلس تاجران یعنی طبقه ذمه لاقه باین قضیه نمانده فرستادند در کمیسیون قوانین مالیه بمخبر

کمیسیون پیش دولت گفتند شما بیایید برای ما مالیات جواز بر قرار کنید بنده نمیدانم چه شده است آنرا باین ترتیب بود و امروز که ما میخواهیم بیاییم قضیه باین شکل در بیآوریم اقا از طرف تاجران آمده اند این جا و نمایندگی می کنند که این مالیات بر فعل است بر عایدات بنده نمی فهمم یعنی چه خوب آقا این بر خودشان خواستند و اینطور گفتند اصرار اینکه آقا می آیند (بنده میدانم اقا شما حسن نیت دارید) و اصرار اینکه این چهار تا تاجر که دارید آبروی آنها را ببرید و ورشکستگی و فلک زدگی آنها را نشان بدهید و ورشکستگی آنها را پشت تریبون بگوئید چه چیز است؟! شما طوری میگوئید که من وحشت می کنم اگر بر فرض اتفاقاً یک چیزی پیش يك تاجری دارم انشاء الله بفرستم بگیرم برای اینکه آنها را شما به نان شب میبخشید می کنید چرا اینطور میگوئید چرا آبروشان را میبرید شما خیال میکنید با آنها دوستی میکنید بنده این قبول ندارم (خنده نمایندگان - مرحبا)

رئیس - آقای ملک مدنی موافقتند؟  
 ملک مدنی - بله  
 جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است  
 رئیس - پیشنهاد دیگر آقای طهرانی قرائت میفرمایند  
 مقام منبع ریاست محترم مجلس شورای ملی پیشنهاد میکنم ماده چهارم تبصره اول بترتیب زیر اصلاح شود:  
 تاجر درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه بیش از هفتاد و پنج هزار تومان باشد  
 تاجر درجه دوم کسی است که میزان فروش سالیانه چهار و منتهی هفتاد و پنج هزار تومان باشد  
 رئیس - بفرمائید  
 طهرانی - عرض کنم من متعجبم از آقای عدلیه که میفرمایند من این پیشنهاد را قبول نمیکنم

بنده يك که اختلاف نظری با دولت نیست برای اینکه شصت تا ده میلیون خوب اگر هفتاد و پنج هزار تومان را بنده میزان در نظر گرفته ام در پیشنهاد برای مراعات درجه دوم است آنها منتهی را میگذارم هفتاد و پنج هزار تومان. معاملات آقای وزیر عدلیه تومانی يك شاهی يك پول والله بیشتر فایده ندارد معامله نمیکند بیچاره ها کسی نخواست بگوید تاجر چیزی ندارند یا فقیرند خیر ولی چیزی نیست معامله نیست در همه جای دنیا تاجر ایرانی هست اما چه بکنند این است که بنده نظریه خودم را عرض کردم  
 رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - عرض کنم وقتی که ما قائل شویم باید برای تاجر يك مالیاتی وضع شود بهترین فورمولش همین فورمولی است که دولت در نظر گرفته است برای اینکه وقتی از عایدات مالیات بگیریم آن جور يك اشکالاتی دارد بر خود تاجر هم راضی نیستند و باین کیفیت که بنحو جواز باشد بهتر است این قسمت شصت هزار تومان و هفتاد هزار تومان که مذاکره شد در کمیسیون دولت با این نظر موافقت کرد که شصت هزار تومان باشد و پیشنهادی هم که در شور اول گویا فرمودند در کمیسیون هم مذاکره شد ولی متأسفانه دولت موافقت نکرد.

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای طهرانی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
 (عده قلیلی قیام نمودند)  
 رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای فیروز آبادی قرائت میشود:  
 بنده پیشنهاد میکنم که نوشته شود در ماده چهارم تاجر درجه اول سالیانه یکصد و پنجاه تومان و درجه دوم یکصد تومان و درجه سیم پنجاه تومان و چهارم بیست تومان  
 رئیس - بفرمائید  
 فیروز آبادی - بنده اولاً عرض کردم با کلیش مخالفم

و انشاء الله امیدوارم بعد از استخراج معادن و کار خانجیات اینها را بر دارند اما خوب حالا میگویند باید بشود و چاره نیست پس هر چه کمتر بهتر باین ملاحظه بنده عرض کردم تاجر درجه اول صد و پنجاه تومان درجه دوم صد تومان درجه سوم پنجاه تومان درجه چهار بیست تومان چون هر مالیاتی که میخواهند بگیرند یعنی هر مالیات جدیدی که بسته میشود باید در نظر بگیرند يك اقل قلیلی يك مقدار کمی باشد که بر مالیات دهنده دشوار و گران نباشد کان لم یکن فرض کنید کم کم مردم را زیر بار تحمیلات بکشید یکمرتبه به تجاری که وضعیتشان معلوم است گفتن اینکه دو بیست و پنجاه تومان بده این خیلی سخت است یا درجه دومش صد و پنجاه تومان بده سخت است باین ملاحظه بنده پیشنهاد کردم که درجه اول صد و پنجاه تومان درجه دوم صد تومان درجه سوم پنجاه تومان درجه چهارم بیست تومان که باینها گران نخواهد آمد و زیر بار راحت تر و زود تر میروند و بعد ها اگر صلاح دانستند و لازم شد ممکن است اضافه کنند

رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای فیروز آبادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
 (چند نفری قیام نمودند)  
 رئیس - قابل توجه نشد. رأی میگیریم بماده چهارم موافقتین قیام فرمایند  
 (اغلب قیام نمودند)  
 رئیس - تصویب شد. ماده پنج قرائت میشود:  
 ماده ۵ - اصناف بترتیب ذیل مالیات خواهند داد  
 الف - صنف درجه اول سالیانه ۱۰۰ تومان  
 ب - " " دوم " ۴۸ " "  
 ج - " " سوم " ۱۸ " "  
 تبصره ۱ - صنف درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از چهار هزار تومان باشد  
 صنف درجه دوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش

بیش از بیست هزار تومان و منتهی سی هزار تومان باشد  
صنف درجه سوم کسی است که میزان فروش  
سالانه اش بیش از پنجاه هزار تومان و منتهی بیست هزار  
تومان باشد

تبصره ۲ - صنفی که میزان فروش سالانه اش از  
پنجاه هزار تومان تجاوز نمی کند از پرداخت مالیات  
معاف است .

رئیس - آقای وثوق

آقا سید مرتضی وثوق - در اصل موضوع که  
اساساً مالیات بر عایدات باشد مخالفی نیست و حقیقه بهترین  
مالیات ها همین مالیات است زیرا دینا هم روی این اصل  
است و ما هم باید قبول کنیم در شور اول هم بعضی  
پیشنهادات شد و بعضی تسهیلات شد و قبول فرمودند  
که دلال های حق العمل کار کسانی که حق العمل میگیرند  
اگر واسطه معامله کمتر از سی هزار تومان باشند معاف  
هستند و همچنین فروش را مأخذش را بهتر قرار دادند  
بنده تشکر می کنم و هیچ صحبتی درش نیست ولی کلام  
در طریق حصول مقصود است حضرتعالی یک نظری دارید  
بنده هم یک نظری دارم ممکن است بنده یک نظری داشته  
باشم که خطا باشد و سرکار با آن بیان وافی که دارید بنده  
را متنبه فرمائید اصولاً خاطر مبارک مسبوق است که  
شهری ها تا بحال چندان عادت بمالیات دادن نکرده بودند  
( افسر - آنها هم باید یاد بگیرند ) و هر چه تا این تاریخ  
معمول بود بر دهاقین بود هیچوقت اینها سر باز نمیدادند  
این جور مالیاتهایی که الان در لایحه مطرح است نمیدادند  
باینجهت از برای اینها یکمرتبه یک فشار هائی وارد  
بیاورند البته مشکل است ولی حالا البته باید در اجتماعات  
ملکتی در چیز هائی که دولت باید از برای ملکات اداره  
کند باید مساعدت و کمک کنند و بیشتر از دهاتی ها  
ولیکن عرض کردم کلام بر حصول مقصود است بنده  
عرض میکنم مشخص قرار دادن فقط فروش را  
آهم مخصوصاً در مورد اصناف این یک اندازه مشکل

تبصره ۲ - حق العمل کار و دلالی که کمتر از سی  
هزار تومان باشند از پرداخت مالیات معاف خواهند بود .  
وزیر عدلیه - در اینجا یک قسمتی در تبصره افتاده  
است در موقع طبع حق العمل کار و دلالی که واسطه  
معامله کمتر از سی هزار تومان باشد  
بعضی از نمایندگان - صحیح است

رئیس - عقیده آقای مخبر هم همین است ؟

دکتر عظیمی ( مخبر کمیسیون قوانین مالیه ) - صحیح  
است آقا

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا خواستم آقای وزیر عدلیه

برای توضیح در مسئله عرض کنم دلال و حق العمل کار  
این دوتا یکی هستند یا دوتا اگر دوتا هستند اینجا  
من نمیدانم ممیز این دوتا چیست بعلمت اینکه بعد در  
شرحی که بیان می کنند در تبصره میفرمایند حق العمل  
کار و دلال درجه اول کسی است که واسطه معامله بیش  
از صد هزار تومان در سال نباشد در واقع عمل اینها را  
همان واسطه در عمل قرار داده است پس گمان میکنم  
دوتا واقع شود دلال است واسطه معامله است  
و از این حیث دوتا قرار دادن این را توضیح بدهند چه  
دلیل دارد این یک موضوع موضوع دیگر این است که  
در مقام اصطلاح ما میگوئیم حق الجماله یعنی کسانی که  
کار میکنند حق الجماله یا در عدلیه حق الحکمیة میگیرند  
اینها را داخل در حق العمل قرار میدهند یا داخل در  
آن ماده نه که یک انبار مار و موش درست کردید آنها  
را می اندازید در آنجا حالا آنها در آنجا باشند خوب  
این حق العمل کار و دلال در مقام عمل اسباب زحمت میشود  
اینها همه را یکی قرار بدهیم نه دو تا ممیز این دوتا چیست  
اسباب زحمت است

وزیر عدلیه - عرض کنم اینها دو نفرند طرز عملشان

هم در تجارت معلوم است در قانون تجارت هم معلوم است

مالیات از طرف ما یک قدری هم مساعدت از طرف  
بردم نه اینکه آنها خیلی بیایند درجه خودشان را  
پایین بیاورند ما هم هیچ در این قضیه اصناف با این  
بنتی فروشی که اغلب آقایان او را میشناسند  
( عمدریش ) با او دست به یقه نخواهیم شد یک صورتی  
خواهند داد ما هم قبول میکنیم انشاء الله آنها هم سختی  
نیکند و مسئله رفع میشود

چیزی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای صادقی پیشنهادی که آقا داده اید  
مفردتان حاصل است در آن تبصره که دست من است  
سی هزار تومان غلط است همان چهل هزار تومان  
برست است .

صادقی - مال بنده در اصناف است در ماده پنج  
صحیح است آنجا نوشته است چهل هزار تومان در  
پنجای سی هزار تومان

رئیس - موافقین با ماده پنج قیام فرمایند

( اکثر بر خاستند )

رئیس - تصویب شد: ماده شش خوانده میشود:

ماده ۶ - دلال و حق العمل کار بترتیب ذیل مالیات  
خواهند داد :

حق العمل کار و دلال درجه اول سالانه ۱۰۰ تومان  
» » » درجه دوم » ۵۰ »  
» » » درجه سوم » ۳۰ »

تبصره ۱ - حق العمل کار و دلال درجه اول کسی است  
واسطه معامله بیش از صد هزار تومان در سال نباشد  
حق العمل کار و دلال درجه دوم کسی است  
واسطه معامله بیش از پنجاه هزار تومان و منتهی  
هزار تومان باشد

حق العمل کار و دلال درجه سوم کسی است که  
واسطه معامله بیش از سی هزار تومان و منتهی پنجاه  
هزار تومان باشد

است و به کسب یا تجارت مالیات به بندید کسیکه تجر  
نمره اول است مثل روسیه سابق مثلاً دو بیست و هفتاد  
تومان یا سیصد تومان بدولت میداده است برای اینکه  
تجارت کند همینطور تاجر دوم در شور اول به بند  
فرمودید تاجر درجه اول و دوم و سوم باید مشخص  
داشته باشد بنده عرض کردم مشخص معلوم است  
تاجر درجه اول در هر شهری کیست و همه هم میشوند  
و اعتبارش را هم خود تجار میدانند و اشتباه نمیشود  
با تاجر درجه دوم اگر یک مالیاتی بسته میشود براس  
تجارت و کسب که تاجر درجه اول سالی صد تومان  
تاجر درجه دوم مثلاً چهل تومان یا پنجاه تومان  
بدهد کسب درجه دوم بیست تومان بدهد ده تومان  
بدهد سه تومان بدهد هر کدام در قسمت خودشان بنده  
سر گذر را هم اگر ارزش دو تومان میگیرند آنکس  
نداشت ولی این قضیه در اجرا تماس پیدا میکند با  
تمام مردم شما آنجا هم در تبصره فرمودید پنجاه  
تومان فروش مستثنی است ولی چه جور میشود  
معین کرد در ماده دیگر هم تقبیش در دفاتر فروش  
اینها را که حقا باید باشد منع فرموده اند و در آنجا  
مشخص را خود فروش قرار داده اند پس در آنجا  
شخص کسب یا تاجر باید اظهار نامه بدهد که فروش  
من اینقدر است شما هم که حق تقبیش ندارید نه در  
دفاتر نه در صورت حسابهایش نه در چیزهای دیگر  
آیا حرف خودش را قبول میفرمائید؟ دیگر احتیاط  
حاصل نخواهد شد یا فردا تمام این بیچاره ها  
اظهار نامه که دادند می باید بیایند و بترتیب  
اینکه مالیه قبول نمیکند و میگوید این اظهار نامه  
صحیح نیست و اسباب زحمت او بشود این  
عقیده بنده .

وزیر عدلیه - خوب اصلاً چرا بنده آمد اینجا  
برای اینکه رو بهمرفته که ایشان در اساس موافق بود  
و فقط فرمودند که در عمل چه جور شما این  
اجرا میکنید این خیلی سهل است بکنند



یک نفر دلال واسطه است که يك معامله را بهم به بندد بین دو نفر. حق العمل کار کسی است که جنس پیش او میفرستند و او میفروشد و پولش را میدهد و يك حق العملی از آن میگیرد اما راجع بآن قسمتی که فرمودید حق الجماله یا حق العمل میگیرند آن وارد میشود بهمان ترتیبی که عرض شد در همان انبار یعنی ماده ۹

رئیس -- آقای طهرانی

طهرانی - مسئله دلال و حق العمل کار آقای وزیر عدلیه توجه بفرمائید دلال کارش چیست دلال اولاً دلال هائیکه واسطه سی هزار تومان چهل هزار تومان و این نوع معامله هستند که می بینید تومانی نیم شاهی اینها حق دلالی میگیرند. دلال هائی که در سه هزار تومان و چهار هزار تومان و پنج هزار تومان واسطه هستند صدیک صد نیم از دو طرف نیم شاهی میگیرند گاهی يك طرف بیشتر نمیدهند چون معامله بزرگ است دلالی را که شما اینجا قرار داده اید ما دلالی نداریم که اینقدر عایدات داشته باشد که درجه يك و دو سه باشند این معاملات بازار است حق العمل کار غیر از دلال است عرض کردم حق العمل کار چه بسا تاجر حق العمل کار از تاجری که داد و ستد میکند سالی دو بست سیصد هزار تومان خیلی کارش بهتر است و معتبر تر است چون کارهای حق العملی بیشتر باو رجوع میشود و پول هم بیشتر توی دستش می آید تومانی صد دینار سه شاهی یکشاهی حق العمل میگیرد نه ضامن سوخت و سوز است نه دزدی است هیچ نیست جنس فروخت تومانی چهار شاهی سه شاهی صد دینار میگیرد این را خوبست حذف بفرمائید یعنی اگر این را بگذاریم يك کلمه زیادی است و بزرگت هم می اقتیم دلال مصطلحش این است که عرض کردم حالا اگر نظر دیگری در دلال دارید من نمیدانم و الا دلال مصطلح امروزه ایران این است

وزیر عدلیه - اولاً اطلاعی که ما داریم بر خلاف اطلاعاتی است که آقا دارند دلال هست و درجات مختلفه

بنج قران میگیرد اینها هیچ مربوط بهم نیست يك صندوق تریاك ( بنده همش را میخواهم عرض کنم ) يك صندوق تریاك البته بتفاوت قیمت حق العملش بین دوازده تومان تا پانزده تومان است ولی حق دلالی آن کسانی که این تریاك را برای تاجار میخرند تقریباً در حدود سه تومان سه تومان و هشت قران و چهار تومان است هیچ طرف تناسب با هم نیست اگر از يك حق العمل کاری که صد هزار تومان معامله میکنند هزار تومان فایده میبرد صد تومان میگیرند سزاوار نیست دلالی هم که از آن هزارو پانصد تومانی که او فایده میبرد این سیصد تومان میبرد از آن هم صد تومان بگیرند و این معامله بر خلاف عدالت است و تصور میکنم این سوء تفاهم از این جا شده است که بعضی از آقایان تاجار را دلال خطاب کرده اند در صورتیکه در همه جای دنیا اطلاع دارند که اشخاصی هستند که منحصرأ کارشان حق العمل کاری است که جنس بحواله آنها میروند و میفروشند یا برای کسی میخرند اینها جزو تاجارند چون اینها را هم دلال گفته اند تصور شده است دلال یعنی حق العمل کار و تاجر، یعنی همان منافعی را که حق العمل کار بعنوان تومانی سه شاهی میبرد دلال هم همان را میبرد حق دلال اینطور نیست بنا براین همانطوریکه آقای طهرانی فرمودند بنده این جا پیشنهاد کرده ام که در این جا کلمه دلال حذف شود زیرا شما هیچ دلالی را در تمام ایران نمیتوانید پیدا کنید که در سال هزار تومان از دلالی فایده ببرد و بطور مطلق آن را تطبیق نفرمائید شاید اگر بکنفر در طهران بکنفر در اصفهان دو نفر در آذربایجان تمام عده شان بده نفر نفر برسند بقیه دلال ها در سال بیشتر از پانصد تومان منتهی هزار تومان عایدی داشته باشند ولی يك تاجر حق العمل کار هست که در سال پنجاه هزار تومان از حق العمل کاری فایده میبرد. این مربوط باین قضیه نیست غرض این است که این دو تا باید از هم تفکیک شود اگر میخواهید يك مالیاتی بر دلالی به بندهید

نباید در ردیف حق العمل کار باشد او باید يك مالیات جداگانه بدهد و حق العمل کار يك مالیات جداگانه وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم که آقا این فرمایشی که فرمودند بواسطه این است که اینجا يك صحبتهائی شده است که ما دلال را آورده ایم و با حق العمل کار یکی فرض کرده ایم خیر آقا اگر یکی گرفته بودیم دو کلمه استعمال نمیکردیم ما که نوشته ایم دلال و حق العمل کار هر دو را نوشتیم و آنطوری که آقا ما اطلاع داریم دلالها این طور نیستند که باین کم عایدی باشند بر فرض هم که اینطور باشد این مسئله در موقع عمل معلوم میشود که اشتباه کرده ایم و ممکن است در آتی اصلاح کنیم الان بنده نمیتوانم این پیشنهاد را قبول کنم جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد آقای فهیمی قرائت میشود:

بنده پیشنهاد میکنم که تبصره ۲ در ماده ( ۶ ) بطریق ذیل نوشته شود:

تبصره ۲ - حق العمل کار با دلال که واسطه معامله کمتر از سی هزار تومان باشد از پرداخت مالیات معاف خواهند بود فهیمی - همان اصلاحی است که آقای وزیر عدلیه کردند دیگر مورد ندارد

رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی:

مقام منبع ریاست محترم پیشنهاد می کنم ماده ( ۶ ) کلمه دلال حذف شود تبصره ( ۱ ) نیز دلال حذف شود رئیس - بفرمائید

طهرانی - عرض کنم آنچه لازم بود آقای حاج امین التاجار فرمودند بنده هم عرض کردم همچو دلالی وجود داشته باشد که مالیات بر او وضع شود بنده در ایران سراغ ندارم حالا اگر آقایان دیگر سراغ دارند چه عرض کنم و يك کلمه بی وجودی و يك مالیاتی که ابداً اساس ندارد و هیچ نیست در خارج من نمی فهمم معنایش چه چیز است رئیس - آقایانی که پیشنهاد آقای طهرانی را قبول

توجه میداند قیام فرمایند

(عده قلابی قیام نمودند)

رئیس -- قابل وجه نشد. پیشنهاد آقای دهستانی قرائت می شود:

مقام منیع ریاست محترم دامت شوکته

بنده پیشنهاد می کنم برای دلال درجه اول نودو پنجتومان مالیات معین شود

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - عرض کنم بنده تصور می کردم بعد از

اینمدمت که مذاکره در اطراف این لایحه بود امروز

دیگر آقایان نمایندگان از دادن پیشنهاد و ائتلاف وقت

خود داری خواهند فرمود (یکتفر از نمایندگان - خودتان

چرا دادید) بنده اجازه خواستم چون عضو کمیسیون

نیستم بوسیله این پیشنهاد عرض خودم را بکنم یک

رعیت یک زارعی که سه سیر عایدی را در این مملکت مالیات

میدهد انصاف نیست که در مقابل نجات و کسبه اینهمه

حرفها زده شود که گاهی میگویند دویست و پنجاه تومان

زیاد است دوهزار تومان زیاد است شایسته نیست تمام

آقایان تصدیق دارند که تا با امروز تمام خرج این مملکت

بمده زارع و مالک بوده است که هر سه من پنجمین

محصول را آنها مالیات داده اند امروز بنا نشد وقتی

که مالیات بر عایدات مملکت وضع می شود اینقدر ما

در اطرافین صحبت کنیم بنده از آقایان خواهش میکنم

که یک قدری توجهتان را از نجات بانین تر بیاورید و یک

قدری از حرف زدن خود داری بفرمائید و آن بیچاره

هائی که از صبح ناشام آفتاب خورده و زحمت میکشند

و مالیات میدهند باها نگاه کنید بنده که دسهم خودم

شرم میکنم در اطراف این لایحه صحبت کنم.

رئیس - پیشنهادتان را استرداد می کنید؟

دهستانی -- بله بله

وزیر عدلیه - خیلی ممنونم از آقا

رئیس - آقای امین النجار پیشنهادی کرده اند فرات می شود:

بنده پیشنهاد می کنم ماده ۶ اینطور نوشته شود

ماده ۶ - نجات حق العمل کار بترتیب ذیل مالیات

خواهند پرداخت و در همه قسمت های این ماده کلمه

دلال حذف شود

وزیر عدلیه -- رأی گرفتید و رد شد

آقا سید ابراهیم ضیاء - امضاء کیست؟

رئیس - در یک قسمتش میتوانید توضیح بدهید

امین النجار - چون بنده در موقعی که شور اول

این لایحه بود مسافر بودم و در موقع مذاکره حاضر

نبودم و الا توضیح میدادم و ازوم و تفکیک دلال و نجات

حق العمل کار را بعرض میرساندم که دچار این محذور

نشویم و این قسمتی را که آقای دهستانی فرمودند که

مالک و زارع مالیات میدهند صحیح است ولی بالاخره

از مصرف کنندگان میگیرند بنده پیشنهاد را استرداد میکنم

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی:

بنده پیشنهاد میکنم که دلال در سال نصف مالیات

حق العمل کار که در اینماده نوشته شده بدهد.

رئیس -- بفرمائید

فیروز آبادی - همه آقایان تصدیق دارند که حق

دلالتی کمتر از حق العمل کاری است در تمام دنیا و در

ایران هم همینطور است چون کمتر است از او و از

زیاد تر از این است یک اندازه از انصاف و عدالت

خارج است عقیده ام این است که حق العمل کار دلال

نصف مالیات حق العمل کاری که در این لایحه نوشته

شده بدهد و هر دو در یک رتبه و یک درجه نباشند

چنان میکنم این بد نیست قبول بفرمایند هر چند آنوقت

لایحه باید برود بکمیسیون اما اگر قبول کنند به عدالت

تردیکتر است یک ظلمی است که عادلانه است نسبتاً

رئیس - رأی گرفته می شود به پیشنهاد آقای

فیروز آبادی موافقین قیام فرمایند

(چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد. رأی میگیریم بماده شش

موافقین قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده هفتم قرائت میشود:

ماده ۷ - وکلای عدلیه و اطباء به تناسب ذیل مالیات

خواهند داد

سالیانه در طهران در ایالات و ولایات

الف - طبیب و وکیل درجه اول ۱۲۰ تومان ۶۰ تومان

ب - درجه دوم ۴۸ ۲۴

ج - درجه سوم ۶ ۳

جمعی از نمایندگان - محالنی نیست

آقا سید یعقوب - چرا چرا

رئیس - آقای وثوق

آقا سید مرتضی وثوق - عرض کنم که در این

ماده تبعیض نسبت بمرکز و ایالات و ولایات شده است

و علت تبعیض این بوده است که در مرکز طبیب

درجه اول هست و در ایالات و ولایات نیست

این علت هم در ایالات و ولایات هست آنجا هم

در دلال زبیرا دکتری که در تبریز مثلا هست درجه

اول است و با آن دکتری که در قزوین است البته

نیست که او شصت تومان مالیات بدهد اینهم

شصت تومان همچنین وکیل درجه اول ایالات و جاهائی

استیفاء دارد با جاهائی که محکمه ابتدائی فقط

در یا صلاحیه فقط دارد یکی نیست که اینها هم

شصت تومان مالیات بدهند در اینصورت اگر آقای

عدلیه قبول بفرمایند پیشنهاد می کنم ایالات و ولایات

محرزیه قبول بفرمایند و حقا هم همینطور است بهمین دلیل

میزن طهران و ایالات و ولایات فرق گذاشته اند و

تبعیض قائل شده اند باید بین ایالات و ولایات هم

فرق قائل شوید هم از برای طبیبش و هم وکیل

همانطور که مرکز با ایالات و ولایات فرق دارد ایالات

و ولایات هم با هم خیلی فرق دارند اگر قبول میفرمایند

بنده این پیشنهاد را تقدیم کنم.

وزیر عدلیه - بنسده تصور میکنم بهتر این است

آقا بیخود خودتان را داخل این شقوق و تفصیل نکنید

هیچ مانعی ندارد این طبیبی که در یک جائی است که

خیلی کم عایدی دارد درجه سوم یا دوم باشد چه ضرورت

دارد که بگوید من درجه اول هستم اگر هست بدهد

آن مبلغ را و اگر هم نیست که بیخود از او نمیگیرند

هر چه خودش گفت ما قبول میکنیم.

رئیس آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه توجه بفرمائید

الحمد لله که موفق شدید آن لایحه اولی را تمام کردید

در این لایحه هم که موفقیت کاملی برایتان حاصل شده

است در پشت تریبون هم آن چیزی که ما باید بگوییم

شما میفرمائید مختارید ما هم عرضی نداریم در اینمجا

در عدلیه از برای وکلائی که میخواهند شغل وکالت

را بگیرند وزارت عدلیه یک جواز می دهد و تا یک

پولی ندهند جواز نمیدهد از قراری که من شنیده ام

کاملا مستحضر نیستم آقایان هم که اطلاع دارند

نمیگویند چون خجالت میکشند این جواز را هم گویا

هر سال میدهند و یک مالیاتی در وزارت عدلیه

از آنها گرفته میشود یک مالیاتی هم اینجا گرفته میشود

ملاحظه بفرمائید وزارت عدلیه آن جواز را که میدهد

بوکیل فلسفه و معنایش این است که جائز است از

برای تو بدون مانع کار کن دیگر معنی ندارد که

وزارتخانه دیگری اجازه ندهد و مانع شود این معنایش

این است که وکیل باید دو مالیات بدهد و مأمور مالیه

جلویش را بگیرد که آقا جواز بده این اولاد در

مالیات از دو مجزا گرفتن بنده مخالفم اگر نظر آنان

این است که مالیات را زیاد کنید همان تربیتی که در وزارت عدلیه هست زیاد کنید دیگر وکلاء را در مالیه داخل نکنیم این اولاً و ثانیاً بنده عقیده ندارم شما يك چیز هائی را که در مملکت جدید الولاده است بیایید در تصدیقات قرار دهید حقیقه وکلای مبرز ما معدود هستند بنده که وکیل نیستم باید تشویق از اینها بکنم که زیاد شوند آنوقت از اول ما بیک چیز جدیدی که باید تشویق کنیم مالیات به بندیم عقیده ندارم ما باید تشویق کنیم که اینها دارای علم حقوق شوند و قضاوت یا وکالت کنند آنها را در مضیقه قرار دهیم بنده مخالفم همان جواز در عدلیه کفایت میکند این یکموضوع که اساساً با مالیات بر دو قسم مخالف در مسئله طبیب هم تصدیق می فرمائید که از دوره چهارم به بعد آقای امیر اعلم و آقای دکتر حسین خاں و دیگران زحمت کشیدند و در تحت توجهات اعلیحضرت ما موفق شدیم صحیه در مملکت ایجاد کردیم این صحیه تصدیق میفرمائید که یکی از مؤسسات عام المنفعه است برای مملکت چون دو چیز است الصحة والامان نعمتان یکی صحت است یکی امنیت است همان اندازه که ما پول برای امنیت میدهیم باید برای صحت هم بدهیم همین جور که صاحبمنصب ها معافند از این مالیات بنده عقیده ام این است که باید اطباء هم معاف باشند چرا چون بیبی و بین الله اطباء ما زیاد نیستند ثانیاً بر فرض هم که داشته باشیم این اطباء صاحبمنصب هائی هستند که جنود ناخوشی ها را مقابله می کنند مامور هستند باید بیابند ماموریت کنند حقیقتش این است الان ما می فهمیم اطباء خودشان را در مقابله جنگی واقع میکنند ( خنده نمایندگان ) این چیز هائی را که می گویند اگر راست است اینها است که بنده عرض میکنم اگر راست است این است دیگر اطبا هم بعینه مثل همان صاحب منصبانی هستند که مأمورند از برای امنیت مملکتی اینها هم مامور هستند از برای امنیت جانی مردم بچه

که راجع بجواز وکلای عدلیه بود بنده لازم است بعرض شان برسانم که در این مورد این جواز و جوازی که در وزارت عدلیه داده می شود بآنها با هم تفاوت دارد اولاً جواز عدلیه از نقطه نظر معلومات و درجه بندی و حق آنها در محاکمه است بدرجات مختلفه چون یکدسته از وکلاء هستند که فقط میتوانند در محاکم صلحیه محاکمه کنند یکدسته در محاکم ابتدائی و یکدسته در استیناف و بدایت و یکدسته در هر سه محکمه بدایت و استیناف و نیز پس درجه بندی وزارت عدلیه و دادن جواز از نظر دیگری است یعنی از نظر مالیاتی نبوده است آن جوازی که وزارت عدلیه بآقایان وکلا میدهد از نظر معلوماتشان است وقتی هم داده شد البته بایستی مگر هم برش الصاق بکنند حالا اگر شما میخواهید این هر دو جواز را جمع کنید در یکجا و یکمرتبه از شان بگیرید اینهم خوب یک نظری است اما یک عیبی دارد آقایان وکلاء خودشان پیشنهاد کرده بودند شرحی نوشته بودند بوزارت عدلیه و همینطور هم بمجلس شورای ملی که شما بیابید و این را يك تمبری قرار بدهید نسبت بمدعی به اولاً بنده نخواستم و نمی خواهم بآنها يك نیتی نسبت بدهم که شاید در آنها نبوده است ولیکن میشود اینطور تصور کرد که آقایان باین وسیله خواستند فوراً هنوز ( چون وکیلند و زرنگند ) مالیات وضع نشده بگردن موکلشان بیندازند وقتی که تمبر بعنوان مدعی به بود البته ضرری برای آنها نداشت و بعد میگفتند اینقدر پول نمیر این مالیات را میدهیم بعد از موکلین خودشان میگرفتند آنها هم در اول محاکمه در صورتیکه ما میخواهیم آقایان وکلا هم یکی بخزانه مملکت کرده باشند البته همانطور که وکلانی هستند که عایدات ندارند وکلانی هم هستند که عایدات دارند و از آن عایداتشان بایستی کمک کرده باشند و بالاخره بطور کلی نشینند و تماشا کنند که دیگران هر کدام بصندوق مملکت يك چیزی بدهند ولی آنها بدهند از طرف دیگر این درجه بندی مربوط بکارشان نیست باین معنی که این درجه بندی بآنها حق نمیدهد که اگر يك کسی بگوید من درجه اول هستم و مطابق عایدش

جواز مالیاتی درجه اول را هم گرفت درجه اول باشد در صورتیکه مطابق جواز عدلیه همان وکیل وکیل درجه سوم باشد یعنی حق محاکمه فقط در صلحیه بابدایت داشته باشد این شخص اگر چه مالیات جواز درجه اول را بدهد درجه اول محسوب نمیشود و نمیتواند برود تا تمیز مگر در جوازی که وزارت عدلیه باو داده است این حق را برای او قائل شده باشند ( صحیح است ) ملاحظه فرمائید همینطور در مورد اطباء که نوشتیم از چه نقطه نظر است این دلبخواه است اگر نمیتواند و این آقا بایش مشکل است که مالیات درجه اول را بدهد درجه سیم را میدهد . منتهی اگر وکیل درجه اول باشد و این کار را بکند و مالیات درجه سیم را بدهد مجزاً باو می گویند خوب کاری نکرده است ( خنده نمایندگان ) ولی در حال ما که ضامن اجرائی برایش معین نکرده ایم که بگوید من درجه اول هستم یا درجه سیم هستم خیر . هر قدر عایدی داشت و اظهار کرد و جواز مالیاتی گرفت جواز همان درجه را باو میدهند ولی این غیر از جواز عدلیه است اما راجع باطباء اینجا در حقیقت زبان بنده بگفتم یعنی نه بگفتم بلکه زیاد لکنت پیدا میکند بلکه بکلی لال میشود . اتفاقاً بنده دیروز فوق العاده مریض سخت بودم و ناخوش و بستری بودم و بطوری درد بنده را گرفته بود که مجبور بودم انژکسیون مرفین بزنم . در آن موقع مرض و انژکسیون زدن دکتر از بنده پرسید که عقیدتان راجع بمالیات و جواز اطباء چیست ؟ گفتم آنا اگر الان از من می پرسید عرض می کنم هیچ چیز نباید بگیرند ولی امروزه که بحمد الله حالم خوب است بنده عقیده ام این است که آنها هم باید بدهند ( خنده نمایندگان ) و بیش از این هم راجع باین موضوع صحبت نمیتکنم رئیس -- پیشنهادی رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای ملک زاده

مقام محترم ریاست مجلس شورای :

پیشنهاد میکند که قسمت الف و ب و ج ماده ۷

بترتیب ذیل اصلاح شود: اطبا و وکلاییکه از حیث عایدی در درجه اول هستند.

دکتر ملک زاده - بنده عقیده داشتم اشکالاتی که برای طبقه تجار و اصناف تصور میشد در تأدیبه مالیات بر عایدات آن اشکال از برای طبقه اطباء موجود نیست از این جهت بود که بنده پیشنهاد کردم که مالیات اطباء هم در روی عایدات آنها بنا شود و فلسفه این پیشنهاد هم این بود که اولاً آرزوی همه ماها این است که يك روزی این مالیات بهمان صورت حقیقی خودش در بیاید یعنی بصورت مالیات روی عایدات ثانیاً تصدیق بفرمائید در تمام دنیا وقتی که طبقه بندی میکنند از اطباء طبقه بندی آنها در روی مقامات و معلومات آنها است و هیچوقت آزروری مقدار مالیاتی که میدهند نبوده است يك پیشنهادی هم در همین زمینه شد گویا در کمیسیون مورد بحث و مذاکره قرار داده اند و اشکالاتی دیده اند که بنده هم صرف نظر کردم ولی چون فعلاً بعضی از آقایان اطباء تصور کرده اند که این مالیات و این درجه بندی در مقامات آنها و مراتب علمی آنها اثر دارد این است که بنده این کلمه را اضافه کردم که اطباء و وکلاییکه از حیث عایدی در درجه اول یا درجه دوم یا در درجه سوم هستند این مبلغ را بدهند برای اینکه سوء تفاهمی نشود

وزیر عدلیه - بنده تصور میکنم احتیاجی نداریم که این پیشنهاد را قبول کنیم چون سوء تفاهمی نمیشود و بنده هم اینجا صریحاً عرض کردم که این درجه بندی هیچ از نقطه نظر علمی و فنی نیست (صحیح است) ملک زاده - بسیار خوب بنده مسترد میکنم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب پیشنهادی داده اند آقای سید یعقوب - بنده استرداد میکنم  
رئیس - آقای فیروز آبادی پیشنهادی کرده اند

قرائت میشود:

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی - بنده پیشنهاد حذف ماده ۷ را مینمایم  
فیروز آبادی - بنده عقیده ام این است که این ماده را حذف کنیم و اطباء را راحت کنیم در ضمن هم بآنها تذکر بدهیم که قدری مراعات حال مرضی را بکنند در صورتیکه حالا آقایان مالیات نمیدهند رعایت حال مرضی فقیر را نمیکند در صورتیکه مالیات بدهند آنوقت با مرضی چه خواهند کرد بنده باین ملاحظه پیشنهاد کردم این ماده حذف شود و آنها را بحال خودشان بگذارند و از شان هم خواهش نکنند یکقدری انصاف بدهند در باره مردم

رئیس - آقایانیکه پیشنهاد آقای فیروز آبادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند  
(عده قلیلی قیام کردند)

رئیس - قابل توجه نشد رأی میگیریم بماده هفتم هفتم قابل موافقتین قیام فرمایند  
(اکثر برخاستند)

رئیس - تصویب شد ماده هفتم قرائت میشود:  
ماده ۸ - طبقات مذکور در مواد ۴ و ۵ و ۶ و ۷ برای اشتغال بمشاغل خود باید جواز تحصیل نمیشود مبالغ مذکوره در آن مواد بعنوان حق جواز اخذ خواهد شد هر يك از افراد طبقات مذکوره در مواد ۴ و ۵ مکلف هستند اظهار نامه که حاکی از میزان فروششان قبل و مشخص درجه بندی آنها خواهد بود باین محل بدهند

افراد و طبقات مذکوره در ماده ۷ درجه خود را در ضمن اظهار نامه که خواهند داد معین میکنند  
اشغال بمشاغل مذکوره در مواد ۴ و ۵ و ۶ بدون تحصیل جواز ممنوع بوده و متخلفین بجریمه معادل درجه حق جواز محکوم خواهند شد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بموجب این قانون باید هر کس مالیاتش را قبلاً بدهد یعنی باید آنها را که مشمول مواد ۴ و ۵ و ۶ هستند تحصیل جواز نمایند وقتی مالیات از آنها گرفته میشود که جواز بآنها بدهند جواز هم چه وقت میدهند؟ البته در ابتداء چرا؟ چون بدون گرفتن جواز آنها ممنوع از عمل هستند وقتی اینطور است اینها باید قبلاً حق الجواز بدهند تا بتوانند مشغول شوند و بنده عقیده ندارم که این مالیات باین شکل و باینقدر سخت گرفته شود یعنی در ابتدای سال بلکه باید آخر سال گرفت والا بنده مخالفم

وزیر عدلیه - اینجا این نظری که آقا دارند و این ترتیبی که میفرمایند همچو تصریحی نشده است ما خردمان میخواهیم در نظامنامه که برای اجرای این امر مینویسم آنچه ارفاق و تسهیل و استمهالاتی که لازم است کاملاً پیش بینی میکنیم (صحیح است)  
عده از نمایندگان - کافی است

رئیس - رأی میگیریم بماده هشتم موافقتین ماده هفتم قیام فرمایند  
(اکثر قیام کردند)

رئیس - تصویب شد. ماده نهم قرائت میشود:  
ماده نهم - کسانی که از عوائد مملکتی و بلدی ایران قرض میگیرند با استثنای نظامیان و صاحب مناصب و نظمی و متقاعدین به تناسب ذیل مالیات خواهند داد:

الف - هر کس از ۳۵ تومان و منتهی پنجاه تومان و نهم ماهیانه میگیرد نیم درصد از کل حقوق  
ب - هر کس بیش از پنجاه و منتهی صد تومان و نهم ماهیانه میگیرد نسبت بما زاد يك و نیم درصد  
ج - هر کس بیش از صد و منتهی دو صد تومان و نهم ماهیانه میگیرد نسبت بما زاد دو درصد

د - هر کس بیش از دو صد تومان حقوق میگیرد نسبت بما زاد چهار درصد  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - اینجا آقای وزیر عدلیه توجه بفرمائید ما در چند دوره قبل بنده خودم یکی بودم که نسبت بمامورین دولت عریضی میکردم و باندازه آنها فشار آوردند که وزرا ناچار شدند قوانینی آوردند و بقدری آنها را در مضیقه و فشار گذاشتند که بنده خودم از آنها حالا خیلی خجالت میکنم مامورین داخله مالیه همین جور دیگران. حالا خیر الامور اوسطها حد وسط را باید در نظر بگیریم و ابتنغ بین ذلك سببلا. حد وسط را اختیار کنید از این نقطه نظر عرض میکنم شاید اگر نظر مبارکتان باشد مکرر در کمیسیون عدلیه وقتی که مخصوصاً قانون راجع بمجازات بود همین را عرض میکردم شما میفرمودید یادتان رفته است که در دوره چهارم و پنجم چه میگفتید؟ این درست ولی حالا جنبه رحم و ارفاقمان آمده است جلو و میخواهیم حقیقه نسبت بانها مجلس و دولت يك نظر و توجه خاصی بکنند که دست و دل مامورین از کار سردنشود از این نقطه نظر بنده عرض میکنم که ماهی سی و پنج تومان در این شهر يك عائله را مستخدم نان بدهد مستخدمی که دارای زن است (غالباً دارای زن و بچه هستند) اینها که غیر از این سی و پنج تومان چیزی ندارند از آنطرف کرایه خانه آنها را هم ملاحظه بکنید خانه که ندارند باید کرایه نشینی بکنند. بعد از اینکه تمام اینها را در نظر گرفتید می بینید که سی و پنج تومان زیاد است و لا اقل درجه سه و رتبه سوم را این ترتیب قرار بدهید نه این ضباط یا ثبات را این آدم خودش است و زن و بچه و کرایه خانه با این سی سی و پنج تومان حقوق این دیگر چه مالیاتی بدهد از بالاتر از سی و دو تومان یا سی و پنج تومان بگیرد حالا فوراً آقای وزیر عدلیه می فرمایند چیز میفرمایند کم است...

چون ایشان کاملاً مواظب و ملتفت هستند که کدام نقطه ضعیف است آنوقت همچو توپ بان نقطه ضعیف میزنند که نابود میشود بنده سی و پنج تومان را نمیگویم چیز کنید بنده عرض میکنم که رتبه مستخدمین را این اندازه قرار ندهید و يك قدری بالاتر بروید و بگریید از حد اكثر رتبه سه قرار بدهید بنده نظرم در این موضوع این است حالا اگر قبول بفرمایند خیلی خوبست اما در موضوع دیگر مسلم است که یکی از فوائد وضع این مالیات بعد از اینست که ما آن اسراف کارها را از بین ببریم و کم کم معتقد بشویم و جمع آوری کنیم خودمان را اما در هر حال نسبت باینها اینرا زیاد میدانم و پیشنهاد هم می‌کنم و امیدوارم که بدون پیشنهاد هم خودتان قبول فرمائید

وزیر عدلیه - آقا یاد آوری فرمودند فرمایشاتیرا

که در دوره های گذشته می‌کردند و سخت‌گیرانه می‌کردند و بنده هم تصدیق می‌کنم ولی این قانون مجازاتی که وضع شده از نقطه نظر آن احساسات بوده است یعنی اوقات تلخی ونه اینکه بعد هم در اینطور مواقع دولت حاضر است که از نقطه نظر احساسات وارونه بیاید و بگوید بمامورین که آقا شما هیچ ندهید بالاخره آقا مامورین دولت يك تکلفی دارند که باید انجام کنند و مثل سایر افراد مردم همانطوریکه دولت از مردم میگیرد بانها هم میگوید اینقدر بدهید دولت بمستخدم خودش هم میگوید در ماه اینقدر پول میدهم فقط اینقدر هم از نوکار میخواهم نمیخواهی کسی دیگر را می‌آورم که حاضر است بنا بر این نباید چیز داشت مامور دولت کار می‌کند حق میگیرد و حق او هم منظم تر از دیگران میرسد و از هر کسی هم در ردیف خودش که بگیریم وضعیانش بهتر از يك فرد عادی است در این مملکت اما راجع به سی و پنج تومانی جواب بنده را خودتان قبلاً دادید از سی و پنج تومانی یا از چهل و دو تومانی اگر بگیریم در ماه فقط دوریال

و باید مانند اعضاء كشوری مالیات بدهند بالاخره عضو دفتری وزارت جنگ یا امنیه یا نظمیه مثل سایر مستخدمین كشوری است و هیچ تفاوتی با آنها ندارد ما فقط در کمیسیون خواستیم نظامیان و صاحب منصبان را مستثنی کنیم افراد هم که حقوقشان سی و پنج تومان نیست رئیس - آقای اعتبار پیشنهادی کرده اند :

پیشنهاد میکنم قسمت الف از ماده ۹ اینطور اصلاح شود: الف - هر کس بیش از ۲۲ تومان و مقیم پنججاه تومان حقوق ماهیانه میگیرد نیم در صد از کل حقوق اعتبار - بنده در شور اول هم عرض کردم که ما مستخدم را باید در عوض يك نفر دیگری که برای او ناسعد تومان پانصد تومان معافیت قائل شده ایم باید فرار بدهیم ولی چون دیدم این را قبول نفرمودید حالا هم میدانم این پیشنهاد را قبول نخواهند کرد این است که بنده خواستم این جا توضیح مختصری بدهم راجع بنصیه مازاد . قضیه مازاد را بنده معتمد که آقای وزیر عدلیه برای روشن شدن قانون و برای اینکه فردا در عاشره چهار اشکال نشویم موضوع دویست تومان را برای ما توضیح بدهند که چه جور با او عمل خواهد شد و نسبت بمازاد یعنی چه ؟ تا فردا در محاسبات دچار مشکلات و سوء تعبیر و تفسیر نشوند . عقیده بنده اینست که لازم است یا در قانون ذکر شود یا اینکه در اینجا توضیح بدهند و بنده پیشنهاد خودم را هم مسترد میکنم.

وزیر عدلیه - بنده آقا چون لطف فرمودند و پیشنهادشان را پس گرفتند این است که لازم میدانم موضوع را اینجا خیلی واضح و روشن عرض کنم که يك کسی که دویست تومان حقوق میگیرد میفرمائید چه جور نسبت بمازاد حساب کنیم . عرض میکنم که پنججاه تومان باشد نیم در صد از کل حقوق از پنججاه تومان نانی يك و نیم در صد از کل حقوق یعنی پنججاه تومان در صد اولی میشود دوازده تومان در سال سه تومان و

نه تومان اما نسبت بصد تومان دوم دوازده صد تومان هزار و دویست تومان که بیست و چهار تومان دو در صدش میشود اینهم ۲۴ تومان این صحیح ؛ خوب این ۲۴ تومان صد تومان دومی سه تومان پنججاه تومان اول ونه تومان پنججاه تومان دوم جمعاً میشود (سه و نه دوازده و چهار شانزده - شش - يك و دو سه ) سی و شش تومان از دویست تومان در سال میگیرند هیچ اشکالی هم ندارد هر محاسبی هم بخواهد حساب کند این جور حساب میکنند پس در نسبت بمازاد اول می آیم عدد اول را حسابی کنیم بعد عدد دوم را جمع میکنیم تا مقدار مالیت معلوم شود . یا اینکه آن ترتیبی که نوشتیم مالیات همان قسمت را ارزش میگیریم مثلاً فرض میکنیم در قسمه شرکت که ما نوشتیم ده هزار تومان یا پنججهاز تومان اول فرضاً معاف و مستثنی بعد از دوازده هزار تومان تا بیست هزار تومان یا سی هزار تومان مطابق قانون صدی چند و نسبت بمازاد بیست یا سی هزار تومان صدی چند این را همینطور مرتب حساب میکنیم و میرسیم جلو و این حسابی را که من اینجا کردم گمان میکنم مطلب را حرب واضح کرده باشد و اشکالی باقی نمانده باشد

رئیس - پیشنهادتان را استرداد کردید آقای اعتبار اعتبار -- بلی بلی  
رئیس -- آقای ناصری پیشنهادی کرده اند :  
مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی :  
پیشنهاد میکنم در ماده ۹ بجای کلمه متقاعدین عبارت ذیل نوشته شود :  
« و کسانیکه از محل تقاعد حقوق میگیرند »  
ناصری - قصد بنده از این پیشنهاد این است که کسانیکه از محل تقاعد حقوق میگیرند ولی متقاعد نیستند از این مالیات معاف باشند . چون کسانی هستند فرض کنید ورثه مستخدمین که متقاعد نیستند ولی اگر صندوق تقاعد حقوق میگیرند آنها باید معاف باشند انصافاً اولاً

مؤید احمدی - حالا عرض می‌کنم . عرض کنم که عبارت ماده را ملاحظه فرمائید چه جور شد ؛ عبارت ماده اینطور مفهوم میشود که صاحب منصبان امنیه و نظمیه معافند لکن افراد معاف نیستند .  
آقا سید یعقوب - خیر خیر .  
مؤید احمدی - عبارت اینطور است : قرائت میکنم ملاحظه فرمائید . کسانیکه از عوائد منگنی و پادشاهی ایران حقوق میگیرند باستثنای نظامیان و صاحبمنصبان امنیه و نظمیه و متقاعدین به تناسب الی آخر از این جهت بنده تصور میکنم اگر صاحب منصبان باشند همینطوری باشد نظامیان و امنیه و نظمیه بهتر است .  
وزیر عدلیه - آقا توجه باین فرمائید که در اداره نظمیه و امنیه و نظامیان سی و پنج تومانی ندارند و ما صاحب منصب را نوشتیم برای اینکه بیشتر حقوق دارد اما اعضاء دفتری مثل سایرین

تقصان فاحشی از این پیشنهاد در عایدات پیش بینی شده از این قانون پیدا نمیشود به علاوه يك ارفاقی هم نسبت بآنها شده

وزیر عدلیه - با مطلبی که نماینده محترم فرمودند بنده عرض میکنم که موافق هستم ولیکن باید عبارت راطوری بنویسند که مقصودشان را برساند جمله: (کسانیکه از صندوق تقاعد استفاده میکنند) اگر نوشته شود بهتر است ولی محل تقاعد که پیشنهاد کرده اید واضح نیست و تولید اشکال هم میکند

ناصری - بسیار خوب این بهتر است

رئیس - آقای مخبر نظرشان چیست؟

مخبر - همینطوری که آقای وزیر فرمودند صحیح است (خنده نمایندگان)

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی:

بنده پیشنهاد میکنم که کله نظامیان و صاحبمنصبان امنیه و نظمی حذف شود

فیروز آبادی - بنده خیلی متأسف هستم. در این لایحه يك ماده دارد که بعقیده بنده قدری مشروع است و آهم دارد اینقدر مخالفت میشود و استثناء میکنند. ما وقتی مستخدم میگیریم و نوکر میگیریم باین حقوق میگیریم دیگر اینها مستخدم نشوند پس این يك راه مشروعش. دیگر اینکه باید همیشه ما بین مالیات بده و حقوق بگیر تناسب باشد و باید يك کاری کرد که این هر دو بنظر بدبینی باهم نگاه نکنند اینها نگویند که با ما روزی چقدر زندگانی مان اداره میشود و دیگران با چقدر اعاشه می کنند. آهم از مال ما و اگر ما بیائیم و رافت کنیم و يك قدری مهربانی کنیم بيك کسی که سالی پنج هزار تومان سه هزار تومان دو هزار تومان یا شصت تومان میگیرد لاف باینها هم رافت کنیم یعنی با کسانیکه در تمام سال دارائی شان و عایدی شان بدویست تومان سیصد تومان نمیرسد آنها را هم رافت کنیم و از آنها

نگیریم و اینقدر بذل و بخشش نکنیم و بنده معتقدم که باید نظامی و غیر نظامی این حقوق را بدهیم. منظور که دیگران هم میدهند نظامیان هم بدهند استثناء چیه ندارد اگر حقوق شان کم است زیاد تر بهشان بدهید اگر حقوق شان باندازه است استثناء چرا قائل شد باید باین جهت بنده مخالفم

وزیر عدلیه - بنده با اینکه یقین دارم که هیچکدام از آقایان موافقت با نظر آقای فیروز آبادی ندارند (صحیح است) ولی چون این مسئله را دفعه قبل هم فرمودند و بنده توضیح دادم باز هم فرمودند این است که این جا توضیح عرض می کنم که اگر آقا نظامیان نبودند بنده و جناب عالی نمی توانستیم حالا بیائیم و این جا بشینیم و با فکر و خدایال فارغ از برای ملک خدمت کنیم.. (فیروز آبادی - حقوق میگیرند) و باید از آنها تشویق کرد يك ملتی وقتی بخواد حق قدر دانی خودش را ایثار جماعتی بکند که برای او زحمت می کشند بنده بدون اینکه بخودم تنق بگویم واقعا گمان می کنم در این مورد است که باید مجلس شورای ملی بواسطه استثناء کردن این طبقه نخواهد حق قدر دانی خودش را ابراز و اظهار کند (صحیح است)

رئیس - رای میگیریم ماده هم با اصلاح پیشنهادی آقای ناصری که آقای وزیر عدلیه و آقای مخبر قبول کردند موافقین قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده دهم خوانده میشود:

ماده ۱۰ - کسانیکه از غیر از منابع فوق عایدات سالیانه بیش از پانصد تومان دارند به تناسب ذیل مالیات خواهند داد:

الف - پانصد تومان تا هزار تومان عایدات سالیانه صدی يك

ب - از دو هزار تومان تا شش هزار تومان عایدات سالیانه نسبت بمازاد صدی دو

ج - از شش هزار تومان عایدات سالیانه بیابا نسبت بمازاد صدی سه

تبصره ۱ - عوائدی که مطابق قانون مصوب ۲۰ دیماه ۱۳۰۴ حاصل میشود محکوم بتادیه مالیات مذکور در این ماده نبوده و مطابق قانون مذکور مالیات تادیه خواهند نمود مالیات اغنام و احشام که مطابق قانون مصوب ۲۱ امرداد ۱۳۰۷ ملغی است کما کان ملغی خواهد بود

تبصره ۲ - مادام که عوائد حاصله از مستغلات مخصوص به بلدیة ها مشمول این قانون نخواهد بود وزیر عدلیه - این جا در ماده يك قدری اصلاح عبارتی گمان میکنم لازم باشد اجازه میفرمائید بنده میخوانم آنجا اصلاح شود: از اول ماده میخوانم [ماده دهم - کسانیکه عایداتی از غیر منابع مذکوره در مواد فوق دارند در صورتیکه عایدات خالص سالیانه آنها بیش از پانصد تومان باشد متناسب ذیل مالیات خواهند داد:]

عبارت غلط بود حالا اصلاح شد

رئیس - يك بار دیگر هم قرائت بفرمائید

وزیر عدلیه - بشرطی که آقا بنویسند (مجدداً ماده را شرح فوق قرائت نمودند)

الف - از پانصد و يك تومان تا دو هزار تومان عایدات خالص سالیانه صدی يك نسبت بمازاد پانصد تومان

ب - از دو هزار و يك تومان تا شش هزار تومان عایدات خالص سالیانه نسبت بمازاد صدی دو

ج - از شش هزار و يک و يکتر تومان عایدات خالص سالیانه نسبت بمازاد صدی سه وبعد در تبصره دوم يك اصلاحی نسبت باز در مرتبه می خوانم: مادام که مالیات مستغلات مخصوص بلدیة ها است عوائد حاصله از مستغلات مشمول این قانون نخواهد بود. در تبصره ماده عوائد نوشته شده اند که عوائد حاصله باید که نوشته شود مادام که مالیات مستغلات

رئیس - آقای مخبر هم با این اصلاحات موافقت؟

مخبر - بلی بلی

رئیس - آقای فرشی

حاج میرزا آقا فرشی - در این ماده باز يك اشکالاتی هست که در موقع اجرا ممکن است دچار اشکال شوند وزیر عدلیه - بلی آقا؟

فرشی - عرض می کنم ماده مختصر ابهامی دارد که در موقع اجرا ممکن است دچار مشکلات شوند. این قانون را تصدیق می فرمائید که در واقع سه قسم قانون است یکی قانون برای صدور معاملات که اسمش حق الجواز است یکی قانون نمر است یکی هم قانون مالیات بر عایدات در این جا نوشته شده کسانی که عایداتی از غیر منابع مذکوره در مواد فوق دارند در صورتیکه عایدات خالص سالیانه آنها بیش از پانصد تومان باشد به تناسب ذیل مالیات خواهند داد.

در اینجا اسم عایدات را میبرد پس مالیات بر عایدات است و اگر يك ناجری به يك دکتری یا يك اصنافی که مالیات جواز را پرداخت ولی ضمناً عایداتی هم داشت آنوقت می آیند و می گویند آنهايي که دادی مالیات بر عایدات نبوده حق جواز بوده حالا شما يك عایدی دارید که بیش از پانصد تومان است و باید يك مالیات دیگری هم بدهید.

اعتبار - بلی بلی باید بدهد.

فرشی - این است که دید اینجا يك توضیحی داده شود که در موقع عمل اسباب اشکال نشود و باهم مخلوط نشود و در این باب يك پیشنهادی هم کرده ام.

وزیر عدلیه - عرض کنم که بنده اینجا ناچار هستم يك توضیحی بدهم تا سوء تفهیمی نشود ما علت اینکه نوشتیم کسانیکه عایداتی از غیر منابع فوق دارند نمی خواهیم کسانی را که مشمول یکی از مواد فوق هستند

وعایداتی دارند اورا بطور کلی معاف کرده باشیم. خیر چون ممکن است آن آدم از يك منبع دیگری عوایدی داشته باشد بنده فرض بفرمائید طبیب هست يك حق جواز هم میدهم از برای طبایم پنجاه هزار تومان هم در بانک دارم که در تنزیل است البته از این منبع هم باید يك مالیاتی بدهم. اما اگر بنده ناچار بودم و جوازی برای تجارت گرفته و عایداتی هم از راه تجارت داشتم البته غیر از آن چیزی نمیدهم چون آن جواز برای تحصیل این عایدات بود اما اگر از يك راه و از يك ممر دیگری بود که عایدی داشتم باید مالیات آن را هم بدهم نه اینکه ما باو بگوئیم همان مالیات جواز کافی است و از آن عایدی دیگری مالیات لازم نیست بدهی تو را بسلامت و ما را بخیر یا وارونه خیر هر کسی را ما گفتیم که بایستی به تناسب استعداد مالی خودش و استطاعت خودش يك چیزی بدهد (خنده نمایندگان) در صورتیکه البته دارای فلان مقدار و میزان عایدی باشد مثلاً يك کسی است که وکیل عدلیه است از نقطه نظر عایداتی که از عدلیه دارد يك جوازی میگیرد و حتی هم میدهد در سال فلان قدر دارد فلان قدر هم بدهد و در ضمن هم فرض بفرمائید که همین شخص دارای يك منابع عایدی دیگری هم هست که باید آن جا هم بدهد منتهی ما آمدم يك استثنائی قائل شدیم که کسانی که عایدات دیگرشان از راه املاک است یا مستغل است یا املاک مزروعی است از آنها چیزی ندهد و الا اگر از پنج ممر و منبع عایدی دارد باید از پنج ممر و منبع بدهد و الا خیلی خوب بود که می آمد و بین این منابع مختلف میکشت و میدید که کدام يك از این منابع کتر عایدی دارد همان را مأخذ میگرفت و مالیات میداد و دولت هم آنوقت باید از يك منبع بزرگ عایدی که آن آدم دارد صرف نظر کند

رئیس - پیشنهاد آقای طلوع قرائت میشود:

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی . تبصره يك ماده دهم را بترتیب ذیل پیشنهاد می كنم  
تبصره ۱ - عوایدی که مطابق قانون مصوب ۲۰ دیماه ۱۳۰۴ حاصل میشود تا پانصد تومان معاف بقیه محكوم بتادیه الی آخره .  
وزیر عدلیه - يك مرتبه دیگر قرائت شود .

( مجدداً بشرح فوق قرائت شد )

محمود رضا - مطابق این لایحه از تمام طبقات مالیات گرفته میشود و مالیات ارضی هم البته بجای خودش هست باید گرفته شود و در این لایحه هم عوائد تا پانصد تومان برای کسانی که از غیر منابع فوق عایدی دارند معاف خواهند بود ولي يك قتیبه هست که فوق العاده مورد زحمت است و ماها هم همه در آن موضوع دچار اشکال هستیم خود دولت هم در زحمت است و خرج خیلی زیادی را در این قسمت متحمل میشود و آن راجع بمالیات خرده مالکین است یعنی اشخاصی که نیم جریب و يك جریب و يك جریب و نیم و يك دانگ ملک دارند ( صحیح است ) و چون البته يك مدتی از برای وصول مالیات معین نشده فقط پیشکار ماله اعلان می کنند که از تاریخ فلان تا پانزده روز از تاریخ انتشار این اعلان تا پانزده روز ما باید مالیات را وصول کنیم فلاحین و دهاقین بچاره هم که نزدیک با دورند البته از قانون که اطلاعی ندارند و اعلان نمی خوانند و بالتبعجه در موقع معین برای پرداخت مالیات حاضر نمیشوند آنوقت يك تحصیل دار ماله و يك مأمور دیگر برای خاطر دو تومان یا پانزده تومان مالیات بروند آنجا ریست و پنجقران و سه تومان بپردازند فوق العاده بگیرند . . .

عدل - این مربوط نیست بموضوع

محمود رضا - چرا آقا مربوط است موضوع مالیات است دیگر چه فرق می کند ( صحیح است )

يك اشکال بزرگی بین مأمور دولت و مردم فراهم میکند و حقیقه هم تحمیل زیادی است اگر دولت بخواهد يك مبلغ مالیات از این خرده مالکین بگیرد مثلاً در حدود هفت قران و شش قران در مقابل خرج دولت می شود سه تومان چهار تومان و این بزرگ تحمیل میشود علاوه يك قسمت دیگر هم راجع بهمین موضوع است مثلاً يك نفر زارع برای يك خانه که درست میکند صد ذرع دویست ذرع سیصد ذرع چهار صد ذرع پانصد ذرع جاری محوطه خودش را صیفی کاری میکند آقایان میدانند ولیکن گیلان از صیفی کاری ابدأ یکشاهی هم استفاده نمی کنند ( عده از نمایندگان - صحیح است ) از آن طرف مأمور دولت می آید و در موقع مالیات میگوید که نوسبصد ذرع چهار صد ذرع جلوی حیاط و محوطه خانه خودت صیفی کاری داری باید دو قران سه قران مالیات بدهی در آن موقع هم باز باید يك مأمور وصول (يك تحصیلدار و يك تحویلدار) بروند محل مطالبه بفرمایند این را بنده خواستم از آقا استدعا کنم که ما را از این بدبختی و بیچارگی نجات بدهند و این پیشنهاد را قبول بفرمایند .

وزیر عدلیه - بنده هرگاه در اساس فکر نماینده محترم می خواستم حرفی بزنم و مخالفی بکنم حقیقه هم برخلاف بنده خودم صحبت کرده بودم وهم برخلاف انصاف البته نقلی ندارد که ما بیائیم و تمام طبقات مردم را در این يك يك حد معافیتی قائل شویم بگوئیم که هر کس سال پانصد تومان داشته باشد هیچ چیز ندهد آنوقت کسی که باید زحمت بکشد واقماً زحمت بکشد تولید ثروت بکند تو باید بمعنی صحیح و حقیقی کلامه از سینه بیاخرد باید نان در بیاورد برعکس این آدم را بگوئیم تو از هر چه داری باید بیسائی و يك بخش را بدهی . اینطور نیست که در اساس این را برای بیان کردن مطلب و تهیه زمینه فکر و

بلاخره منطق يك حرفی را زده باشم و يك عریضی کرده باشم و اساساً من هم معتقد باین فکر هستم ولی چیزی که هست من میخواهم به بیستم يك مالیاتی باین صورتی که هست مالیات قدیمی ارضی بصورتیکه فعلاً دارد با معایب بسیاری که برای او تصور میشود و دارد و محتاج باین است که مطالعات زیادی شود و اصلاً يك ریخت و ترکیب دیگری باین مالیات داده شود این را تصور میفرمائید ممکن است در این وقت روز و در ضمن يك لایحه دیگر و بطور ضمنی و یواشکی اصلاح کرد بنده قسمت اول را تصدیق میکنم ولی از شما هم تصدیق میخواهم که آیا ممکن است این را بمحض اینکه آقای پیشنهاد کردید بنده هم قبول کنم؟ بنده خیلی دلم میخواهد قبول کنم لیکن الان طریقی برای قبول این پیشنهاد آقا ندارم. بنده خواهش میکنم آقا موافقت بفرمایند پیشنهادش را پس بگیرند و بالاخره دولت راجع باین مالیات ارضی يك مطالعاتی را که مدتی هم هست سعی میکنند دنبال بکنند و این را زودتر بيك جائی برساند و ممکن است در موقعش این فکر آقا را عملی کنند .

طلوع - بنده اصراری ندارم . راه حلی پیدا کنید برای این موضوع . پس میگیرم

رئیس - پیشنهاد آقای فرشی قرائت میشود:

پیشنهاد آقای فرشی

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته این بنده پیشنهاد می کنم ماده ده اصلاح شود : ماده ده - کسانی که از غیر از منابع مذکوره در این قانون بیش از پانصد تومان عایدی دارند به تناسب ذیل مالیات خواهند داد .

رئیس - تشریف ندارند ؟ ( گفته شد خیر ) پیشنهاد آقای فولادوند قرائت میشود :

پیشنهاد آقای فولادوند

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد می کنم کارخانه های دستی داخلی از

مالیات ماده ده معاف شوند

رئیس - بفرمائید

فولادوند - بنده در ضمن شور اول پیشنهاد کردم

که . . . . .

رئیس - آقا تند نویسیها موفق نمیشوند که بنویسند

بلندتر بفرمائید یا بیاباید اینجا .

فولادوند - (در پشت تریبون) بنده در ضمن شور

اول پیشنهاد کردم که کار خانجات جدید التاسیس داخلی

از این مالیات برای تشویقی که بانها بایستی بشود معاف

شوند و قضیه در کمیسیون هم بعرض هیئت وزراء رسید

و قابل توجه هم نایک اندازه شد ولی فرمودند از نظر

ملاحظاتی که در آئینه دولت ترتیبات دیگری در نظر دارد

و هم اینکه ممکن است یک تفاوتی درین تجار از ترتیبات

داخلي و شرکتهای خارجی ایجاد شود این قضیه حالا

باشد حالا غرض عرض بنده این است که در ضمن

مالیاتی که در ماده ده میخواهید اخذ شود یک کار خانه

های کوچکی است شعر بافی یا نخ بافی یا پارچه های

وطنی که شاید عایداتشان مشمول ماده ۲ نمیشود آن

اندازه نمیشود ولی مشمول ماده ده میشوند یعنی عایدات

داخلي خودشان شاید این اندازه ها بیشتر شود از نقطه

نظر مساعدت و ترویج امتعه داخلی و کمک هائی که

باید بشود اگر مالیات اینها را معاف کنند که برای

آنها یک تحمیلی نباشد شاید مفید باشد .

وزیر عدلیه - تصور میکنم که نظر آقا تامین شده باشد

برای اینکه خود آقا می فرمائید این کار خانهای دستی

هیچوقت عایداتشان به پنج هزار تومان نمیرسد در این

صورت ما هم از آنها چیزی نمی گیریم و مالیات

نباید بدهند .

رئیس - آقا قرائت میشود و رای میگیریم :

ماده ده - کسانی که عایداتی از غیر منابع مذکور

در مواد فوق دارند در صورتیکه عایدات خالص سالیانه

آنها بیش از پانصد تومان باشد به تناسب ذیل مایلند خواهند داد .

الف) از پانصد و یک تومان تا دوهزار تومان عایدات خالص سالیانه صدی یک .

وزیر عدلیه - صدی یک نسبت بمازاد پانصد تومان اصلاحی که بنده عرض کردم راجع بهمین بود .

رئیس - دو باره قرائت می شود :

الف) از پانصد و یک تومان تا دو هزار تومان عایدات خالص سالیانه صدی یک نسبت بمازاد پانصد تومان

ب) از دو هزار و یکتومان تا شش هزار تومان عایدات خالص سالیانه نسبت به مازاد صدی یک

ج) از دو هزار و یک تومان تا شش هزار تومان عایدات خالص سالیانه نسبت بمازاد صدی دو

د) از دو هزار و یک تومان تا شش هزار تومان عایدات خالص سالیانه نسبت بمازاد صدی سه

تفسیر ۱ - عوائدی که مطابق قانون املاک اربابی مصوب ۲۰ دیماه ۱۳۰۴ حاصل میشود محکوم به تأدیه مالیات مذکور در این ماده نبوده مطابق قانون مذکور

مالیات تأدیه خواهند نمود - مالیات اغنام و احشام که مطابق قانون مصوب ۲۱ امرداد ۱۳۰۷ ملغی است

تفسیر ۲ - مادام که مالیات مستغلات مخصوص به بلدییه ها است عوائد حاصله از مستغلات مشمول این قانون نخواهد بود

وزیر عدلیه - اجازه می فرمائید ؟ در تفسیر ۱ هم یک عبارتی گمان میکنم افتاده است . (عوائدی مطابق قانون املاک اربابی مصوب ۲۰ دیماه ۱۳۰۴ املاک اربابیش افتاده است و باید نوشته شود که این

شود کدام قانون است

یاسائی - مالیات املاک اربابی

وزیر عدلیه - بلی مالیات املاک اربابی

رئیس - یکبار دیگر بخوانید

[ ماده دهم با اصلاحات فوق الذکر بشرح آتی قرائت شد ]

ماده ده - کسانیکه عایداتی از غیر منابع مذکوره در مواد فوق دارند در صورتی که عایدات خالص سالیانه آنها بیش از پانصد تومان باشد بتناسب ذیل مالیات خواهند داد

الف) از پانصد و یک تومان تا دو هزار تومان عایدات خالص سالیانه صدی یک نسبت به مازاد پانصد تومان

ب) از دو هزار و یکتومان تا شش هزار تومان عایدات خالص سالیانه نسبت به مازاد صدی دو

ج) از شش هزار و یکتومان عایدات خالص سالیانه نسبت به مازاد صدی سه

تفسیر ۱ - عوائدی که مطابق قانون املاک اربابی مصوب ۲۰ دیماه ۱۳۰۴ حاصل میشود محکوم به تأدیه مالیات مذکور در این ماده نبوده مطابق قانون مذکور

مالیات تأدیه خواهند نمود - مالیات اغنام و احشام که مطابق قانون مصوب ۲۱ امرداد ۱۳۰۷ ملغی است

تفسیر ۲ - مادام که مالیات مستغلات مخصوص به بلدییه ها است عوائد حاصله از مستغلات مشمول این قانون نخواهد بود

رئیس - موافقین با ماده ۱۰ بوضعی که قرائت شد قیام فرمایند

( اکثر بر خاستند )

رئیس - تصویب شد ماده یازدهم قرائت میشود :

ماده ۱۱ - نمایندگان سیاسی و قنصلی خارجه ایران از پرداخت مالیات مذکور در ماده ۱۰ این قانون معاف خواهند بود

رئیس - موافقین با ماده یازدهم قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد ماده دوازدهم قرائت میشود :

ماده ۱۲ - هر شرکت یا مؤسسه مکلف است در فروردین ماه هر سال صورتی از اسامی مستخدمین و اجزاء خود که میزان حقوق یا مزد سالیانه آنها از پانصد تومان تجاوز میکند بمالیه محل صورت بدهد و شرکت یا مؤسسه مذکوره برای مدتی که مستخدمین و اجزاء فوق الذکر در خدمت آنها هستند مسئول وصول و ایصال خواهد بود

رئیس - موافقین با ماده دوازدهم قیام فرمایند ( اغلب بر خاستند )

رئیس - تصویب شد ماده سیزدهم قرائت میشود :

ماده ۱۳ - مشمولین مواد (۲) و (۱۰) مکلف هستند تا آخر سال به تناسب عایدات سالیانه خود مالیات قانونی را بپردازند

مشمولین مواد (۴) و (۵) و (۶) و (۷) مکلف هستند تا ۱۵ خرداد هر سال اظهار نامه داده تحصیل جواز نمایند

میزان مالیات مشمولینی را که تا مواعد مقرر فوق اظهار نامه نداده اند مالیه معین خواهد کرد در اینصورت

هیچگونه اعتراض بمیزانی که مالیه معین کرده است از طرف مشمولین پذیرفته نخواهد شد مگر آنکه عذر موجه داشته و با مدارک کافی آنرا نزد مالیه محل اثبات نماید

رئیس - آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - اینجا این ماده ۱۳ یک ماده است که در واقع میتوانم عرض کنم که خیلی محل توجه است

که در مقام عمل همه گرفتارش هستیم حالا آقای وزیر عدلیه را توجه میدهم باشکالاتی که در این ماده است اشکالات اینست که در موقع عمل کردن باین قانون

همین ماده ۱۳ است و آن کدام است . مشمولین ماده ۲ که عبارت از تجار باشد ( وزیر عدلیه - شرکتهای ) مشمول

ماده ۲ هستند بعد ماده دهم همان انباری بود که آقای وزیر عدلیه فرمودند . ماده چهارم هم تجار و ماده پنجم اصنافند ماده شش هم دلال و حق العمل کار و اینها . غرض

این است گرچه در شور اول هم یک چیزی اشاره فرمودید ولیکن



آن جواب بنده را قانع نکرد و آن عرض این بود که شما در اینجا قضاوت را اینجور قرار دادید که مدعی را حاکم قرار دادید لا اقل این ترتیب را بحکمیت رجوع بدهید چون حکمیت در اینجا نیست اگر رجوع بحکمیت شود خوب است. ایراد بنده همین است و اگر جواب بفرمائید عرضی ندارم

وزیر عدلیه - تذکرانی که آقا دادید ما در نظر گرفتیم و همانطور هم اصلاح کردیم برای اینکه ملاحظه فرمودید در ماده ۱۴ و بعد در ماده ۱۵ میبینید که از تلفیق این دو ماده همان مطلب در می آید ماده ۱۴ میگوید کسانی که برای فرار از مقررات این قانون پایه میزان مالیات خود را کمتر از واقع قلمداد کنند پس از اثبات امر بتزیی که در ماده چهاردهم مذکور است (یکی از نمایندگان - پانزدهم) بلی در ماده پانزدهم اشتباه عبارتی است و باید اصلاح شود ماده پانزدهم می گوید هرگاه بین مالیه و مؤدی مالیات راجع بمیزان عایدات اختلافی حاصل شود به جز در مورد مذکوره در ماده ۱۳ این قانون هر يك از طرفین حق دارند بکمیسیون که مطابق ترتیب مشروح در ماده ده قانون موسوم بقانون مالیات املاک اربابی و دواب تشکیل خواهد شد رجوع نمایند که هر کدام از طرفین یکتفر را معین کنند و یکتفر هم یا بطور تراضی یا اینکه ازین معتمدین محل معین کنند (آقا سید یعقوب - ماده سیزدهم را خارج کرده اید) دونا مطلب است يك وقت در قضیه اختلاف است که واقعا حکم کنیم به بینیم این شخص باندازه که باید اظهار نامه بدهد داده است یا خواسته است کلاه سردولت بگذارد یکوقت این است که اصلا گفتگوی حکومت نیست در واقع باین آدم میگوئیم اظهار نامه ات را تا فروردین هر سال بده اگر نداد چه باید کرد بالاخره اینرا خود اداره باید معین کند اینجا محکمه نیست خود او مباباستی معین کند میگوید این کاری است در دست تو بوده است تو میبایستی اظهار نامه داده باشی حالا که ندادی من خودم میزان عایدات را معین می کنم اشکالی نیست

اگر کسی نمیخواهد گرفتار این مسئله باشد خردش بدد با وصف این ممکن است يك وقتی يك شخصی عذر و چه دانه باشد ناخوش باشد مسافر باشد این را گفتی اگر تفر وجه داشته باشد اینرا برود در مالیه بگوید دیگر برای این نه محکمه لازم است نه چیز دیگر امر اداری خیلی آسانی است ولی در اساس قضیه نظری را که شما گفتید مراعات کردیم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب  
آقا سید یعقوب - عرضم تمام شد  
رئیس - آقای عدل فرمایشی ندارید؟  
عدل - خیر.  
رئیس - پیشنهاد آقای فرشی قرائت میشود:  
مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکت  
این بنده ماده سیزده را بطریق ذیل پیشنهاد و اصلاح می نمایم:

در ماده سیزده مشمولین مواد ۴ و ۶ و ۷ و ۸ هستند تا ۱۵ خرداد اظهار نامه داده جواز بگیرند و حق الجواز را هر سال باسه قسط مساوی کارسازی نمایند الی آخره  
فرشی - در این ماده يك ابهامی است برای دهندگان مالیات که معلوم نیست باید يك دفعه بدهند و در مرتبه اول این مالیات را بدهند یا باقسط. اگر بنا باشد در مرتبه بدهند شاید اشکال داشته باشد این است که بنده در اینجا پیشنهاد کردم که باقسط بدهند آقای وزیر عدلیه هم قبول بفرمائید در کمیتش فرق نمیکند ولی در این برای مردم اسباب رفاهیت است.

وزیر عدلیه - بنده تمنا میکنم آقا موافقت بفرمائید ترتیب احتیاط و ارفاقهائی که باید بشود در ضمن قانون معین نشود. خود وزارت مالیه در ضمن نظامنامه خواهد کرد چون ممکن است در بعضی موارد يك احتیاط بشود که بفتح مردم نباشد و در بعضی مواقع بفرموده باشد این را بگذارید برای نظامنامه

رئیس - استرداد فرمودید  
فرشی - خیر.

رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای فرشی آیا اینکه قابل توجه میدانند قیام فرمائید (عده قلیلی بر خاستند)

رئیس - تصویب نشد. رأی میگیریم بماده سیزدهم آقایان موافقین قیام فرمائید (اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده چهاردهم:  
ماده ۱۴ - کسانی که برای فرار از مقررات این قانون پایه مالیات خود را کمتر از واقع قلمداد کنند پس از اثبات امر بتزیی که در ماده پانزدهم مذکور است معادل دو برابر مالیاتیکه بایست پرداخته شود خواهند پرداخت

رئیس - آقای شریعت زاده  
شریعت زاده - موافقم  
رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه اصلاح فرستاده بود اصلاح را بخوانید. این است که در ماده چهاردهم بل از کلمه پایه لفظ را باید اضافه کرد (وزیر عدلیه - پیشنهاد کنید) پیشنهاد میکنم. یا عوض پایه میزان آنها بده نوشته شود

رئیس - آقای هزار جریبی  
هزار جریبی - بنده هم همین عرض را میخواستم بکنم وزیر عدلیه - يك اشتباهی است که در هر صورت اصلاح بفرمایند است نمایانم آقای منشی اصلاح کرده اند یا خیر اینجا که میگوید پس از اثبات امر ترتیبی که در ماده چهاردهم مذکور است بجای ماده چهاردهم بگذاریم باید نوشته شود  
رئیس - (خطاب به آقای آقا سید یعقوب) - پیشنهادی

اگر دارید بفرمائید. پیشنهاد آقای مجد ضیائی قرائت میشود:  
مقام منبع ریاست مجلس دامت عظمت  
پیشنهاد میکنم در ماده ۱۴ تبصره اینطور اصلاح شود تقشیش در کلیه دفاتر و اوراق و محاسبات تجارتي و صنفی و شخصی برای تعیین پایه مالیات اکیدا ممنوع است  
رئیس - بفرمائید

مجد ضیائی - چون صنفی را در آنجا ذکر نکرده بودند (بعضی از نمایندگان - بلند تر) عرض کردم چون تقشیش در دفاتر اصناف را در آنجا ذکر نکرده بودند و صنف هم دفاتر منظم دارد پیشنهاد کردم که آنهم اضافه شود  
وزیر عدلیه - بکمر تبه دیگر بخوانید بنده ملتفت نشدم (پیشنهاد آقای مجد ضیائی مجدداً قرائت شد)

وزیر عدلیه - بنده نمیفهمم صنفی یعنی چه. وقتسی میگویند دفتر برای کارهای تجارتي است ام از اینکه جزو صنف باشد یا تاجر باشد تجارت است یا دفتر شخصی او است و تجارت نمیکند بنا بر این بنده نمیدانم این چه نفعی دارد. در هر صورت خیال شما راحت باشد ما در دفتر نمیخواهیم تقشیش کنیم

رئیس - تأمین شد نظریه آقا؟  
مجد ضیائی - بلی پس می گیرم

رئیس - دو سه پیشنهاد رسیده است که از حیث نتیجه مساوی است کلمه میزان قبل از پایه اضافه شود:  
پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب  
بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۴ قبل از کلمه پایه لفظ میزان اضافه شود  
رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - عرض کردم اینجا خدمت آقای وزیر عدلیه صحبت کردیم ایشان هم اصلاح کردند کلمه پایه مالیات معنی ندارد میزان پایه مالیات یا میزان مالیات باید نوشته شود که صریح باشد. این نظر بنده

است حالا هر طور که آقای وزیر عدلیه میفرمایند .  
 وزیر عدلیه - در خارج آقایان صحبت کردند و بنده  
 عرض کردم پیشنهاد کنید قبول میکنیم ولی حالا که  
 استدلال کردند چون بنده می بینم يك عده از آقایان در  
 سر این موضوع اظهار موافقت نمفرمایند میگوید همین  
 لفظ باشد اگر صحیح باشد همین پایه صحیح تر است  
 چون میزان او معین نمیکند میگوید من فلاقتدر عایدات  
 دارم در اظهار نامه . دولت می آید میزان مالیات را معین میکند  
 پس باید یا اینطور بنویسند که پایه مالیات باشد با این  
 توضیحی که بنده دادم که مقصود معلوم است یا اینکه باید  
 پایه میزان مالیات بنویسید . آقا پیشنهاد که میکنید  
 مقصودتان این است که سوء تعبیر نشود حالا پیشنهادتان  
 را پس بگیرید که توی پیشنهاد دیگر تفتیم یکی از  
 آقایان میگوید پایه یکی میگوید مأخذیکی میگوید چیز دیگر  
 آقا سید یعقوب - پایه میزان کنید اشکالی ندارد  
 وزیر داخله - پایه میزان که معنی ندارد .  
 آقا سید یعقوب - چه غلطی دارد ؟  
 رئیس - رأی میگیریم بقابل توجه بودن ....  
 آقا سید یعقوب - بنده استدلال می کنم برای اینکه  
 باید برگردد بکمسیون  
 دشتی - غلط است  
 آقا سید یعقوب - آقا استدلال می کنم غلط است  
 پیشنهاد آقای دکتر طاهری  
 مقام منبع ریاست دامت عظمته  
 پیشنهاد می شود در تبصره بعد از کلمه پایه اضافه  
 شود و میزان  
 رئیس - بفرمائید  
 دکتر طاهری - بقمیده بنده پایه مالیات و میزان  
 مالیات دو تا است اگر دو تا است هر دو را باید ذکر

کنید و بنده پیشنهاد می کنم که تفتیش برای تعیین  
 پایه مالیات و میزان مالیات ممنوع است . میزان  
 مالیات و پایه مالیات دو تا است این را تصدیق میفرمائید  
 ما پیشنهاد می کنیم هر دو ممنوع است تفتیش در  
 دفاتر و مراسلات تجارنی و شخصی برای تعیین پایه و  
 میزان مالیات اکیدا ممنوع است این را قبول بفرمائید  
 همه را مطمئن کنید .  
 وزیر عدلیه - ما خیلی افتاده ایم توی قسمت این  
 قضیه بنده خواهش میکنم این قسمت ادبی را بگذرانیم  
 و ماده هم همین ترتیب باشد برای اینکه جمع نمیشود  
 بکنیم نظر آقایان را اگر آقایان نظرشان یکی بود بنده  
 موافقت می کردم ولیکن بنده می بینم بین آقایان  
 اختلاف است  
 رئیس - نظر آقای دکتر طاهری چیست  
 میدارید یا رای بگیریم  
 وزیر عدلیه - آقا هم مسترد می کنند برای اینکه  
 اختلاف واقع نشود  
 دکتر طاهری - خوب مسترد میکنم  
 رئیس - آقایانیکه با ماده چهاردهم موافق هستند  
 قیام فرمایند  
 (اغلب برخاستند)  
 رئیس - تصویب شد . ماده پانزدهم قرائت میشود  
 ماده ۱۵ - هر گاه بین مالیه و مودی مالیات  
 راجع به میزان عایدات اختلافی حاصل شود  
 به جز در مورد مذکوره در ماده ۱۳ این قانون  
 يك از طرفین حق دارند بکمیدونی که مطابق ترتیب  
 مشروح در ماده ده قانون موسوم بقانون مالیات  
 اربابی و دواب (مصوبه ۲۰ دی ماه ۱۳۰۴) بکنند  
 خواهد شد رجوع نمایند ورأی اکثریت کمیدون قاطع  
 رئیس - موافقین با ماده پانزدهم ...

آقا سید یعقوب - اجازه خواستم آقا .  
 رئیس - بفرمائید .  
 عدل - بین رأی نمیشود صحبت کرد  
 آقا سید یعقوب - آقای وزیر عدلیه توجه بفرمائید  
 آقای عدل شوخی تان را بگذارید کنار . اینجا میگوید  
 هر گاه بین مالیه و مودی مالیات راجع بمیزان عایدات  
 اختلافی حاصل شود بجز در مورد مذکوره در ماده  
 ۱۳) کلام ما در اختلاف در میزان عایدات است  
 در ماده ۱۳ موضوع این بود که این عایدات را اظهار  
 نامه بدهد . این داخل در این ماده نبوده است که در  
 اینجا آورده اند . در آنجا هم سابق عرض کردم که این  
 بجز در مورد مذکور در ماده ۱۳ اینجا جا ندارد دو موضوع  
 است . يك دفعه است که در اول خرداد یا پانزدهم خرداد  
 اظهار نامه باید بیاورد بدهد اگر نداد مالیه محل میزانش  
 را میباید معین میکند يك دفعه اختلاف در سر عایدات  
 است مالیه میگوید عایدات نوشش هزار تومان است  
 او میگوید سه هزار تومان است این دو تا است خواستم  
 عرض کنم که این بجز در ماده ۱۳ مورد ندارد . این  
 نظر من آقای عدل الملك نه بیخشید آقای عدل مكرم الملك  
 وزیر عدلیه - اولاً بنده تصور میکنم اینجا يك اشتباهی  
 در خود عبارت شده و اینجا میزان مالیات است نه میزان  
 عایدات برای اینکه ممکن است بین بنده که جواز میگیرم  
 در جواز بگیرم با مالیه اختلاف شود . این است نوشتیم که هر گاه بین  
 مودی مالیات و مأمور اختلافی حاصل شود نه راجع  
 بعایدات چون در مسئله جواز هم اختلاف ممکن است حاصل  
 شود او را چه جور میخواهید حل کنید . البته بطریق  
 حکمیت خواهد بود اما راجع بآن قسمتی که فرمودند  
 ماده ۱۳ را چرا خارج کردیم علتش این است که اینجا  
 هم ممکن است اختلاف حاصل شود شما باید تا آخر  
 روز دین ماه اظهار نامه بدهید بنده مأمور مالیه چکار  
 میکنم بنده بر میدارم برای شما مالیات تعیین میکنم

شما ممکن است این را قبول نکنید . اگر قبول شد که  
 دعوائی نیست و اگر قبول نکرد بگوید اصلا مالیات من  
 این اندازه نیست برای اینکه عایداتم برای اینکه فروشم  
 این اندازه نیست آنوقت چه میشود . این اختلاف را  
 کجا باید حل کرد این اختلافی که حاصل شده اگر ما  
 اینجا اورا استثنا نکنیم آن شخص میگوید برویم بحکمیت  
 حل کنیم ما خواستیم جلو این را بگیریم چرا برای  
 اینکه این شخص خودش خواسته بود کار خودش را خراب  
 کند اگر خودش اظهار نامه بدهد بعد مالیه با او اختلافی  
 داشته باشد برود بحکمیت ولی اگر در مودع مقرر اظهار نامه اش  
 را نداد ما نمیگذاریم که او بیاید زحمت ما را زیاد کند مالیه  
 تحقیقاتی بکند از برای او يك عایداتی معین کند يك  
 مالیاتی معین کند آنوقت تازه بروند بحکمیت این بود  
 که ما خواستیم او را تصدیق کنیم که قدری کارش را  
 در موقع بکند و اظهار نامه اش را در موقع بدهد .  
 ولی قسمت اول را که عرض کردم میزان مالیات است  
 و میزان عایدات نیست باید اصلاح شود ( بیات -  
 عایدات است ) خیر میزان مالیات است برای اینکه  
 اگر این کار را نکنیم بنده که میخواهم جواز تجارت  
 بگیرم مگر نیایستی بنده هم بگویم تاجر درجه اول  
 هستم مگر ممکن نیست يك وقت بین دولت و تاجر اختلاف  
 شود او بگوید تاجر درجه دوم هستم و بعد هم دولت بيك دلایلی  
 بدون اینکه در دفاترش وارد شده باشد و تفتیش کرده باشد  
 تشخیص بدهد که این شخص تاجر درجه اول است  
 خوب اینجا هم اختلاف حاصل میشود اگر این اختلاف  
 مطابق آن اصول و کلیات برود بمحاکمات مالیه بطوریکه  
 در ماده سیزده نوشته شده و الا اگر بخواید بطریق  
 حکمیت قطع شود باید اینجا بنویسید میزان مالیات  
 بیات - پس مالیات و عایدات هر دو نوشته شود  
 وزیر عدلیه - میخواهید بنویسید میزان مالیات  
 و عایدات .  
 رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنظر بنده اشکالی که آقای آقا سید یعقوب کردند وارد است برای اینکه این ماده راجع است به دو قسمت مؤدیان يك عده هستند که پایه مالیات آنها عایدات آنهاست يك عده هم هستند که از حیث درجه بندی است آنهائی که در موعد مقرر باید حاضر شوند اگر این ماده راجع است بهر دو مورد باید تصریح شود عایدات و مالیات هر دو و اگر منحصرأ راجع به مالیات است و مربوط به عایدات نیست باید مالیات نوشته شود آقای وزیر عدلیه هم موافقت کردند که تصریح شود مالیات و عواید هر دو

وزیر عدلیه - مالیات و عایدات بنویسند هر دو بنده موافقم.

رئیس - آقای رفیع

رفیع - بنده هم در صورتی که باین ترتیب بشود نظریه ام تأمین میشود برای اینکه ممکن است اختلاف حاصل شود بین مأمور و مؤدی مالیات هم در مالیات هم در عایدات اگر راجع به مالیات باشد قانون معین کرده است اختلافی اگر باشد در عایدات نه در مالیات بنده اگر آقای وزیر عدلیه قرار میدادند که فقط مالیات باشد مخالف بودم حالا که موافقت فرمودند که هم مالیات باشد بالاخره قدر جامع شده است و بنده اشکالی ندارم رئیس - نظر آقای مخبر هم باین اصلاح موافق است مخبر - بنده تصور میکنم که در لایحه پیش که از طرف دولت داده بودند اینطور بود که الان هست حالا اگر آقای وزیر عدلیه میفرمایند که پیش هم مالیات بوده است اینجا هم باشد چه عرض کنم ولی در آن لایحه که ما نوشتیم عایدات است

رئیس - بالاخره آقا با افزودن این دو جمله موافقت میفرمایند مخبر - بلی خواستم عرض کنم (خنده نمایندگان) خنده ندارد آقا. در لایحه اول دولت اینطور بوده. حالا موافقت

رئیس - رأی میگیریم بماده با افزودن که مالیات قبل از عایدات آقایان موافقین قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده شانزدهم:

ماده ۱۶ - مالیاتهای مقرر در این قانون از اول سال ۱۳۰۹ مأخوذ خواهد شد

رئیس - رأی میگیریم بماده شانزدهم آقایان موافقین قیام فرمایند (اغلب نمایندگان برخاستند)

رئیس - تصویب شد. مذاکره در کلیات است. آقای

دکتر طاهری

دکتر طاهری - عرضی که بنده خواستم بکنم اینست که از جوابی که آقای وزیر عدلیه میفرمایند مطمئن کامل حاصل شود این است که در مقابل این لایحه این تبصره که در ماده چهاردهم وضع شد جواب تمام ایرادات بود که این مالیات ها اسباب این میشود که اختلافی بین مالیه و مؤدیان تولید شود بالاخره عرافه آنست که راست گفتید دروغ گفتید و چنین گردید و چند گردید و هر روز اسباب گرفتاری شود بالاخره نواقضی که يك تبصره ماده ۱۴ اضافه شود که میگوید تقنینی در دفاتر و اوراق و محاسبات تجارتي راجع باین قانون راجع به مالیاتهای این قانون هیچگونه تقنینی نباشد بنده برای اینکه کاملاً تصریح شود در این موضوع چه

کاهی میشود يك مطلب مسلمی و بدیهی وقتی تحت عبارتی بیرون می آید ممکن است در آن عبارت تعبیر تفسیر میشود در مالیه يك تعبیراتی ممالاری می کنند از این جهت برای اینکه کاملاً اینجاست توضیح شود و اطمینان بدهند آقای وزیر عدلیه که موافقت این لایحه هستند که مقصود این است که مالیات هر که در این قانون مقرر است در طرز پرداختش به خود تقنینی در دفاتر و اوراق و محاسبات تجارتي و شخصی و اکیداً ممنوع است

وزیر عدلیه - بنده که اینجا آمدم در حقیقت از برای عرض دو تشکر است یکی تشکر از تمام آقایان که موافقت فرمودند همراهی فرمودند این لایحه را سعی کردند تمام کردند (یکی از نمایندگان - هنوز تمام نشده) خوب بنده می دانم آقایان رای خواهند داد. من بلطف آقایان بیشتر از آنچه شما امیدوار هستید امید وارم. یکی هم تشکر از آقا بود که در حقیقت اینجا آمدند و وزیر برای عرایضی که بنده در پشت تریبون میکنم یکقدر و منزلی بیشتر از عبارت خود قانون قائل شدند. قانون در اینجا گفته است که تقنینی در دفاتر و اوراق و محاسبات تجارتي و شخصی برای تعیین پایه مالیات اکیداً ممنوع است. با این صراحت بنده گمان میکنم که هیچ محتاج توضیح نیست (صحیح است) با این حال بنده صراحة اینجا عرض میکنم بطور قطع و یقین که دولت هیچ نیق ندارد و چورت هم اینطور عمل نخواهد کرد و امید وار هم هست که مردم هم در مقابل این خود داری دولت در تقنینی در اوراق و اسناد و مداخله در کارها جنبه اخلاقی و حالت روحی خودشان را بیک شکلی نشان بدهند که هم اسباب افتخار مملکت شود و هم دولت پشیمان نشود از این اعتمادی که نسبت به مردم کرده

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده هم کاملاً معتقدم که مذاکرات کافی است و بیک نکته هست که بنده اینجا از او میترسم که بالاخره قانون وقتی از مجلس شورای ملی میگذرد اگر این جزئیاتی که اینجا هست توضیح نشود قانون در دست آقایانی که اجرا می کنند نمیتواند ممکن است يك سوء تعبیراتی شود که اسباب مشکل شود. اینجا دو موضوع بود که بنده می خواهم خدمتتان عرض کرده باشم یکی موضوع تقنینی که از قبیل دندانساز و قابله و بیطارها و کجالت

که اینها را اگر بخوایم ذکر بگیریم باید اینجا توضیح داده شود آقای وزیر عدلیه توضیح بدهند که اینها هم در همان ردیفند چون اسمی در قانون برده نشده. یکی هم موضوع طبقاتی هستند که اینها معاف میشوند از اصناف طبقاتی هستند که عایدات آنها بان میزان نمیرسد که مالیات بردارند و اینها معاف هستند. میخواستم از آقای وزیر عدلیه سؤال کنم که اینها که معاف میشوند ورقه جواز معافی با آنها خواهند داد یا خیر اگر چنانچه فرمودند میدهند بجه ترتیب و چه جور است که آنها را دچار زحمت و اشکال نکنند و با اینکه اینجا توضیح بدهند که آنهائیکه عایداتشان کمتر از این مبلغ است اینها معاف هستند محتاج باخذ جواز معافی نخواهند بود

وزیر عدلیه - راجع به قسمت دندانساز و کجالت و امثال اینها دکتر هستند و جزو اطبا هستند اما راجع به قسمت دوم مسئله جواز کلیه راجع بجواز باید نظامنامه تهیه شود و اساساً بنده تصور نمیکنم در نظامنامه باید اینجا بیاییم و بحث کنیم ولی قطع دارم وقتی که نظامنامه را خواهند نوشت نباید باین فکر باشند که از برای هر بقالی يك جوازی بدهند يك عمل لغوی است يك خرج زیادی است ما بکسانی باید جواز بدهیم که در حقیقت مشمول میشوند و این هم در نظامنامه که البته با يك مطالعات بیشتری نوشته میشود تأمین خواهد شد که بعدها اسباب زحمت مردم نشود

جمعی از نمایندگان - کافی است مذاکرات

رئیس - موافقین با کلمات مذاکرات قیام فرمایند (اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی میگیریم بلا لایحه مالیات بر عایدات آقایان موافقین ورقه سفید خواهند داد (اخذ آراء بعمل آمده ۶۲ ورقه سفید و دو ورقه کبود تعداد شد)

## قانون

## حق الثبت و سائط نقلیه

ماده اول - از تاریخ اجرای این قانون حق الثبت ذیل از وسائط نقلیه بترتیب اقساط ماهیانه ماخوذ خواهد شد.

الف - از اتومبیل های بارکش ( کامیون )	سالیانه	تومان
۱ - از کامیونهای يك تونی و دوتونی	«	۶۶
۲ - « « سه تونی و چهار تونی	«	۸۴
۳ - « « پنج تونی به بالا	«	۱۰۸
ب - از اتومبیل های شخصی و کرایه برای مسافری	«	۱۲۰
ج - از کامیونها و اتوبوسها کرایه برای مسافری	«	۱۸۰
د - از گارها، دلیجانهای سه اسبه و چهار اسبه	«	۳۶
ه - از کالسکه و درشکه شخصی و کرایه	«	۳۶
و - از عرابه های دو اسبه	«	۱۸
ز - از موتورسیکلت ها	«	۱۲

ماده دوم - از وسائط نقلیه خارجی که موقتاً داخل خاک ایران میشوند بابت هر يك ماه یا هر قسمت از ماه که در داخله توقف نمایند خمس حق الثبت تمام سال که در فوق ذکر شده است دریافت خواهد شد.

ماده سوم - صاحبان وسائط نقلیه در دو ماده فوق مکلف هستند که در ظرف دو هفته دارا بودن آنها را بمأمورین مالیه محل اطلاع بدهند و الا برای مدتی که مالیات پرداخته باشند ضعف مالیات از آنها مأخوذ خواهد شد و در صورت استتکاف عین وسائط نقلیه توقیف و پس از شش ماه در صورت عدم پرداخت ضعف مالیات تا نوزده توقیف و مخارج نگاهداری بفروش رسیده و مازاد طلب مالیه بصاحبان آنها مسترد خواهد شد.

در صورتیکه صاحبان وسائط نقلیه بخواهند آنها را از جریان خارج نمایند باید اداره مالیه محل اطلاع بدهند تا اینکه وسائط نقلیه مذکوره بمهر سربی ممهور ( پلمب ) شود بطوریکه قابل حرکت نباشد و از تاریخ پلمب شدن دیگر مالیات از آنها مأخوذ نخواهد شد. برداشتن پلمب باید بوسیله مأمورین مالیه بعمل آید.

تبصره ۱ - برای امتحان و آزمایش که در موقع فروش وسائط نقلیه پلمب شده معمول است و تعمیر مأمورین مالیه مکلف هستند بتقاضای طرفین معامله پلمب را برداشته و جواز موقت برای امتحان و آزمایش و یا تعمیر بدهند.

تبصره ۲ - در صورتیکه صاحبان وسائط نقلیه برای توقف وسائط نقلیه خود محلی را پیشنهاد نمایند اداره حق الثبت مکلف بموافقت خواهد بود.

ماده چهارم - وسائط نقلیه مخصوص سلطنتی و قشونی و مأمورین سیاسی خارجه از تأدیه مالیات معاف خواهند بود و بقیه وسائط نقلیه اعم از دولتی و وسائط نقلیه متعلق بصاحبمنصبان و سایر اعضای مؤسسات ملی لشکری و کشوری محکوم بتأدیه مالیات خواهند بود.

رئیس - عده حاضرین ۸۷ با کثرت ۶۲ رای  
تصویب شد.

رئیس - سه یاد آوری لازم است. یکی آقای وزیر عدلیه و مخیر بنده را مطلع کردند که در قانون رعایت شود اولاً دو تا اصلاح آقای مخیر در لایحه کرده بودند که ما قرائت کردیم میگویند که فراموش کرده اند تذکر بدهند تذکر میدهم یکی اضافه لفظ ( شده است ) در تبصره ماده دوم که از مجموع عایدات پس از وضع مخارجی که برای تحصیل عایدات شده است. این يك تذکر تذکر دوم راجع به ماده ۱۲ است که صاحبان مغازه و شرکتها مأمور وصول مالیات هستند (وزیر عدلیه - وصول و ایصال مالیات آنان)

یکی هم عنوان قانون مالیات بر شرکتها و مخیرین و غیره است نه مالیات بر عایدات این سه تذکر را میخواستم عرض کنم

[ ۶ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]

رئیس - اگر اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم [ صحیح است ] جلسه آینده پنجشنبه ۱۴ فروردین ماه سه ساعت قبل از ظهر دستور انتخاب هیئت رئیسه ( مجلس ساعت هفت بعد از ظهر ختم شد )

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

اسامی موافقین - آذیان ، ابلخان - روحی - ایزدی - مؤید احمدی - صادقی - مخیر فرزند - دکتر انان - شاد - پدکظم بزدی - دیوان یکی - جمشیدی - اسعد - جلایی - دکتر طاهری - نوحی - مالک زاده - ذوالقدر - انور - شریعت زاده - مقدم - ملک مدنی - اسدی - ساکنتان - عدل - خواجری - مجدضیائی - فلاوند - لاریجانی - امیر نوری - دهستانی - فهیمی - طباطبائی و کلبی - پاسانی - دستانی - ناصری - هزارجریبی - بیات - رفیع - آقاجانی - آذیان - افغنی - ضاء - کاشانی - طباطبائی دیبا - عبدالحسینخان دیبا - شریفی - زوار - دکتر سنک - حبیبی - قاضی نوری - امیر خان اعلم - کبا نوری - دربانی - عرفانی - مولوی - میرزا بانس - بیات ماکو - بالزی - اسفندیاری - اسامی مخالفین - آذیان ، فرورز آبادی - طلوع

ماده پنجم - عوائد حاصله از حق الثبت تقلیه جزء عوائد عمومی مملکت محسوب خواهد گردید.  
 ماده ششم - مالیاتهای مذکوره در این قانون از اول سال ۱۳۰۹ مأخوذ خواهد شد و مواد مربوطه بواسطه تقلیه در قانون مالیات راه و الغای عوارض و مالیاتهای بلدی مصوبه ۱۹ بهمن ۱۳۰۴ از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.  
 این قانون که مشتمل بر شش ماده است در جلسه دوازدهم فروردین ماه یکهزار و سیصد و شصت و شش بتصویب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

## قانون

### مالیات بر شرکتها و تجارت و غیره

ماده اول - از تاریخ اجرای این قانون مالیاتهای ذیل بمیزان و ترتیبی که در مواد آتی ذکر میشود مأخوذ خواهد شد  
 ماده دوم - شرکت های انتفاعی و کارخانجات بااستثنای بانک ها و سایر مؤسسات صرافی  
 ۱ - - در صورتیکه مرکز اصلی آنها در ایران باشد - از پنجهزار تومان تا صد هزار تومان عایدات خالص سالیانه خود صدی سه ۳/۱۰۰ از صد هزار و یکتومان تا یک میلیون عایدات خالص سالیانه نسبت به میزان صد هزار تومان صدی سه و نیم ۳/۰۴۰  
 از یک میلیون و یک تومان به بالا نسبت بمازاد از یک میلیون تومان صدی چهار ۴/۱۰۰ مالیات خواهند داد  
 ب - در صورتیکه مرکز اصلی آنها در خارج ایران باشد - از عوائد خالصی که از عملیات بمحصلات بدست آمده در ایران تحصیل میشود (بتناسبی که فوقاً ذکر شد) مالیات خواهند پرداخت  
 تبصره - عایدات خالص عبارت است از مجموع عایدات پس از وضع مخارجی که برای تحصیل آن عایدات شده است.

ماده سوم - بانک ها و سایر مؤسسات صرافی و فروشندگان بروات به تناسب نیم درهزار از بروات و اوراق تجارنی که میفروشند مالیات تمیز خواهند پرداخت .  
 تمیز مبالغ کمتر از صدتومان معادل با دهشاهی خواهد بود  
 برای هر ورقه چک ( بدون رعایت مبلغ ) یکصد دینار مالیات تمیز خواهند پرداخت .

ماده چهارم - - تجار بترتیب ذیل مالیات جواز خواهند داد

۱	تاجر درجه اول	سالیانه	۲۵۰	تومان
ب	تاجر درجه دوم	"	۱۵۰	"
ج	تاجر درجه سوم	"	۸۰	"
د	تاجر درجه چهارم	"	۳۰	"

تبصره ۱ - تاجر درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از شصت هزار تومان باشد

تاجر درجه دوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از چهل هزار تومان و منتهی شصت هزار تومان باشد  
 تاجر درجه سوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از بیست هزار تومان و منتهی چهل هزار تومان باشد  
 تاجر درجه چهارم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از پنج هزار تومان و منتهی بیست هزار تومان باشد .  
 تبصره ۲ - تاجری که میزان فروش سالیانه اش از پنجهزار تومان تجاوز نمی کند از پرداخت مالیات معاف است

ماده پنجم - اصناف بترتیب ذیل مالیات خواهند داد

۱ -	صنف درجه اول	سالیانه	۱۰۰	تومان
ب -	"	"	۴۸	"
ج -	"	"	۱۸	"

تبصره ۱ - صنف درجه اول کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از چهل هزار تومان باشد  
 صنف درجه دوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از بیست هزار تومان و منتهی چهل هزار تومان باشد  
 صنف درجه سوم کسی است که میزان فروش سالیانه اش بیش از پنجهزار تومان و منتهی بیست هزار تومان باشد  
 تبصره ۲ - صنفی که میزان فروش سالیانه اش از پنجهزار تومان تجاوز نمی کند از پرداخت مالیات معاف است

ماده ششم - دلال و حق العمل کار بترتیب ذیل مالیات خواهند داد

حق العمل کار و دلال درجه اول	سالیانه	۱۰۰	تومان
"	"	۵۰	"
"	"	۳۰	"

تبصره ۱ - حق العمل کار و دلال درجه اول کسی است که واسطه معامله بیش از صد هزار تومان در سال باشد  
 حق العمل کار و دلال درجه دوم کسی است که واسطه معامله بیش از پنجاه هزار تومان و منتهی صد هزار تومان باشد  
 حق العمل کار و دلال درجه سوم کسی است که واسطه معامله بیش از سی هزار تومان باشند از پرداخت مالیات معاف خواهند بود

ماده هفتم - وکلاء عدلیه و اطباء متناسب ذیل مالیات خواهند داد :

الف	ب	ج	سالیانه	در طهران	در آیالات و ولایات
طیب و وکیل درجه اول	" "	" "	"	۱۱۰ تومان	۶۰ تومان
" " " دوم	" "	" "	"	۴۸	۲۲
" " " سوم	" "	" "	"	۶	۳

ماده هشتم - طبقات مذکور در مواد ۴ و ۵ و ۶ و ۷ برای اشتغال بمشاغل خود باید جواز تحصیل نمایند و مبلغ مذکور در آن مواد بعنوان حق جواز اخذ خواهد شد. هر يك از افراد طبقات مذکور در مواد ۴ و ۵ مكلف هستند اظهار نامه که حاکی از میزان فروش سال قبل و مشخص درجه بندی آنها خواهد بود بمالیه محل بدهند

افراد طبقات مذکور در ماده ۷ درجه خود را در ضمن اظهارنامه که خواهد داد معین مینمایند و بمشاغل مذکور در مواد ۴ و ۵ و ۶ بدون تحصیل جواز ممنوع بوده و متخلفین بجریمه معادل دو برابر حق جواز محکوم خواهند شد

ماده نهم - کسانی که از عواید مملکتی و بلدی ایران حقوق میگیرند باستثناء نظامیان و صاحبان انبیا و نظمی و کسانی که از صندوق تقاعد استفاده میکنند متناسب ذیل مالیات خواهند داد

الف - هر کسی بیش از سی و پنج و منتهی پنجاه تومان حقوق ماهیانه میگیرد نیم درصد از کل حقوق  
ب - هر کسی بیش از پنجاه و منتهی صد تومان حقوق ماهیانه میگیرد نسبت بمازاد يك و نیم درصد  
ج - هر کسی بیش از صد و منتهی دویست تومان حقوق ماهیانه میگیرد نسبت بمازاد دو درصد  
د - هر کسی بیش از دویست تومان حقوق میگیرد نسبت بمازاد چهار درصد

ماده دهم - کسانی که عایداتی از غیر منابع مذکور در موارد فوق دارند در صورتیکه عایدات خالص سالیانه بیش از پانصد تومان باشد متناسب ذیل مالیات خواهند داد

الف - از پانصد و يك تومان تا دو هزار تومان عایدات خالص سالانه صدی يك نسبت بمازاد پانصد تومان

ب - از دوهزار و يك تومان تا شش هزار تومان عایدات خالص سالیانه نسبت بمازاد صدی دو  
ج - از شش هزار و يك تومان عایدات خالص سالیانه بیلا نسبت بمازاد صدی سه

تبصره ۱ - عوایدی که مطابق قانون مالیات املاک اربابی مصوب ۲۰ دی ماه ۱۳۰۴ حاصل میشود محکوم بتأدیبه مالیات مذکور در این ماده نبوده و مطابق قانون مذکور مالیات تأدیبه خواهند نمود مالیات و احشام که مطابق قانون ۲۱ مرداد ۱۳۰۷ ملغی است کماکان ملغی خواهد بود

تبصره ۲ - مادام که مالیات مستغلات مخصوص ببلدییه ها است عوائد حاصله از مستغلات مشمول این قانون نخواهد بود

ماده یازدهم - نمایندگان سیاسی و قونسولی خارجه در ایران از پرداخت مالیات مذکور در ماده ۱ این قانون معاف خواهند بود

ماده دوازدهم - هر شرکت یا مؤسسه مکلف است در فروردین ماه هر سال صورتی از اسامی مستخدمین و اجزاء خود که میزان حقوق یا مزد آنها از پانصد تومان تجاوز میکند بمالیه محل صورت بدهد و شرت یا مؤسسه مذکوره برای مدتی که مستخدمین و اجزاء فوق الذکر در خدمت آنها هستند مسؤل وصول و ایصال مالیات آنان خواهد بود

ماده سیزدهم - مشمولین مواد ۲ و ۱۰ مکلف هستند تا آخر سال متناسب عایدات سالیانه خود مالیات قانونی را بپردازند مشمولین مواد ۴ و ۵ و ۶ و ۷ مکلف هستند تا ۱۵ خرداد هر سال اظهار نامه داده تحصیل جواز نمایند. میزان مالیات مشمولینی را که تا مواعد مقرر فوق اظهار نامه نداده اند مالیه معین خواهد کرد و در این صورت هیچگونه اعتراضی بمیزانی که مالیه معین کرده است از طرف مشمول پذیرفته نخواهد شد مگر آنکه عذر موجه داشته و با مدارك كافی آنرا نزد مالیه محل اثبات نماید

ماده چهاردهم - کسانی که برای فرار از مقررات این قانون پایه مالیات خود را کمتر از واقع قلمداد کنند پس از اثبات امر بترتیبی که در ماده ۱۵ مذکور است معادل دو برابر مالیاتی که بایست پرداخته شود خواهند پرداخت

تبصره - تقنین در دفاتر و اوراق و محاسبات تجاری و شخصی برای تعیین پایه مالیات اکیداً ممنوع است  
ماده پانزدهم - هر گاه بین مالیه و مؤدی مالیات راجع بمیزان عایدات و مالیات اختلافی حاصل شود بجز در مورد مذکور در ماده ۱۳ این قانون هر يك از طرفین حق دارند بکمیسونی که مطابق ترتیب مشروع در ماده ۱۰ قانون موسوم بقانون مالیات املاک اربابی و دواب (مصوبه ۲۰ دیماه ۱۳۰۴) تشکیل خواهد شد رجوع نمایند و رأی اکثریت کمسیون قاطع است

ماده شانزدهم - مالیاتهای مقرر در این قانون از اول سال ۱۳۰۹ مأخوذ خواهد شد  
این قانون که مشتمل بر شانزده ماده است در جلسه دوازدهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و نه شمسی بصوب مجلس شورای ملی رسید

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر